

# فصلنامه علم

# پژوهش

شماره ۶ - زمستان ۹۹

## مقالات و پژوهشگران

- ♦ تبیین و بررسی منزلت زن در اندیشه بانو امین اکرم قربانی
- ♦ خانواده مطلوب و نقش آن در جامعه متعادل فریده فاطمی مهر
- ♦ نظر مقام معظم رهبری در میزان توانمندی زنان مسلمان در ایجاد تمدن اسلامی فاطمه هادیان
- ♦ نقدی بر مقاله کارکردهای اجتماعی حجاب حجت لطفی قراملکی

## یادداشت

- ♦ سیره مبارزات سیاسی حضرت زهرا در دفاع از مقام ولایت
- ♦ فائز سادات عظیم زاده اردبیلی و فاطمه رضوی راد

## نشست

- ♦ نشست علمی «دلالت‌های بیانیه گام دوم در ساحت حکمرانی فضای مجازی»
- ♦ دکتر عزیز نجف‌پور آقاییگلو و دکتر سید محمدحسین هاشمیان

## چهره ماندگار

- ♦ حجت الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجلس  
استشارات  
علمیه  
خواهران

# پیژوهشیه

فصلنامه علمی؛ ویژه‌نامه حجاب و حکومت اسلامی  
مدیریت حوزه علمیه خواهران استان قم

## صاحب امتیاز:

مدیریت حوزه علمیه خواهران استان قم

## مدیر مسئول:

طاهره حیاتی

## سر دبیر:

سعیده رحیمی

## ویراستار:

منیره معلمی

## مدیر اجرایی:

محبوبه گلستانی‌فر

## طراح لوگو، جلد و صفحه‌آرا:

منیره معلمی

## هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

سیدرضا حسین‌زاده، محمد داداش‌پور، زهره رنجبر، لیلا صابری، عظیم عابدینی

زمستان ۱۳۹۹

هیئت تحریریه در تلخیص، اصلاح و ویرایش علمی و ادبی مقالات آزاد است.  
دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات، صرفاً دیدگاه نویسندگان محترم آنهاست.  
کلیه حقوق مادی و معنوی فصلنامه‌ی پژوهشیه محفوظ است.



## شیوه‌نامه‌ی تدوین مقالات

مقاله به ترتیب شامل عنوان، چکیده (بیان مسئله، هدف، روش تحقیق، یافته‌ها یا نتیجه‌گیری)، واژگان کلیدی، مقدمه (تعریف مسئله، پیشینه، اهمیت، دلیل جدید بودن موضوع)، متن اصلی و فهرست کامل منابع خواهد بود.  
نام، نام خانوادگی، رتبه علمی، ایمیل و شماره تماس نویسنده(گان)

### ویژگی‌های ظاهری:

- مقاله در محیط ۲۰۰۳ word یا بالاتر و قلم B lotus با اندازه ۱۴ ارائه شود.
- حجم مقاله حداقل ۱۰ و حداکثر ۳۰ صفحه بوده و مجموع کلمات در مقاله بیش از ۷۰۰۰ کلمه نباشد.

- حجم چکیده بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ کلمه باشد.

### الزامات نگارشی:

- رعایت دستور زبان فارسی و شیوه نگارش، مطابق با شیوه‌نامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

<http://jsdp.rcisp.ac.ir/content/۲۳>

- سلیس و روان بودن نوشتار
- اهتمام به استفاده از واژه‌های فارسی به جای واژه‌های بیگانه و ترجمه واژه‌های بیگانه در پانوست.

- قرار دادن نقل قول‌های مستقیم داخل «گیومه».
  - حرکت‌گذاری صحیح آیات و روایات.
  - به‌کارگیری صورت صحیح اشعار، ضرب‌المثل‌ها و ....
  - جدا نوشتن علامت جمع «ها» از کلمات و رعایت نیم‌فاصله مانند: کتابها-> کتاب‌ها
- نحوه ارجاع‌دهی:

o ارجاعات به صورت درون‌متنی صورت گیرد:

- شکل کلی ارجاع: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه) مثال: (حسینی، ۱۳۸۹:

ص ۲۵)

- آثاری که چند جلد دارند: (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۵)



- آثاری که دو نویسنده دارند: (احمدی و وکیلی، ۱۳۹۲: ص ۲۶)
- آثاری که بیشتر از دو نویسنده دارند: (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۴۷)
- چند ارجاع در کنار هم: (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۵؛ حسینی، ۱۳۸۹: ص ۲۵)
- تکرار ارجاع: همانند بار اول بیان شود و از به کار بردن کلمات «همان»، «پیشین» و ... خودداری گردد.
- چند اثر از یک نویسنده در یک سال: با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار آثار از یکدیگر متمایز شوند؛ مانند: (طباطبایی، ۱۳۷۶ الف: ج ۲، ص ۵)
- کتاب‌نامه به صورت زیر آورده شود:
- ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین:
- کتاب: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب. شماره چاپ. ترجمه نام و نام خانوادگی مترجم. جلد. محل انتشار: نام مؤسسه انتشاراتی.
- مثال: خندان، علی اصغر. ۱۳۸۰. مغالطات. چاپ یازدهم: ۱۳۹۵. قم: بوستان کتاب.
- مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. «عنوان مقاله». نام مجله. دوره یا شماره مجله.
- مثال: درویشی، امید. ۱۳۸۷. «تأثیر متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت». انتظار موعود، شماره ۲۷.
- مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. «عنوان مقاله». در نام کتاب. نام ویراستار. محل انتشار: نام ناشر.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام. «عنوان مقاله». تاریخ دریافت مطلب. آدرس پایگاه الکترونیکی
- عنوان کتاب یا عنوان مقاله باید به صورت Bold و ایتالیک باشد.

ارسال مقاله به شناسه @Qom\_Pajoohe در پیام‌رسان ایتا به صورت فایل word ذکر شماره تماس و ایمیل در بخش معرفی نویسنده (گان) ضروری است. فصلنامه پژوه در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و از مقالاتی که حاوی نقد مقالات شماره‌های قبل باشند، استقبال می‌کند. این گونه مقالات، داوری شده و بعد از پذیرش، در اولویت انتشار قرار می‌گیرند.

## فهرست

### مقالات

- تبیین و بررسی منزلت زن در اندیشه بانو امین ..... ۹  
اکرم قربانی
- خانواده مطلوب و نقش آن در جامعه متعادل ..... ۲۹  
فریده فاطمی مهر
- نظر مقام معظم رهبری در میزان توانمندی زنان مسلمان در ایجاد تمدن اسلامی... ۴۹  
فاطمه هادیان
- نقدی بر مقاله کارکردهای اجتماعی حجاب ..... ۷۱  
حجت لطفی قراملکی

### یادداشت

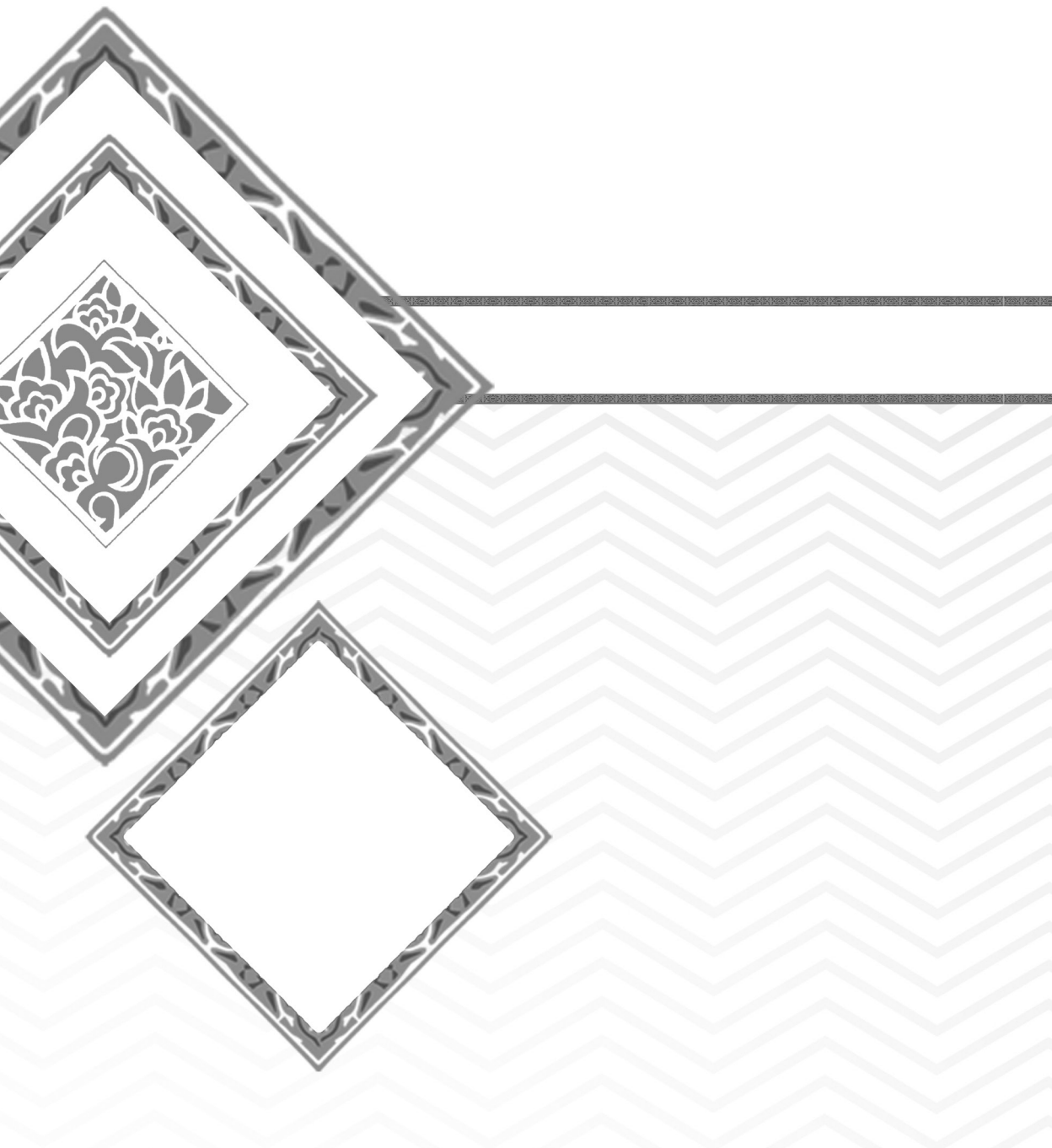
- سیره مبارزات سیاسی حضرت زهرا در دفاع از مقام ولایت ..... ۸۹  
فائزه سادات عظیم زاده اردبیلی و فاطمه رضوی راد

### نشست

- نشست علمی «دلالت‌های بیانیه گام دوم در ساحت حکمرانی فضای مجازی»... ۹۷  
دکتر عزیز نجف‌پور آقاییگلو و دکتر سید محمدحسین هاشمیان

### چهره ماندگار

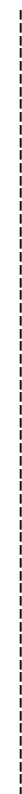
- حجت‌الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان ..... ۱۰۳



# مقالات









## تبیین و بررسی منزلت زن در اندیشه بانو امین

اکرم قربانی<sup>۱</sup>

### چکیده

تعالیم اسلام نگاهی متعالی به جایگاه زن دارد و زن را انسانی کامل قلمداد می‌کند. با این وجود بیش از هر مکتب و آئینی به نادیده گرفتن حقوق زنان متهم شده است. بانو امین نمونه جامع علم و عمل زن مسلمان عصر حاضر است که در این مقاله تلاش شده است با بررسی آثار وی به روش کتابخانه‌ای- توصیفی و آشنایی با نگاه فلسفی، تفسیری و تربیتی وی به منزلت زنان، به تبیین صحیح از نقش حقیقی زن در اسلام دست یافت. بانو امین معتقد است زن و مرد هر دو از روح خدا هستند و از جهت ماهیت و فطرت و آنچه لازمه انسانیت است با یکدیگر یکسان‌اند. در اندیشه بانو امین، زن مظهر جمال خلقت است و کلاس اول تربیت بشر، دامن مادر است و فرزند از طریق مادر به سعادت یا شقاوت می‌رسد. از سویی ایشان معتقد است ارتقاء هر قوم و ملتی از ارتقاء زنان آن ملت سرچشمه می‌گیرد و هر خلُق خوب یا بد اجتماعی ریشه در خانواده دارد. بانو امین رقت قلب، محبت، بردباری و از خودگذشتگی و خانه‌نشینی را از فضایل زن می‌شمرد که وی را در رسیدن به حق یاری می‌دهند.

واژگان کلیدی: منزلت زن، حقیقت انسانی، غایت آفرینش، خانواده، اجتماع، مجتهد بانو امین.

## مقدمه

از گذشته حیات بشر تاکنون زنان همواره در جامعه در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقشی بسزا داشته‌اند. اهمیت خانواده، بنیادی‌ترین نهاد و رکن اجتماع انسانی که همواره مورد توجه بوده بر کسی نهان نیست. خانواده مرکز انتقال ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، فرهنگ و تمدن و پرورش نسل‌ها است. بانوان گذشته از جایگاه و ارزش انسانی و نقش‌های اجتماعی عنصری محوری در تحکیم و تقویت بنیان خانواده هستند که مسئولیت فرزند پروری و همسری را بر عهده دارند و همواره دوشادوش مردان در عرصه‌های مختلف زندگی حاضر و مؤثر بوده‌اند. بر کسی پوشیده نیست که زنان نقش اساسی در اصلاح جامعه و پرورش نسلی فرهیخته دارند. مادران مؤمن و آگاه می‌توانند فرزندان لایق تحویل جامعه دهند همان‌گونه که در طول حیات بشر مردان بزرگ و سازندگان اجتماع در دامن مادران تربیت یافته‌اند. حضور سیاسی زنان در نهضت تنباکو و انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای از نقش‌آفرینی زنان در امور سیاسی است. زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند بنابراین نیروی انسانی قابل تأملی در جامعه هستند که ارتقا علمی ایشان در اعتلا و پیشبرد اهداف یک جامعه تأثیرگذار و نقش‌آفرین است.

در عصر حاضر زنان با چالش‌ها و بحران‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و... روبرو هستند که بسیاری از آن‌ها رهاورد عدم شناخت زنان نسبت به حقیقت و جایگاه ارزشی خویشتن در نظام هستی است که موجب می‌شود ایشان برای اثبات جایگاه خود و به رخ کشیدن توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان به جامعه انسانی تلاش کنند. در صورتی که اگر زنان ابعاد انسانی، ارزشی و استعدادهای فطری و معنوی خویش را بشناسند و به جامعه بشری بشناسانند و بر اساس آن حقوق انسانی خویش را ترسیم کرده، تلاش و توجه خود را در رسیدن به کمالات شایسته و بایسته معطوف سازند دیگر به بازیچه‌ای در دست سیاست ورزان و ابزاری سودآور در دست نظام سرمایه‌داری و کانون‌های حقوق بشری بدل نمی‌گردند.

در دوران کنونی آموزه‌های دین اسلام درباره زنان از سوی منتقدان غربی به‌ویژه حامیان فمینیسم، مورد نقدهای تند قرار گرفته است و ایشان درصددند نگاه اسلام به زن را نگاهی تحقیرآمیز جلوه دهند. انسان نبودن زن، برتری ارزشی و ایمانی مرد نسبت به زن، نادیده گرفته شدن حقوق اجتماعی و فردی زن، ازجمله شبهاتی است که در حوزه زنان



به آموزه‌های اسلام وارد شده است. برداشت‌های سطحی، استناد به منابع غیرقطعی و تکیه بر نظرات افراد غیرمتخصص و... را می‌توان از عواملی شمرد که بستر این اتهامات را فراهم کرده است، بنابراین امروزه مطالعه در حوزه زنان و بررسی مبانی و اصول اسلام در نگاه به زن و جایگاه وی از راه بررسی روشمند متون دینی و همچنین نگرش اندیشمندان و کارشناسان دین ضرورت و اهمیت مضاعف یافته است.

بانو امین، پس از تلاش در راه کسب فضایل علمی و معنوی، توسط تعدادی از آیات عظام و مراجع زمان خود به اخذ درجه اجازه روایت نائل گردید و به مقام عالی اجتهاد رسید. وی صاحب تفسیر قرآن کریم است. بزرگانی از علماء و فضلا از دریای علوم و معارف وی بهره‌مند شدند. این بانوی مجتهد از جمله نوادری است که می‌تواند الگو و اسوه‌ای برای بانوان در عصر کنونی باشد؛ چرا که دارای مراتب والای علمی و عرفانی بوده و نمونه اخلاق، عرفان و فضایل است و مهم اینکه ایشان در عصر حاضر می‌زیسته است. بانو امین در حوزه‌های مختلف فلسفه، عرفان، اخلاق و تفسیر آثار ارزشمندی از خویش به جای گذاشته است. بانو امین در تألیفات متعدد خویش با نگاهی فلسفی، تفسیری و تربیتی به موضوعات مختلفی در حوزه زنان همچون چگونگی آفرینش زن، تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، وظایف و تکالیفی که شرع بر عهده زنان قرار داده است و... پرداخته است. در این مقاله آثار و تألیفات بانو امین به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی مورد مذاقه قرار گرفته است تا با بررسی نگرش ایشان درباره منزلت ارزشی زنان و نیز جایگاه زنان در اجتماع و خانواده به تبیینی صحیح از جایگاه زنان در آموزه‌های الهی اسلام دست پیدا کرد و به شبهات و نقدهایی که به قوانین و احکام اسلام درباره زنان وارد شده، پاسخ داد.

## ۱- جایگاه انسانی زن در نگاه بانو امین

شناخت انسان و تبیین جایگاه وی در هستی از عمده مسائلی است که همواره مورد توجه اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از جمله تفسیر، حدیث، کلام، فلسفه و... بوده است تا آنجا که رویکردهای مختلف به این مسئله، مکاتب فکری متنوعی را پایه‌گذاری کرده است. بانو امین در تألیفات خود در مباحث مختلف بر اهمیت معرفت خویشتن تأکید دارد. «کسی که خود را شناخت خدای خود را شناخته یعنی شناختن خدای تعالی عین شناختن خود است و کسی که خدا را شناخت مبدأ و

بازگشت خود را شناخته، زیرا انسان وقتی که خود را شناخت و به منشأ وجود خود پی برد به حقایق طبیعت و اسرار خلقت آشنا می‌گردد...» (بانو امین، ۱۳۸۷: ص ۱۷).

در اندیشه اسلامی خداوند مبدأ هستی است و همه چیز از او آغاز و به او باز می‌گردد. انسان، آفریده شگفت و پیچیده خداوند است که جسم او را از گل و خاک آفرید، (حجر، ۲۸) و آنگاه از روح خود در او دمید (حجر، ۲۹) و پس از آفرینش انسان خویش را «أحسن الخالقین» نامید (مؤمنون، ۱۲). این ترکیب از گل و روح الهی، انسان را مسجود فرشتگان ساخت (بقره، ۳۴ و حجر، ۲۹). بانو امین می‌فرماید: «...نظر به استعداد و روح پاکی که در قطعه خاکی نهاده شده، انسان را از پست‌ترین موجودات که خاک باشد به مقام ارجمندی رسانیده که از ملک و فلک برتر و بالاتر گردد. این است که در آخر آیه خود را به بزرگی و عظمت ستوده و آفرینش خود را تمجید کرده است...» (بانو امین، بی‌تا: ج ۹، ص ۱۲).

انسان در میان سایر آفریده‌ها، از جایگاه و منزلتی خاص در هستی برخوردار است به‌گونه‌ای که خداوند، فرشتگان را پیش از خلقت انسان، از این خلق عظیم آگاه ساخت (ص، ۷۱) و او را خلیفه خویش در زمین قرارداد (بقره، ۳۰). حق متعال به انسان کرامت ذاتی عطا فرمود (اسراء، ۷۰). انسان عهده‌دار بار امانتی است که کوه‌ها و زمین از پذیرش آن سرباز زدند (احزاب، ۷۲). انسان ترکیبی از تجرد و مادیت، نفس و بدن است که حقیقت او همان نفس است و بدن نه تمام حقیقت انسان و نه جزئی از آن بلکه ابزاری برای نفس است. باری تعالی استعداد و قوای خاصی در نفس انسان به ودیعت نهاده که نفس با بهره از آن‌ها می‌تواند مسیر کمال را طی کرده و در قوس صعود تا مقام «قاب قوسین أو أدنی» (نجم، ۹) پیش رود. در این میان سؤال مطرح می‌شود که آیا زن یا مرد بودن در بهره از انسانیت و طی مسیر کمال و رسیدن انسان به تعالی و جایگاه خلیفه‌اللهی و کرامت ذاتی انسان و بهره‌مندی از مواهب و نعمت‌های الهی نقش دارد؟ آیا زن و مرد از دو سرشت، یکی آسمانی و الهی و دیگری زمینی و شیطانی آفریده شده‌اند یا هر دو از گوهری یکسان سرشته شده‌اند؟ جهت تبیین منزلت و جایگاه زن بر اساس معارف اسلام، بررسی اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی و نیز همسانی در غایت و هدف آفرینش راهگشاست.

بانو امین نفس را یک حقیقت نورانی و لطیفه ربانی می‌داند که مجرد، عالم، عارف و مدرک است: «در انسان سوای اجزا داخلی و خارجی و قوای حیوانی، سبعی و طبیعی یک حقیقت نورانی و یک لطیفه ربانی و یک جوهر غیر جسمانی موجود است که حقیقت انسان همان است و عالم و عارف و مدرک اوست و به همین روح مجرد است که انسان



از حیوانات امتیاز یافته و لایق منصب خلیفه‌اللهی گشته و انسان کامل جامع جمیع کمالات و منبع تمام خیرات و سرچشمه مجموعه احسانات است و اکثر موجودات از پرتو وجود او خلقت گردیده و مسخر امر او هستند. حقیقت روح غیر از بدن است زیرا که بدن و جسم و جسمانیت از عالم خلق است و روح و روحانیت از عالم امر و پرواضح است چیزی که از عالم امر است غیر از آن چیزی است که از عالم خلق است و بین این دو تباین است و این دو مخالف و مقابل یکدیگرند و صفات و آثار آنان هم با یکدیگر کمال مباینیت را دارند. صفات روح به مقابل آن یعنی صفات جسم شناخته می‌شود که هر چیز به ضدش شناخته می‌شود به فنای جسم بقای روح و به احتیاج جسم به مکان و محل، غنا و بی‌نیازی روح و از مادیت جسم تجرد روح... ظاهر می‌گردد» (بانو امین، ۱۳۸۷: ص ۲۰-۱۹).

در نگاه وی روح مجرد اصل و بدن مادی تابع و فرع بر روح است: «انسان ترکیبی از روح و بدن و دارای دو جنبه روحانی و جسمانی است. اگر جنبه جسمانی وی سلب شود مجرد صرف می‌شود و جزء مجردات می‌گردد و اگر جنبه روحانی از وی سلب شود جماد صرف می‌شود و جزء جمادات می‌گردد و هیچ کدام از این‌ها به تنهایی لایق مقام انسانی نیست زیرا که حقیقت انسان جامع مراتب و حامل تمام کمالات است. بی‌تردید اصل و سلطان و آمر روح است و بدن فرع و تابع و مأمور است لکن نظام مملکت وجود آدمی بدون این دو جنبه یعنی روح و بدن مترتب و منضبط نمی‌شود (بانو امین، ۱۳۶۹: ص ۴۲). روح انسان منشأ ظهور علم و دانش و سبب آزادی، وارسنگی از قیدهای طبیعی و مادی می‌شود و انسان را به جستجوی حقیقت وامی‌دارد و راهی از خود به سوی حق تعالی باز می‌کند» (بانو امین، ۱۳۶۹: ص ۱۱۶).

بانو امین معتقد است: «انسان حقیقتی وحدانی و جامع تمام مراتب وجود است، یعنی آنچه در عالم کبیر منتشر و پراکنده به نظر می‌آید در نسخه جامعه انسانی به نحو وحدت و بساطت موجود است. انسان فاقد هیچ نحو از مراتب وجود نیست بلکه با نظر دقت و کنجکاوی، انسان محتوای عالم وجود است یعنی عالم کبیر در انسان پنهان است. اگر انسان به غایت وجود و متتهای کمالات انسانی خود برسد و آنچه را که ناظم عالم در کمون وجود و حقیقت او مخفی نموده به معرض ظهور و بروز برساند آن وقت خود را گنجینه اسرار الهی جل شانه و مظهر نماینده آن فرد ازلی و قائم به وجود سبحانی می‌بیند و خود را در مرکز وجود و باقی موجودات را در دایره وجود خواهد

یافت. حقیقت و جوهر ذات انسان از جنس این عالم طبیعی عنصری نیست، حقیقت نفس و روح آدمی از عالم علوی و از مصدر جلال احدیت تنزل نموده تا آنکه پا در این عالم مادی گذاشته و باز بایستی در قوس صعود مراحل و منازل پییماید تا آنکه سرانجام به اصل خود بازگردد» (بانو امین، ۱۳۶۹: ص ۱۱۴).

ناظم و مربی عالم قوه و استعدادی در انسان قرار داده که هر چه در نردبان ترقی و تعالی بالا رود باز استعداد برتری و صعود به مراتب بالاتر را دارد. انسان بر تمام طبایع و نفوس، تفوق و استیلا دارد. نفس ناطقه انسان تمام نفوس را تحت تسلط خود درآورده و از نفوس عالیه، برتر به شمار می‌رود، زیرا نفس انسان علاوه بر تجرد، روحانیت، ادراک کلیات و سایر مناقب و فضائلی که تمام عقول و نفوس مجرد دارا هستند به مزایایی ممتاز است که سایر نفوس عالی، فاقد آن‌اند مانند نطق، بیان، کتابت، صنعت، تدبیر و تفکر و استعداد ترقیات غیرمتناهی. استعداد و کمال بشر به حدی محدود نیست. شاه باز عقل او همیشه در پرواز است و هر قدر در مدارج کمال بالا رود باز انسان است و باز ظرفیت و استعداد ترقی و توسعه فکری و قابلیت صعود به مرتبه بالاتر را داراست (بانو امین، ۱۳۶۹: ص ۷۴). هدف از آفرینش انسان عبودیت و معرفت خداوند است:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ وَانْسَ رَا نِيَا فَرِيْدَمْ جَزْ بَرَايَ اِيْنِكِهْ عِبَادَتَمْ كَنْدَمْ (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» (ذاریات، ۵۶).

بانو امین در تفسیر آیه می‌فرماید: «فعل خداوند معلل به اغراض است چنانچه اهل حق گویند؛ البته خداوند به ذات خود مستغنی و بی‌نیاز از خلق خواهد بود و خلقت او برای استکمال خویش نیست لکن نظر به آن حدیث که فرمود «كنت كنزا مخفيا فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف» استفاده می‌شود، علت خلقت عالم برای این است که شناخته شود و این نفعی است که عاید مخلوقات می‌شود نه این که عاید ذات غنی بالذات گردد. این است که برخی «لیعبدون» را به «لیعرفون» تأویل نموده‌اند و حدیث قدسی نیز شاهد بر این تأویل است و مسلم است که عبادت بدون معرفت نتیجه‌بخش نیست، کسی که معبود را نشناسد چگونه او را عبادت کند. غرض اصلی از خلقت جن و انس معرفت و شناسایی ذات احدیت است به تمام اوصاف جمال و جلال» (بانو امین، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۲۳۴-۲۳۵). چنانچه ملاحظه می‌شود این آیه و نیز دیگر آیات و روایاتی که به فلسفه آفرینش انسان تصریح می‌کنند اطلاق دارند و نوع انسان را خطاب قرار داده‌اند. این دو بر یکسان بودن هدف از خلقت زن و مرد دلالت دارد. خداوند آنچه لازمه رسیدن انسان به فضیلت‌ها



و تعالی است همچون قدرت، اختیار، اراده، تعقل، فطرت کمال‌جو و ... در وجود او تعبیه کرده است و بین زن و مرد در بهره‌مندی از این استعدادها و قابلیت‌ها تفاوتی نیست هرچند ممکن است این استعدادها در افراد نوع انسانی شدت و ضعف داشته باشد. راه طاعت و رسیدن یکی است. در راه قرب الهی جنسیت مانعی برای رسیدن نیست بلکه آنچه سد راه انسان است، هوای نفس و وسوسه‌های شیطان است. آیات قرآن به صورت عام شیطان را دشمن انسان معرفی می‌کند. پیامبران برای همه انسان‌ها فرستاده شده‌اند (سبأ، ۲۸). فلسفه بعثت پیامبران و انبیا و نزول وحی یاری رساندن به انسان در مسیر بندگی است. واحد بودن هدف از ارسال رسل و انزال کتب درباره همه انسان‌ها بیانگر این نکته است که زن و مرد در انسانیت و هدف از آفرینش یکسان‌اند. مقصد و راه رسیدن به آن یکسان است؛ غایت و راه یکی است.

آیاتی از قرآن به چگونگی خلقت زن و مرد دلالت دارد. بررسی و تبیین این آیات نشان می‌دهد از دیدگاه قرآن زن و مرد از سرشتی واحد آفریده شده‌اند. یکسان بودن زن و مرد در ذات و حقیقت انسانی نشان از برابری منزلت انسانی زن و مرد دارد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً: ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت» (نساء، ۵).

«مقصود این است که تمام افراد بشر از یک مرد و زن خلقت شده‌اند با کثرتی که بین افراد است و در حقیقت انسانیت یکی و متحد هستند و از یک اصل و ریشه پیدایش نموده‌اند و شاهد آن خود آیه است که فرموده «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» زیرا که ضمیر (کم) راجع به تمام افراد است». (بانوامین، بی‌تا: ج ۴، ص ۶). چنانچه آیت‌الله جوادی آملی نیز معتقد است نفس در آیه همان گوهر و ذات شیء است». منظور از نفس گوهر و ذات و واقعیت عینی شیء است. پس مفاد آیه این است که همه انسان‌ها از هر صنف، خواه زن یا مرد، از یک گوهر و ذات خلق شده‌اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد یک چیز است. از این رو، اولین زن که همسر اولین مرد است از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده است، نه از گوهر دیگر و فرع بر مرد و زائد و طفیلی او در وجود نیست، بلکه خداوند اولین زن را از ذات و اصلی آفریده است که همه مردها و زن‌ها را از همان اصل خلق کرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۳۳-۳۵).



برخی از آیات قرآن صحنه آفرینش اولین انسان را به گونه ای ترسیم کرده است که برخی با استفاده از آن آفرینش زن از مرد را برداشت کرده اند (زمر، ۶). در میان روایات نیز بعضی به آفرینش حوا از دنده چپ آدم اشاره دارند. در برابر روایت متعارضی نیز وجود دارد که این مطلب را انکار می کند. زرارہ بن اعین از امام صادق (ع) درباره چگونگی آفرینش حوا سؤال کرد و به ایشان عرضه داشت که افرادی معتقدند پروردگار، حوا را از پایین ترین استخوان های دنده سمت چپ آدم خلق کرد. امام در پاسخ فرمودند: «... خداوند از این کار، پاک و منزّه است. آیا فردی که چنین اعتقادی دارد، بر این پندار است که خداوند، توانایی آن را نداشته تا همسری برای آدم بیافریند که از دنده های او نباشد تا این ابهام برای یاهوگویان ایجاد نشود که آدم با قسمتی از بدن خودش ازدواج کرد؟! این چه باوری است که برخی بدان معتقدند؟! پروردگار، خودش بین ما و ایشان قضاوت کند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۳، ص ۳۷۹، ح ۴۳۳۶).

بانو امین با توجه به مضمون آیات و روایات مختلف و گاه متعارض نظریه طفیلی بودن آفرینش زن از مرد را رد می کند و چنین بین آن ها جمع می کند که خداوند حوا را از بقیه طینت آدم آفرید، بنابراین زن و مرد از یک ماده آفریده شده اند. «از بعض مفسرین است که ظاهر جمله (وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) این است که می خواهد بگوید زوج این فرد هم مثل خودش از همین نوع است و این افراد پراکنده هم همه از یک اصل هستند، بنابراین لفظ (من) نشریه است و این آیه همان معنایی را بیان می کند که در آیات ذیل بیان شده می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد» (روم، ۲۱) و نیز «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ بَيْنَ أَنْفُسِكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ خدا برای شما از میان خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان فرزندان و فرزندزادگان پدید آورد و از چیزهای خوش و پاک روزی تان داد آیا هنوز به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟» (نحل، ۷۲) و نظیر همین آیه است «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید!» (الذاریات، ۴۹). پس آنچه از کتب تفسیر ذکر شده که آیه درصدد بیان این مطلب است که جفت این فرد از خودش گرفته شده و این طور که در بعض اخبار است که خداوند زن آدم را از یکی از دنده های وی آفرید، هیچ شاهدی از خود آیه بر آن نمی توان یافت. آری چنانچه گفته شده چون در خود آیه از کیفیت خلقت حوا بیانی نشده و



احادیثی که در این خصوص رسیده مختلف است می‌توان گفت همان‌طور که در بعضی اخبار است خدای تعالی حوا را از بقیه طینت آدم آفریده و بنابراین معنی آیه چنین می‌شود که خدا آدم را آفرید و از زیادتی گل او حوا را آفرید و این معنی به حقیقت نزدیک‌تر می‌نماید زیرا که زن و مرد هر دو انسان‌اند و باید از یک ماده آفریده‌شده باشند» (بانوامین، بی‌تا: ج ۴، ص ۸).

خدای متعال به انسان کرامت ذاتی و مقام خلیفه‌اللهی عطا کرد. بنا بر آموزه‌های قرآنی، آنچه مایه کرامت انسان و ارزش او در درگاه الهی است قدم گذاشتن در مسیر هدایت و کسب تقوا و پرهیزگاری است. آیات قرآن کریم بر یکسان بودن منزلت زن و مرد از نظر ارزشی و کسب کمالات معنوی و رسیدن به سعادت اخروی تصریح می‌کند. خطاب آیات قرآن که راه هدایت و رسیدن به سعادت را به انسان نشان می‌دهد نوع انسان است. علامه طباطبائی (ره) ذیل آیه ۴ سوره حجرات می‌فرماید: «در این فقره، خداوند بر ایجاد هر یک از آحاد انسانی، از یک مرد و یک زن سخن به میان می‌آورد: یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی؛ یعنی هر مخلوق انسانی از نظر ماده و وجود از مرد و زن است. پس همه انسان‌ها از این جهت همانند یکدیگرند. این سخن در آیات مختلف مبنای استدلال قرآن در نفی بسیاری از تفاوت‌های موهوم مثل تفاوت در ارزشمندی شده است. قرآن با تأکید بر «بعضکم من بعض» این مبنا را بارها تکرار کرده است. پس از ذکر همین مبناست که می‌فرماید: تنها ملاک برتری و ارزشمند بودن تقواست» (محمدحسین طباطبائی، ۱۳۹۹ ق: ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۰).

آنچه موجب سعادت و معیار ارزشمندی انسان است ایمان و عمل صالح است. آیات قرآن تأیید می‌کند که زن و مرد در پیمودن این مسیر باهم برابرند. آیات الهی به زن و مرد به‌طور یکسان وعده سعادت اخروی و بهشت داده شده است که بیانگر این است که زنان همانند مردان می‌توانند با انجام عمل صالح و کسب فضایل اخلاقی و معنوی به سعادت نایل آیند. در دسته‌ای از آیات تصریح شده است که در صورت تساوی عمل، زن و مرد، پاداش و جزای یکسان دارند (توبه، ۷۲). تساوی زن و مرد در تکلیف و از سوی دیگر یکسانی پاداش در برابر عمل نیک و عقوبت در برابر عمل سوء نشان می‌دهد که زنان نیز مانند مردان توانایی دستیابی به کمالات معنوی را دارند و در رسیدن به سعادت‌مندی ناتوان نیستند.

در سوره آل عمران خداوند می‌فرماید:

«فاستجاب لهم ربهم اِتي لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم من بعض؛ من هیچ عمل کننده‌ای از شما را زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد» (آل عمران، ۱۹). «خداوند عمل هیچ عمل کننده‌ای را ضایع نمی‌کند مرد باشد یا زن. همه از زن و مرد در انسانیت مشترک‌اند و مناط صحت ایمان و عمل است. زن از مرد پیدا شده و مرد از زن و همه از یک پدر و مادر. پیامبر اسلام می‌فرماید: «الناس كاستان المشط؛ مردم مثل دندان‌های شانه‌اند؛ یعنی به هم پیوسته و مساوی‌اند. سعادت و پیروزمندی در اثر ایمان و تقوی پدید می‌گردد» (بانو امین، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۷۲).

خداوند در قرآن هر دو دسته زنان و مردان را به فضایل انسانی همانند اسلام، ایمان، راست‌گویی، شکیبایی، خشوع، انفاق، پاک‌دامنی، یاد خدا و... وصف می‌کند (احزاب، ۳۵) خداوند به زنان و مردانی که به این ویژگی‌ها متصف باشند آمرزش و پاداش بزرگ آماده نموده و ضمیر «لهم» در آیه جهت تغلیب است و شامل زنان و مردان، هر دو می‌شود (بانو امین، بی‌تا: جلد ۱۰، ص ۲۳۱). آیه نگاه قرآن در برابری ارزشی زن و مرد را نشان می‌دهد و دلیلی است بر این که اسلام جنسیت را ملاک برتری نمی‌داند. «باید دانست که فضیلت در مرد بودن یا زن بودن نیست خیلی از زن‌ها بوده و هستند که از تمام جهات از عقل و فکر و تدبیر حتی از نیرو و قوای طبیعی قوی‌تر از اکثر مردها می‌باشند بلکه قرآن خبر می‌دهد شرافت و فضیلت در تقوی و ایمان کامل و عمل صالح است نه در اشخاص» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق، ص ۸۴).

بنا بر آموزه‌های قرآنی زن و مرد در راه کسب فضائل و مراتب تقوا تفاوتی ندارند (حجرات، ۱۳) و هر کس از زن و مرد مؤمن که عمل صالح انجام دهد به حیات طیبه دست می‌یابد (نحل، ۹۷) و وارد بهشت می‌شود (نساء، ۱۲۴)؛ بنابراین آیات راه حصول حیات طیبه و ورود به بهشت، کسب فضائل و معنویات به وسیله ایمان و عمل صالح است و جنسیت ملاک و معیار نیست. علامه طباطبایی (ره) آیه را بشارتی برای زنان می‌داند و می‌فرماید: «آیه شریفه بشارتی برای زنان است که خداوند در پذیرش ایمان و نتیجه اعمال صالح که زنده داشتن به زندگی پاکیزه و اعطای پاداشی بهتر از آنچه انجام می‌دادند هست، بین زن و مرد فرق نگذاشته است...» (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۹ ق: ج ۱۲، ص ۳۴۱). بانو امین در ذیل آیه بیان می‌کند: ««من» در «من يعمل» موصوله است و عموم دارد یعنی هر کس که بعضی اعمال نیکو را انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، چنین کسی داخل بهشت



می‌شود» (بانو امین، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۷۳)؛ بنابراین استعداد و امکانات لازم برای رسیدن به حیات طیبه برای زنان و مردان به صورت مساوی وجود دارد که اگر هر کدام در همان مسیری که خداوند برای ایشان مقرر کرده سیر کنند، به هدف متعالی‌ای که برای هر دو یکسان است می‌رسند.

«مبدأ فاعلی و خالق عالم فقط ذات متعالی الهی است و وجود بشر بلکه هر نر و ماده‌ای از حیوانات و نباتات و جمادات حتی مواد اولیه که در محل خود ثابت گردیده از خزینه ذات او سرچشمه گرفته و وحدت حقیقت و بساطت و فردیت، منحصر به ذات بی‌زوال خداوندی اوست. منتهی و غایت و مرجع و بازگشت تمام امور به‌سوی پروردگار عالم است زیرا همان‌طور که او مبدأ المبادی است غایت الغایات است و کمال و فضیلتی نیست مگر او سبحانه مبدأ پیدایش آن و منتهای آن است و هر جا حسن و کمال و جمال و فضیلتی یافت گردد ترشحاتی است که از سرچشمه احسان فیض منتهای او بروز گردیده و به ممکنات افزوده شده است. منتهای فضیلت و سعادت برای انسان وقتی میسر می‌گردد که از مادیات و طبیعیات سفر کند و از کثرات موجودات قطع نظر نماید و روی دل خود را به‌جانب وحدت و حقیقت آرد تا آنکه قلبش گنجینه اسرار الهی و دلش مملو از معرفت و محبت یزدانی گردد و احدی به کمال نمی‌رسد مگر در اثر سعی و کوشش و عمل نیکو و مجاهده با نفس شریر. منتهی درجه انسانی کمال روحانی و قرب الهی است که طریق آن نشئه را در همین عالم دنیا بایستی تحصیل نمود منتهی در آخرت به کمال می‌رسد» (بانو امین، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۴۰۹-۴۱۰).

در نگاه اسلام و منطق قرآن جنسیت یک امری عارضی است که در سیر بشر به‌سوی تعالی تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمی‌کند بلکه در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند. در برخی آیات قرآن خداوند برخی زنان را الگوی انسان‌های کافر و برخی دیگر را اسوه و نمونه همه انسان‌های مؤمن معرفی می‌کند. این آیات بر برابری زن و مرد در ذات و ارزش انسانی تأکید می‌کند. خدای متعال برای همه زنان و مردان عالم، دو نمونه از زنان کافر یعنی همسران نوح و لوط را معرفی می‌کند «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا صالحين فخانتاهما» و آنگاه که اراده می‌کند نمادی از انسان مؤمن را برای همه زنان و مردان مؤمن اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء برای همه تاریخ به عنوان الگو نشان دهد، دو نمونه از زنان پرهیزگار

را مثال می‌آورد: آسیه همسر فرعون «و ضرب الله مثلا للذین ءامنوا امرأت فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجّنی من فرعون و عملہ» و دیگری مریم بنت عمران «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدّقت بکلمات ربّها» (مریم، ۱۵-۳۳ و آل عمران، ۳۵-۵۱ و تحریم، ۱۱-۱۲) الگو آوردن دو زن مؤمن و دو زن کافر برای همه جهانیان، خود شاهی بر استعداد مشترک روحانی و ظلمانی زن و مرد در پیمودن راه تعالی یا انحطاط است.

## ۲- تفاوت تکوینی زن و مرد منشأ اختلاف وظایف

همان‌گونه که بیان شد در اسلام زن و مرد در ماهیت و خصوصیات انسانی با یکدیگر برابرند و انسان‌ها قبل از توصیف به مرد یا زن بودن انسان‌اند. نگاه اسلام به زن و ارزش‌های معنوی و انسانی او، نگاهی همراه با کرامت، رشد آفرین، عزت بخش و استقلال دهنده به شخصیت و هویت زن است. بر اساس آموزه‌های اسلام زن و مرد از هویتی یکسان برخوردارند و هر دو از مواهب و نعمت‌های الهی بهره‌مندند. تربیت والای انسان در اسلام اهمیت فراوان دارد و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد بستر پرورش انسان در خانواده شده است، بنابراین علت تفاوت‌های انکارناپذیری که بین آن‌ها وجود دارد اختلاف وظایفی است که طبیعت بر عهده هر یک از آن دو نهاده است. زن و مرد از نظر وجود شناختی با یکدیگر اختلاف دارند که در نتیجه این تفاوت‌های انکارناپذیر، کارکردها، نقش‌ها و انتظارات متفاوتی در خانواده و اجتماع بر عهده می‌گیرند. بین جنسیت و نیازمندی‌ها و توانایی‌های هر یک از زن و مرد ارتباط وجود دارد، از این ضروری است که به این تفاوت‌ها بر اساس جنسیت و تفکیک نقش‌ها، متناسب با آن توجه شود زیرا بی‌توجهی به این مسئله مشکلاتی همچون افسردگی، فرسایش زنان و غفلت از وظیفه و اضمحلال خانواده را به همراه دارد و پایبندی به آن موجب نشاط و سلامت زنان و استحکام خانواده می‌شود. «تعبیه و طراحی این تفاوت‌ها برای تشکیل و حفظ نظام خانواده، لازم و اجتناب‌ناپذیر است» (محمدتقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۲). «به شهادت آیات قرآنی و عقیده دانشمندان زن و مرد از جهت ماهیت و حقیقت انسانیت و آنچه لازمه انسانیت است یکسان‌اند لکن از لحاظ خواص و وظایف آن‌ها در عمل دو خلقت مختلف‌اند و هر یک در نظام آفرینش برای کار معین و مخصوص ساخته شده‌اند ساختمان جسمی و عقلی مادی و معنوی این دو طبقه و مأموریت و خاصیت آن‌ها در گیتی باهم متفاوت است» (بانو امین، ۱۳۵۵: ص



۶۷). بانو امین معتقد است شریعت بر اساس ویژگی‌های زن، تکالیف و وظایف خاصی بر عهده وی قرار داده است. باید تلاش نماید به بهترین نحو وظایفش را به انجام رساند. وی درباره وظایف زن می‌گوید: وظایفی که اختصاص به زن دارد بسیار است. برخی راجع به احکام و عبادات است از قبیل حیض و نفاس و استحاضه و بعضی راجع به حقوق و وظایف او نسبت به دیگران که بسیار است. سه وظیفه مهم وی: ۱- وظیفه او نسبت به شوهر؛ ۲- وظیفه او نسبت به اولاد و ۳- وظیفه او نسبت به اجانب» (بانو امین، ۱۳۵۵: ص ۵۷).

هر یک از زن و مرد در خانواده جایگاهی خاص دارند. خداوند در قرآن به زنان و مردان توصیه می‌کند امتیازهایی که به هر کدام متناسب با خودشان داده است را طلب نکنند. اگر زن و مرد از کمالاتی که به ایشان داده شده، بهره درست برند و در همان راه تلاش و تحرک داشته باشند می‌توانند از زندگی خویش بهره ببرند و کمالات مخصوص به خویش را کسب کنند. هر یک از زن و مرد بر اساس گوهر ذاتی مشترک، یعنی انسانیت که در وجود آنهاست دارای تکالیف و وظایفی یکسان هستند ولی با توجه به استعدادهای مخصوص به هر یک بنا بر زن یا مرد بودن، وظایفی مخصوص دارند که برای نیل به سعادت باید آن را نیز رشد دهند. وظایف نقش مهمی در رسیدن انسان به مقصد که قرب الهی است دارند. اگر زن و مرد باور کردند که برای صعود دو نوع وظیفه دارند و وظایف را وسیله قرب به خدا دانستند، مقایسه وظایف پیش نمی‌آید و هر یک به وظیفه و تکلیف خود می‌پردازد زیرا اختلاف وظایف موجب اختلاف جایگاه در نزد خداوند نیست. «زن و مرد اگرچه در انسانیت شریک‌اند لکن شالوده خلقت زن و مرد از لحاظ قوای دماغی جسمی احساسات طبیعی و مزاجی تفاوت دارند. ولی هیچ کدام قوی‌تر از دیگری نیستند و اختلاف طبیعت زن و مرد وظیفه آنها را در جامعه مختلف می‌گرداند و مدبر و ناظم عالم هر یک را برای کاری ساخته و سازمان وجود وی برای همان کار است. این است که نه کار مرد از زن به‌طور شایستگی ساخته می‌شود و نه کار زن از مرد» (بانو امین، ۱۳۵۵: ص ۷۹).

خداوند در سوره نساء آیه ۳۲ می‌فرماید:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ فَالْصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ. مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر

قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند؛ و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند».

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... (قیم) کسی را گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد و قیام صیغه مبالغه است و فضل فزونی بعضی است نسبت به بعض دیگر و چون غالباً بالطبع هم در تدبیر و هم در نیرومندی و تحمّل شداید، مردها بر اغلب زن‌ها فزونی دارند و چنانچه دانشمندان گفته‌اند و نیز به تجربه معلوم شده زندگانی زن‌ها احساسی و عاطفی است و بر نازک‌کاری و ظرافت تکیه دارد به این جهات (وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) یعنی و نیز از جهت انفاق مردها بر زن‌ها و مهر و بعض خصوصیات دیگر فرموده (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ) خدای تعالی مردها را در این جهات بر زن‌ها فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زن‌ها از جهت قوّت عقلی و نیروی بدنی به‌طور کلی بر کلی است نه به‌طور شمول بر تمام افراد زیرا چنانچه معلوم است خیلی از زن‌هایی بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردها فضیلت دارند.

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» پس از بیان فضیلت مردها بر زن‌ها ظاهراً آیه در مقام بیان فضیلت زن‌ها برآمده که فضیلت زن‌ها در چیست و شاید می‌خواهد خاطر نشان کند که همین‌طوری که مردها را بر زن‌ها برای آن جهاتی که بعضی از مردها را فضیلت داده بر بعض از زن‌ها همین‌طور بعضی زن‌ها را نیز بر بعض دیگر آن‌ها فزونی داده و فضیلت زن در این صفاتی است که بعضی از آن‌ها در آیه بیان شده:

- ۱- (صالحات) زن‌های صالح و شایسته ۲- (قَانِتَاتٌ) قنوت به معنی اطاعت و خضوع دائمی است ۳- (حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ) یعنی حفظ می‌کنند خودشان و عورتشان را در حال غائب بودن ازواجشان» (بانو امین، بی‌تا: ج ۴، ص ۶۳).

### ۳- جایگاه زن در اجتماع و خانواده

اسلام برخلاف فرهنگ غرب بر خانواده و تحکیم و تقویت آن تأکید فراوان دارد تا از این راه زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم فراهم آید. در نظام هستی وظیفه خطیر تکثیر نسل بر عهده زن گذاشته شده و خداوند متناسب با این وظیفه، استعدادها و ظرفیت‌هایی در جسم و روان زن قرار داده است. از این جهت زن جایگاهی بی‌نظیر در نظام خلقت کسب کرده است. خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که هدف از تشکیل آن تنها برطرف شدن نیازهای



جنسی زن و مرد نیست بلکه آرامش و سکینه، بقای نسل انسانی، پرورش نسلی صالح و انتقال فرهنگ و ارزش‌های انسانی از کارکردهای اساسی آن است. زن عنصر اصلی خانواده و موجب استحکام و آرامش و حفظ بقای خانواده است. «وزن نظام عائله و اساس نظام هر قوم و ملتی، تقدم و تأخر زن است که جزء مؤثر عائله است. میزان رشد عقلی و فکری، میزان عائله است و ممکن نیست خلّقی خوب یا بد در جامعه و ملتی ظهور نماید مگر اینکه ریشه آن در خانواده آن ملت و قوم ریشه دوانیده، پس رشد و ارتقاء هر قوم و ملتی از ارتقاء زنان آن ملت سرچشمه گرفته و چون مرد و زن هر دو انسان‌اند و در حقیقت و ماهیت انسانی عقل و شعور نهفته است؛ اگر زن تربیت صحیح یافت و از حدی که شارع اسلام برای او و عملش مقرر فرموده پا را بالا نگذاشت و چنانچه معلوم است زن در اغلب امور زندگی و شئون اجتماعی و حیاتی با مرد همدوش است منتهی باید حد خود را بداند و در اعمال مخصوص خود که عمده تربیت اولاد و ارتقاء آن‌هاست، سعی و کوشش نماید که هر یک از اولادان او یک عضو مؤثر در جامعه باشند» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۶۷).

در دوران معاصر عده‌ای از مکاتب به اسم استقلال و آزادی و احترام به حقوق زنان، زن را با مرد در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر دانستند و خانه‌نشینی و فرزندپروری را ظلم به زنان و موجب محروم شدن ایشان از حقوق انسانی و اجتماعی دانستند.

بانو امین وظیفه اختصاصی زن را مادری، شوهرداری و صفا دادن به زندگانی خانوادگی می‌داند و کسانی که وظیفه خود را رها کرده و به کسب و تأمین معاش پرداخته‌اند و تا اندازه‌ای هم موفق شده‌اند، پس از مدتی متوجه شده‌اند که سعادت و خوشبختی در انجام دادن وظایف مادری و دل‌بستگی به امور خانوادگی است (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۷۳). در نگاه وی اهمیت تربیت فرزند در حدی است که اگر اسلام زنان را از بسیاری وظایف اجتماعی معاف کرده به جهت ضعف ایشان نبوده، بلکه به دلیل اهمیت نقش مادری است: «مردها گمان نکنند که خدا زن‌ها را فقط برای اطفای شهوت آن‌ها خلق فرموده، اگر یک قسمت مهم زندگی که عبارت از زحمات در تحصیل معاش است به عهده و تدبیر مردهاست، قسمت مهم‌تر، یعنی حمل و ارضاع و تربیت اطفال و تدبیر منزل وظیفه اختصاصی زنان است. زن موجود جمیل و ظریفی است که مظهر جمال خلقت است. اگر زن در برخی کارها مداخله نکند نه از جهت



نقص و ضعف، مسلوب الاختیار گردیده بلکه کارهای اختصاصی او از قبیل وضع حمل و تربیت اولاد- که به مراتب مهم‌تر از کارهای خارجی است و به میزان طبیعی برای زن معین‌شده- او را از کارهای دیگر بازداشته است» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۶۲).

بنا بر آموزه‌های اسلام رسالت اصلی زن، پرورش انسان‌های پاک در دامن پرمهر و محبت مادرانه است. در دامن مادر انسان‌ها ساخته می‌شوند و مسیر رشد و تعالی را پی می‌گیرند. «مدرسه اول طفل دامن مادر است اگر مادر و پدر متقی و پرهیزگار باشند و یک عضو جامعه نیکو باشند البته عمل و محسنات آن‌ها به اولادشان تأثیر می‌نماید و اگر به عکس باشد آن هم همین اثر دارد (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۶۶). کلاس تربیت اول بشر دامن مادر است وقتی بشر پا در این عالم می‌گذارد لوح وجود او خالی است تربیت مادر و آنچه از قبل او به وی القاء می‌شود مثل سنگی که بر نقش زده می‌شود همین‌طور در لوح سینه طفل نفوذ می‌کند و سعادت یا شقاوت در همان ابتدا در وی تعبیه می‌شود» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۹۴).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّیْ وَضَعْتُهَا اُنْثٰی؛ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْاُنْثٰی: ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت: خداوندا! من او را دختر آوردم- ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر بود- و پسر، همانند دختر نیستند (دختر نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد)» (آل عمران، ۳۶).

علامه طباطبایی (ره) درباره عبارت «وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْاُنْثٰی» می‌فرماید: «این جمله و جمله قبل از آن، قول خداست و تشبیه معکوس نیست، بلکه تشبیه اصل است؛ زیرا ظاهر آیه این است که قول خداست و جمله معترضه و در پاسخ به تأسف و حسرت مادر مریم است و آنچه باعث شده برخی از این ظاهر دست بردارند همین تحسر و تأسف است» (طباطبایی، ۱۳۹۹ ق: ج ۳، ص ۱۷۱). به هر حال برفرض که کلام مادر مریم نیز باشد چون خداوند آن را نقل کرده و آن را رد نکرده است دلیل بر صحت آن است؛ زیرا خداوند کلام باطلی را بیان نمی‌کند، مگر اینکه آن را رد کند (طباطبایی، ۱۳۹۹ ق: ج ۳، ص ۱۶۹). آیت‌الله جوادی آملی نیز معتقد است که این تشبیه، تشبیه اصل است نه عکس و نشان می‌دهد که مرد مانند زن نیست و از او ساخته نیست که تربیت کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۹).



مؤسس قوانین جهان بر اساس حکمت و تدبیر و جهت تحکیم خانواده، برای هر یک از زن و مرد حقوقی متقابل مقرر کرده است. صاحب شریعت در وضع این قوانین حقوق زن را مراعات فرموده است (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۶۰). ملاک تعیین و تشریع این حقوق تأمین سعادت مرد و زن و فرزندى است که باید در دامن آنها پرورش یابد. بانو امین به تساوی این حقوق اشاره کرده و آن را منتی بر زنان می‌داند: «شارع اسلام بین زن و مرد در حقوق ازهرجهت تساوی قرار داده است و این منت بزرگی است بر زن‌ها. در سوره بقره آیه ۲۳۸ فرموده است: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف؛ برای زنان حقوقی بر مردان است مثل حقوقی که مردها بر زن‌ها دارند» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۶۴).

خداوند در نهاد زن ویژگی‌هایی قرار داده که او را برای پذیرش نقش مادری و تربیت نسل انسان مهیا می‌سازد. بانو امین به این ویژگی‌ها اشاره کرده و آن‌ها را امتیازاتی خدادادی می‌داند که نه تنها زن را در انجام وظایفش یاری می‌رساند بلکه موجب می‌شود مسیر کمال و سیر به‌سوی حق برای زن نزدیک‌تر باشد.

«اگرچه مرد در بسیاری از صفات و فعالیت بر زن برتری دارد لکن زن نیز دارای خصوصیاتى است که از آن جهت بر مرد برتری دارد. قلب حساس و پر عاطفه، بردبار، فداکار، نوع دوست، نوع پرور، رقیق القلب،... مدبر عالم زن را طوری خلقت فرموده که مشقت آبستنی، زائیدن، شیر دادن و تربیت بچه‌های نوزاد را تا مدت مدیدی بلکه در تمام ایام جوانی عهده‌دار باشد. برای زن میسر است در کارهای خصوصی مرد شرکت کند لکن هرگز میسر نیست مرد بچه آورد، شیر بدهد، بلکه می‌توان گفت پرستاری بچه نوزاد نیز از عهده او خارج است. از اینجا معلوم می‌شود قسمت مهم زندگی بشر بر عهده زن است پس چگونه می‌توان زن را حقیر و ناتوان دانست توانائی به بزرگی جثه و قوت بازو نیست توانائی در سنجش عمل است. نخستین عامل خدادادی که در وجود زن است و راه وی را به حق نزدیک می‌کند همان رقت قلب است که جبلی زن است. قلب رقیق، حساس و دل‌نازک و چشم ریان به حق نزدیک است.

دوم از امتیازات زن عاطفه و محبت غریزی است که سرشته با خون او است. عاطفه و محبت راه را به حق نزدیک می‌کند، زیرا در محبت اسراری نهفته شده است. محبت منبعث از قوه جاذبه مغناطیسی است که رشته موجودات به همان قوه به هم

مرتبط می‌گردد و باعث ارتباط و اتحاد اشیاء می‌شود، چون زن رقیق‌القلب و پر عاطفه است اگر روی دل به‌حق تعالی دارد و قلب را از آلائش طبیعی پاک گرداند به‌زودی محبت حق تعالی و اولیای او در دل او جای می‌گیرد.

سوم از امتیازات زن گذشت و تحمل مصائب و بردباری است که این صفت در زن نیز بیشتر ظهور دارد و باینکه زن رقیق‌القلب است و زودتر از ناملایمات متأثر می‌شود و به جزع و فزع می‌افتد و باینکه عاطفه و محبت زن زیادتر است و از فقدان و مفارقت خویشاوندان خود زیادتر رنج می‌کشد و بیشتر متأثر می‌گردد و به این جهت بایستی بیشتر اعمال صبر و خودداری نماید با این حال چنانچه تجربه شده حوصله و بردباری و تحمل او در مشقات زیادتر است این است که عواطف قلبی و احساسات نفسانی و تحملات بدنی او را به پرستاری اطفال و مرضی راغب و قادر می‌سازد» (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۱۰۸-۱۰۹).

چهارم زن در امور خیریه از مرد قوی‌تر و فعال‌تر و احساسات وی زیادتر است (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۱۸۱).

پنجم خانه‌نشینی و انزوا که این یکی از اسباب و طریق سیر الی الله و وسیله قرب به‌حق تعالی می‌شود (بانو امین، ۱۳۵۵ ق: ص ۱۸۲).

### نتیجه‌گیری:

در نگاه بانو امین حقیقت و جوهر انسانی نفس مجرد است که با پیمودن مسیر کمال به هدف نهایی از خلقت خویش که قرب الهی است دست می‌یابد. زن و مرد در ماهیت انسانی و رسیدن به فضائل و کمالات انسانی با یکدیگر برابرند، اما با توجه به کار معین و مخصوص هر یک در نظام آفرینش، از لحاظ خواص و وظایف تفاوت دارند. ساختمان جسمی و عقلی مادی و معنوی این دو و مأموریت و خاصیت آن‌ها در گیتی باهم متفاوت است. وظیفه اصلی زن و سعادت و خوشبختی وی در مادری و دل‌بستگی به امور خانوادگی است. زن اساس عائله و نظام اجتماعی است که ارتقاء جامعه در گرو ارتقاء اوست. خداوند در وجود زن امتیازاتی همچون رقت قلب، عواطف و احساسات و خانه‌نشینی قرار داده است که وی را به حق نزدیک‌تر می‌کند.

## منابع و مآخذ

قرآن مجید

۱. امین، نصرت بیگم. ۱۳۶۹. *معاد یا آخرین سیر بشر*. اصفهان: بهار.
۲. امین، نصرت بیگم. ۱۳۸۷. *سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعدا*. چاپ دوم. اصفهان: گنبدهای فیروزه‌ای.
۳. امین، نصرت بیگم. بی‌تا. *اخلاق و راه سعادت*. چاپ چهارم. اصفهان: نشاط.
۴. امین، نصرت بیگم. بی‌تا. *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. ج ۴، ۱۰ و ۱۲. اصفهان: نشاط.
۵. امین، نصرت بیگم. ۱۳۵۵ ه.ق. *روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی*. چاپ چهارم. اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر.
۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴. *زن در آینه جمال و جلال*. چاپ دهم. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. شیخ صدوق. ۱۴۱۳ ق. *من لا یحضره الفقیه*. ج ۳. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۸. طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۹۹ ق. *المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: موسسه الاعلمی.







## خانواده مطلوب و نقش آن در جامعه متعال؛

### با تأکید بر اندیشه آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته)

فریده فاطمی مهر<sup>۱</sup>

#### چکیده

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. برای رسیدن به جامعه متعال لازم است تا اعضای خانواده دارای رابطه گرم و صمیمی باشند تا آرامش را در خانه حاکم سازند. به‌واقع محبت و مودت اصول محوری تشکیل خانواده سالم در اسلام است. هدف تحقیق حاضر تبیین ویژگی‌های خانواده مطلوب، مانند آرامش، احترام، محبت، گفت‌وگو و... است که با نهادینه شدن چنین خصوصیاتی زمینه ایجاد جامعه متعال به وجود می‌آید. پژوهش پیش رو با روش کتابخانه‌ای تدوین شده است. جامعه سالم و متعال در گرو ساخته شدن اعضای خانواده است که با شکل‌گیری جامعه متعال، بستر توسعه و پیشرفت در زمینه‌های مادی و معنوی در عرصه‌های گوناگون جامعه فراهم می‌گردد.

واژگان کلیدی: خانواده، مطلوبیت و تعادل، جامعه متعال، جوادی آملی.

## مقدمه

خانواده در صورتی اولین و مهم‌ترین کانون رشد و پیشرفت آدمی به شمار می‌آید که خانواده مطلوب باشد. اساسی‌ترین ویژگی خانواده مطلوب وجود رابطه گرم و صمیمی در بین اعضای آن است. برای ایجاد رابطه گرم و صمیمی لازم است تا آرامش در خانواده حاکم گردد. همچنین احترام و تکریم بین زن و شوهر و بین والدین و فرزندان مشهود و فضای حاکم بر خانواده فضایی سرشار از محبت و دوستی باشد؛ محبتی که پایه‌های خانواده را مستحکم می‌کند. اصل مهم دیگری که می‌تواند خانواده را به‌سوی تعادل و مطلوبیت رهنمون گردد، توجه به مشورت اعضای خانواده در امور متفاوت برای تصمیم‌گیری عاقلانه با استفاده از تبادل آرا و دیدگاه‌های متفاوت است که همه افراد توانایی اظهار نظر را به‌صورت آزادانه دارا باشند. این امر موجب شکل‌گیری گفت‌وگو در اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی نهاد خانواده است که در صورت نهادینه شدن آن، فضای عمومی جامعه به سمت گفت‌وگو سوق داده خواهد شد و در نتیجه جامعه‌ای متعادل را شاهد خواهیم بود.

پیشینه کلی بحث را می‌توان در کتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده مشاهده کرد. در خصوص موضوع پژوهش، مقالات و کتاب‌هایی وجود دارد که از جمله کتاب خانواده متعادل محمدرضا شرفی، کتاب خانواده متعادل و حقوق آن از علامه جوادی آملی اشاره کرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ربط وثیق بین خانواده و جامعه در آموزه‌های اسلامی است. به این صورت که ورود افراد به جامعه از خانواده شروع می‌شود؛ بنابراین خانواده‌ای که در آن روابط گرم و صمیمی بین اعضای آن حاکم باشد، موجب رشد و پویایی و تربیت صحیح و سازنده افراد خواهد شد و خانواده متعادل و مطلوب شکل خواهد گرفت. با شکل‌گیری خانواده مطلوب، زمینه و بستر شکل‌گیری جامعه متعادل به وجود خواهد آمد که تکامل فرد و جامعه را موجب خواهد شد.

بدیع بودن پژوهش حاضر، ارتباط نزدیک بین خانواده و جامعه از دیدگاه علامه جوادی آملی است که جامعه سالم و متعادل در گرو روابط گرم و صمیمی در خانواده و شکل‌گیری خانواده مطلوب است.

## مفهوم شناسی

### خانواده

در لغت، اسم مرکب از «خان» به معنای خانه (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۸۲۶۳) و «واده» اصل و بنا و ماده هر چیزی و به عبارتی اهل خانه است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴، ص ۲۰۳۷۷) و در اصطلاح «واحد اولیه خانواده که شامل والدین و فرزندان می‌شود. این فرزندان می‌توانند طبیعی یا فرزندخوانده باشند. برخی آن را با خانواده زن و شوهری مترادف می‌دانند، اما به نظر بسیاری از محققان، ادامه زن و شوهری می‌تواند بدون فرزند باشد، حال آنکه خانواده هسته‌ای، مستلزم داشتن فرزند یا فرزندان است» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ص ۲۷۴). به هر حال «در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۱).

«فرد، یا جامعه بنیان سعادتش مربوط به خانواده می‌گردد. در این باره چون به تعلیمات و دستورهای دین مقدس اسلام که راهنمای سعادت انسان است بنگریم می‌بینیم که تا چه اندازه به امر خانواده اهمیت داده شده است. تجربه تاریخ زندگی آدمیان نیز این مطلب را ثابت می‌کند» (راشد، ۱۳۸۱: ص ۵۱۳). خانواده نهاد مقدّسی است که از آن در قرآن کریم به میثاق غلیظ تعبیر شده است: «وَأَخْذُنْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء، ۲۱). «این نهاد به گروهی خاص از خویشاوندان اطلاق می‌شود که در برآوردن نیازهای اساسی اعضا، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. به دیگر سخن، خانواده واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با تولد فرزندان، توسعه و استحکام می‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۴).

به‌طور کلی، خانواده در الگوی رایج و غالب آن، «یعنی خانواده هسته‌ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت تکفل آنهاست که معمولاً باهم و تحت ریاست شوهر و پدر زندگی می‌کنند. ریاست شوهر و پدر خانواده، نوعی وحدت و هماهنگی در امور خانواده، بین اعضا و ارتباط آنها به جامعه کل فراهم می‌سازد و از چند نفر، یک گروه متشکل و متجانس برخوردار از پیوند عاطفی شدید و روابط صمیمی و رویارویی چهره به چهره و متقابل و احساس مسئولیت مشترک و برخوردار از یک هویت جمعی متمایز به وجود می‌آورد» (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ص ۸۵).





در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی «خانواده، بنیان مرصوصی است که جامعه را از پرتگاه و راه طلاح، تباه و تبار می‌رهاند و از انحراف و خطر تیرگی و تاریکی نجات می‌دهد و راه صلاح و فلاح و نجات را باز می‌گشاید» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۲۶).

## جامعه

از نظر لغوی، «واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده، طوق، غل، گردآورنده و غلی که بر گردن و دست نهند آمده است» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۰۴۹). اجتماع در اصطلاح جامعه‌شناسان و فیلسوفان این فن، «هیئت و ترکیبی است از اشخاص موجود؛ اما جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: الف، ص ۲۶). این واژه در قرآن به معانی دیگری نیز از جمله گروه میانه‌رو در دین آمده است؛ مانند آیه «مَنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ: از آنان گروهی میانه‌رو و معتدل‌اند» (مائده، ۶۶).

## قدمت و سابقه نهاد خانواده

خانواده بر اساس تحقیقات مردم‌شناختی، ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته و در قالب الگوهای بسیار متنوعی تجلی و تظاهر کرده است. «عمده‌ترین تقسیم‌بندی ادواری خانواده، انقسام آن به دو نوع هسته‌ای و گسترده است» (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ص ۸۴). درباره قدمت و سابقه نهاد خانواده در طول تاریخ علامه جوادی آملی اظهار می‌دارد که در پهنای تاریخ، همه جوامع انسانی به‌نوعی به خانواده عنایت داشته و آداب و رسوم اجتماعی خویش را به‌حسب فرهنگ یا مصلحت‌های خویش در چگونگی پیوند خانواده و توسعه یا تضییق آن اعمال‌نظر می‌کردند. «در برخی جوامع، ساخت خانواده تک‌همسری، در بعضی از فرهنگ‌های دیگر چندهمسری، خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده و... مرسوم است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: الف، ص ۴۹).



بر اساس دیدگاه ایشان «سنت خانواده، مانند دیگر سنن جوامع بشری، همواره دستخوش تحول و تغییر بوده و اندک‌اندک تکامل یافته است. از آنجا که این تکامل در جوامع ابتدایی، نظام مشخصی نداشته، به دست آوردن تحول منظم آن از تاریخ زندگی بشری که اطمینان‌آور باشد، دشوار است! آنچه در اینجا سیر تاریخی و تطور آن یاد می‌شود، درباره جوامعی است که نتوانستند یا نخواستند از رهنمود انبیا بهره گیرند؛ اما جامعه‌ای که از رهبری پیامبران الهی بهره می‌برد، در این باره از نابسامانی در امان است، زیرا نظام خانواده رعایت حقوق متقابل و متعادل افراد خانواده از لحاظ مالی و غیرمالی، کاملاً موردعنایت شریعت الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۵۸۵)

آیت‌الله جوادی آملی در مورد پیشینه خانواده در ادوار تاریخ در کتاب تسنیم چنین آورده است. «در روم، رئیس خانواده «رب البیت» معبود زن، فرزند و بردگان خود بود و تنها او می‌توانست مالک باشد و تا زنده بود، کسی از افراد خانواده حق مالکیت نداشت» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۶) «در یونان نیز قوانین بسیار به قوانین روم شباهت داشت. محرومیت کودکان و افراد تحت تکفل و ولایت دیگران در هند، مصر و چین نیز تقریباً مانند سنت روم و یونان بوده است. در ایران (فارس‌ها) ازدواج با محارم، چندهمسری و فرزندخواندگی جایز بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۷).

ایشان درباره سابقه نهاد خانواده در میان اعراب قائل است که انواع خاصی از ازدواج و رابطه زناشویی در اعراب جاهلی، مانند نکاح شغار، نکاح بدل، نکاح استبضاع، نکاح مضامده، نکاح مخادنه، ازدواج با زن پدر، نکاح هم‌زمان دو خواهر و... وجود داشته است. «نیز عرب دوران جاهلی از هیچ عمل خشونت‌آمیزی خودداری نمی‌کرد. گاهی قساوت آنان به اندازه‌ای می‌رسید که فرزندان خود را نیز می‌کشتند! هرگاه برای یکی از ایشان خبری می‌آوردند که دختردار شده‌ای، صورتش سیاه و به شدت خشمگین می‌گردید. به جهت این خبر بد از قوم و قبیله خود متواری می‌شد و نمی‌دانست آیا او را با قبول ننگ نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند: «و چون به یکی از آنان مژده دختر دهند، سیه‌روی شود و خشمگین گردد. از شرم این خبر از مردم پنهان می‌شود. آیا با خواری نگاهش دارد یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد داوری می‌کنند» (نحل،

۵۸-۵۹). این رخداد‌های تلخ که در دوره‌های گذشته پدید می‌آمدند، همگی در جهت هدم خانواده، اضرار به زن و مردسالاری مشنوم بوده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱۱، ص ۳۴۳).

ایشان تصریح می‌کند «با ظهور اسلام، نسبت حقیقی فرزند به پدر و مادر واقعیت یافت و زن و مرد بی‌هیچ تفاوتی دو رکن سازنده نسب شمرده شدند. اسلام پدر و مادر را دو عنصر اصلی تأسیس نسب و خانواده بیان کرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

## ارکان خانواده

بنا بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی در نظام خانواده، هر رکنی جایگاه خاص و متفاوت از دیگری دارد؛ به این معنا که هر کدام از این سه گزینه جایگاه مرد، زن و فرزند، ویژگی‌های خاص خود را دارد که با ویژگی‌های دو گزینه دیگر تفاوت دارد. «شناخت منزلت هر یک از ارکان خانواده می‌تواند ما را در شناخت آن عضو و برقراری بهتر ارتباط با آن رکن خانواده، در نتیجه سلامت نظام خانواده و تحقق اهداف آن یاری رساند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۰).

علامه ارکان خانواده را چنین توضیح می‌دهد.

### ۱. شوهر

«شوهر، بدان جهت که آفرینش ویژه‌ای دارد و از جنبه تعقلات متمایز است، رکن و مسئول خانواده شمرده می‌شود. مسئولیت وی اهمیت خاصی دارد، زیرا وی سرپرست است، در نتیجه در برابر همه مسائل و سختی‌های فکری، روحی، اخلاقی و اقتصادی همسر و فرزند خود مسئول است». «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴). «اوست که می‌تواند با تدبیرهای خردمندانه خویش خانواده را به بهترین شکل اداره و اسباب خوشبختی آنان را فراهم کند و محیط خانه را همانند بهشت برین، مرتب و منظم گرداند و همسرش را به صورت فرشته‌ای درآورد، بنابراین او باید همسرش را خوب بشناسد و جایگاهش را بداند و بر اساس آن، دارای تعامل سازنده باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۱).

۲. زن

«همسر که رکن اساسی دیگر خانواده است، در جهت حقوق و موازینی که ریشه در فطرت و آفرینش انسان دارد، پس از ازدواج، زیر سرپرستی و حمایت شوهر قرار می‌گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۲).

۳. فرزند

«فرزند از ارکان خانواده است که در نگهداری و شادکامی خانواده کمک می‌کند. این رکن خانواده، نقشی را که برای ادامه حیات خانواده بایسته است، بر عهده می‌گیرد. در این میان، همه اعضای خانواده می‌کوشند از فرزند به بهترین شکل ممکن مراقبت کنند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۶-۵۷).

### جایگاه خانواده در آیات و روایات

درباره نظام خانواده و شکل‌گیری و اهمیت آن رهنمودهای فراوانی در متون دینی ما وارد شده است. خانواده (زن و شوهر) در قرآن کریم آیاتی از آیات خدا و مایه آرامش روحی شمرده شده است، چنان که خداوند فرموده است: «و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم، ۲۱). در جای دیگر از زن و مرد به عنوان لباس یاد شده است: «آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها؛ هردو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید» (بقره، ۱۸۷). لباس وسیله پوشش و حفاظت برای بدن است. به قول علامه طباطبایی در این آیه استعاره بسی لطیف به کار برده شده است. «زن برای مرد و مرد برای زن به عنوان لباس و پوشش است که همدیگر را از آلودگی و فجور محافظت می‌کند و نیز همان‌طور که لباس مایه زینت و زیبایی برای انسان است، زن و مرد نیز مایه زینت و زیبایی برای یکدیگرند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۵).

نظام خانواده، نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از آن پایه ریزی نشده است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۱۰۰، ص ۲۲۲). نیز فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَايْدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالٍ؛ هیچ فایده‌ای بعد از نعمت



اسلام برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او دارای همسری باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد» (بابویه، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۳۸). نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته در اسلام برخوردار است که حتی تأثیر بر ثواب عبادت و بندگی می‌گذارد تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده‌اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. این روایات و نیز روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به‌خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده را تعیین می‌کند.

بنا به تصریح آیت‌الله جوادی آملی در فرهنگ اسلامی، «اولویت و تقدم خانواده یک اصل به حساب می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۶). بر این اساس خداوند در قرآن تأکید بر توجه به خود و خانواده دارد: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» (تحریم، ۶) رسول خدا نیز درباره تقدم خانواده فرموده است: «از خانواده آغاز کنید و هرکسی که نزدیک‌تر است مقدم بدارید» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۶۷).

امام علی علیه السلام بر اساس روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده که تشکیل خانواده متعادل و مطلوب را می‌دهد در نامه به فرزندش، امام حسن علیه السلام چنین صمیمانه خطاب به وی می‌نگارد: «تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان من، هستی؛ آن‌گونه که اگر آسیبی به تو برسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را، کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد؛ حال، من زنده باشم یا نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۳۰). همچنین از فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره حقوق فرزند و پدر درمی‌یابیم که رعایت دوطرفه این حق، موجب صمیمیت و ارتباط گرم در کانون خانواده، به‌عنوان عام‌ترین واحد اجتماعی می‌گردد. «البته نقش اساسی و عاطفی مادر به‌عنوان سرمایه انسانی در کنار پدر و محبت بین آنان و فرزندان موجب می‌گردد تا پایه اولیه سرمایه اجتماعی در درون محیط گرم خانواده به بهترین شیوه، شکل بگیرد» (علینی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۳).

## خانواده مطلوب

تصویر واقع‌بینانه از خانواده متعادل، نوعی بصیرت و اعتماد به نفس در انسان می‌آفریند. «منظور از خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که بین اعضای آن روابط گرم و صمیمی وجود دارد و واجد ویژگی‌هایی است که خانواده مطلوب را شکل می‌دهد. با این اوصاف در صورتی که مشکلات و معضلاتی در خانواده متعادل به وجود آید اعضای خانواده تلاش می‌کنند تا شیوه منطقی اتخاذ کنند و برای مسائل، اهمیتی درخور آن‌ها قائل شوند (تناسب بین کنش و واکنش) و در برابر موقعیت‌های دشوار که ناگزیر از انتخاب باشند، تصمیم به موقع و مقتضی اتخاذ می‌کنند» (شرفی، ۱۳۷۲: ص ۶۶-۴۷).

## ویژگی‌های خانواده مطلوب

«به لحاظ تحلیلی، روابط و تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری است. در روابط با وجه ابزاری تعاملات و روابط به‌طور عمده خصلت سودمدارانه و سرد دارد، ولی روابط از نوع اظهاری نوعی مبادله گرم به حساب می‌آید و موجب پیوند افراد به یکدیگر، تکرار و دوام روابط به‌صورت عاطفی و صمیمی می‌گردد» (چلبی، ۱۳۷۵: ص ۱۶).

منظور ما از روابط در خانواده، روابط گرم و صمیمی و از نوع اظهاری است که پیوند مستحکمی را بین زن و شوهر و بین والدین و فرزندان ایجاد می‌کند که موجب می‌گردد خانواده مطلوب شکل بگیرد که نتیجه و دستاورد آن به سایر نهادها در جامعه سرایت خواهد کرد و موجب پیشرفت و توسعه خواهد گردید.

خانواده مطلوب به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که علاوه بر حفظ موقعیت هر یک از اعضای آن، دارای ویژگی‌هایی باشد که در ذیل برخی از موارد مهم آن را بر می‌شماریم.

### ۱. آرامش و سکون

آرامش، «اسم مصدر از آرمیدن است و در برابر اضطراب و دلهره به کار می‌رود و به حالت و صفت روانی و قلبی خاص گفته می‌شود. آرامش در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۴۳). از ویژگی‌های اساسی و مهم خانواده متعادل برقراری آرامش در بین اعضا و ارکان آن، «یعنی در وهله اول بین زن و مرد و در مرحله بعد بین والدین و فرزندان است. آیت‌الله جوادی آملی خانواده را



نخستین کانون رشد و آرامش بشری می‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۳).  
 «انسان، خواه مرد و خواه زن، از پاره‌ای جهات ناقص آفریده شده و جزء کامل‌کننده او در جنس مخالف نهاده شده است. به همین دلیل، زن و مرد هر دو به هم محتاج‌اند و به جهت این نیاز، به هم تمایل دارند؛ چرا که هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر محتاجی در پی چیزی می‌رود که نیازش را پاسخ دهد؛ بنابراین، زن مشتاق مرد است و مرد، مشتاق زن و چون به هم دست یابند در کنار هم آرام می‌گیرند» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ج ۱۶، ص ۱۶۵). «از اهداف مهم ازدواج را می‌توان به دست آوردن آرامش روانی و سکون قلبی و برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک زن و شوهر دانست» (علینی، ۱۳۹۳: ص ۹۱).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱). همچنین در آیه‌ی دیگر فرموده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹). آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی ویژگی آرامش در خانواده متعادل چنین تصریح می‌کند که «دو رکن خانواده، یعنی زن و مرد باید برابر همدیگر از کشش برخوردار باشند تا رضایت و نشاط احساس کنند و این احساس زمانی به دست می‌آید که کانون خانواده دارای آرامش و آسایش باشد و این کانون از راه تفاهم برخاسته از محبت و مودّت تحقق پیدا می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۴). ایشان تصریح می‌کند که «زنان و مردان به گونه‌ای خلق شده‌اند که مودّت و رحمت میانشان حاکم است و وقتی رحمت و مودّت دوجانبه بود، آرامش سکون نیز دوجانبه است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۵).

در خانواده‌ای که بین زن و مرد آرامش حاکم باشد، فرزندان نیز با الگوگیری از مادر و پدر، در روابط بین خودشان و در رابطه با والدینشان از آرامش برخوردار خواهند بود. چنین آرامشی که در خانواده و در روابط بین تمامی اعضای خانواده مشاهده می‌گردد موجب شکل‌گیری خانواده متعادل می‌گردد.

## ۲. احترام و تکریم

احترام «مصدر باب افتعال از مادّه «حرم» به معنای حرمت نگه‌داشتن است. حرمت نیز به معنای آنچه هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۲۸) «در آموزه‌های اسلام، به احترام و گرامی داشتن دیگران به ویژه



خانواده تأکید خاصی شده است. در واقع احترام به دیگران موجب نزدیکی قلب‌ها به یکدیگر و تثبیت و تقویت روابط و صمیمیت بین افراد می‌گردد» (علینی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۲).

در اندیشه آیت الله جوادی آملی خدای کریم به انسان هم کرامت داده است و هم فضیلت. «ذات اقدس الهی افزون بر تکریم انسان، وی را بر بسیاری از موجودات برتری داده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۶). احترام متقابل یکی از حقوق مشترک بین زن و مرد است، یعنی هم حق طرفینی ایجاد می‌شود و هم وظیفه طرفینی که اگر این حق و وظیفه رعایت نشود، منحل رابطه همسری خواهد شد و این اخلال ضررهای جبران‌ناپذیری نخست به خانواده و سپس به جامعه خواهد زد.

یکی از اصول مهم سعادت خانواده، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی است. در آموزه‌های دینی سفارش شده که هر یک از مرد و زن باید به دیگری احترام بگذارد. خداوند در قرآن کریم توصیه می‌کند که با همسران خود رفتار شایسته انجام دهید: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان به نیکویی رفتار کنید» (نساء، ۱۹). علامه جوادی آملی ذیل آیه شریفه بیان می‌کند که «همواره صلاهی معاشرت به نیکی طنین‌افکن بوده و فضل و وصل آن‌ها در گرو احسان و لطف خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰) امام باقر (ع) درباره احترام به همسر به مردان چنین سفارش کرده است: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۵۸). نیز امام صادق (ع) سعادت‌مندی زن را در اکرام و احترام وی به شوهرش دانسته است: «سَعِيدَةُ سَعِيدَةِ امْرَأَةِ تَكْرَمِ زَوْجِهَا» (بروجردی، ۱۳۹۱: ج ۲۲، ص ۵۴۲).

یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به احترام و تکریم به ویژه در مورد کودکان و فرزندان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰). در خانواده‌ای که همسران به یکدیگر احترام بگذارند، فرزندان نیز با الگوگیری از والدین به آنان احترام خواهند گذاشت و خانواده متعالی و مطلوب شکل خواهد گرفت.

در سیره معصومان (ع) نیز تکریم و احترام کودکان با شیوه‌هایی مانند قیام و استقبال در برابر فرزندان به هنگام ورود آنان به مجلس، سلام کردن به کودکان، با احترام صدا کردن و عیادت از کودکان مریض و مهم‌تر از همه شخصیت دادن به کودکان و فرزندان خود نشان داده شده است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۴۳، ص ۲۸۵).



در مکتب اسلام بر این اصل تأکید شده است «که واکنش کودک و نوجوان نسبت به پدر و مادر خویش در بیشتر موارد بر اساس طرز رفتار والدین تعیین می‌گردد؛ بنابراین توصیه می‌شود که روابط خود را با فرزندان خویش، به نحوی طرح‌ریزی نمایند که حق احترام آن‌ها را برانگیزد و به‌طور طبیعی خود را ملزم بدانند که به پدر و مادر خویش احترام نمایند. در مورد روش عملی که پدر و مادر باید در پیش گیرند تا احترام فرزندان را برانگیزند، موارد ذیل توصیه‌شده است:

الف. توقعات والدین از کودک به اندازه امکانات او باشد؛

ب. آنچه برای کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهند؛

ج. او را خفیف و بی‌مقدار نگردانند؛

د. با کودک ناسازگاری ننمایند.

مراعات حفظ تعادل در برخورد با کودکان، به‌عنوان یکی از اصول تکاملی و رشد جسمی و روانی کودک تلقی شده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۲: ص ۱۵۰).

### ۳. محبت و دوستی

محبت، این صفت فعل الهی از «حَبَّ يَحُبُّ» به معنای دوستی و دوست داشتن است (جمعی از نویسندگان ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۱۹۹). دوستی به معنای آشنایی توأم با مهر و محبت و عشق آمده است. «محبت گرایش مثبت قلبی است که بنیان خانواده و شالوده روابط انسان‌ها را در زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد و ارتباط بین مخلوق و خالق نیز گاهی سرشار از این گرایش قلبی است» (فرهادیان، ۱۳۷۸: ص ۱۰۷).

تنها عاملی که موجب تشکیل خانواده و بقا و تداوم زندگی خانوادگی است، محبت و در شکل رقیق‌تر و لطیف‌تر و والاتر، عشق است. «عشق و محبت به انسان، جهت و مسئولیت می‌دهد و به همه ارزش‌ها و نهادهایی که در جهت هدف خود می‌نگرد، احترام و قداست می‌بخشد و حتی تحمل مرگ را آسان و بلکه شیرین و لذت‌بخش می‌سازد» (بهشتی، ۱۳۷۷: ص ۳۳۷ و ۳۳۹).

آیت‌الله جوادی آملی یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در اسلام را محبت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۳۳۰). وی قائل است که «محبت شدت‌پذیرتر است و اگرچه کمیت ندارد، ولی دارای کیفیت است؛ محبت وزن ندارد، ولی شدت وجودی دارد و «وزین» است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۳۲۵).



درباره خانواده مطلوب با مراجعه به آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که در قرآن و روایات به محبت و دوستی میان زن و شوهر و میان فرزندان تأکید فراوانی شده است. بر این اساس است که خداوند پیدایش دوستی میان همسران را از آیات الهی برای اهل تفکر می‌داند: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱). علامه جوادی آملی با تمسک به این آیه شریفه بیان می‌کند که قرآن هدف زناشویی را کامجویی و لذت بردن از یکدیگر نمی‌داند، بلکه در این آیه شریفه، به دو اصل مودت (دوستی عاقلانه و منطقی) و رحمت رسیدگی به نیازهای طبیعی و عاطفی یکدیگر اشاره می‌فرماید. پس هر آنچه مودت و رحمت در خانواده را به هم می‌زند از آن باید دوری کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ص ۶۸-۶۹). به تعبیر دیگر قرآن کریم، «منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن را همانا، مودت و رحمتی می‌داند که خداوند بین آن‌ها قرار داده است» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ص ۵۱). نیز خداوند دوستی و علاقه به همسر و فرزند را مایه تمتع و بهره‌مندی از لذت‌های زندگی دانسته است: «رُزِئَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ» (آل عمران، ۱۴). در چشم مردم عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان و فرزندان آرایش یافته است. در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی از مهم‌ترین موارد نیکی به همسر اظهار محبت به وی و آراستگی ظاهری مرد است که از عوامل تحکیم خانواده به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۵۶). به همین جهت امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «به‌راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمان نیست، پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی‌ات با صفا گردد» (بابویه، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۵۵۶).

«در جامعه امروز کودکان نقش و اهمیت بسیاری دارند درحالی‌که در دوران گذشته چنین نبود» (اعزاز، ۱۳۸۰: ص ۱۳۲). «در عمق عشق به همسر، عشق به فرزند نهفته است و دو انسانی که برای تشکیل کانون گرم خانواده، یکدیگر را جذب می‌کنند موجود سومی می‌جویند که مظهر آمیزش جسم و روح آن‌هاست و آن‌چنان به آن‌ها یگانگی و هماهنگی می‌بخشد که به شادی‌اش هر دو شاد و به اندوهش هر دو اندوهگین‌اند و به طراوتش نشاط پیدا می‌کنند و به رنگ‌پریده‌اش هر دو افسرده می‌شوند. آن‌ها در ضمیر و باطنشان خواهان این هستند که برای فرزندان خود بهترین پدر و مادر باشند و در راه تربیت و ساختن انسانی نمونه و ایده‌آل هر چه بیشتر موفق شوند» (بهشتی، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹).

ابراز محبت یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت صحیح فرزندان است. تربیت صحیح و به موقع موجب رشد شخصیت و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان می‌شود. محبت به کانون خانواده گرمی می‌بخشد و امید می‌دهد. این گرمی و امید باعث تلاش و کوشش می‌شود. درباره ابراز محبت به فرزندان از طرف رسول گرامی ﷺ و ائمه اطهار و سایر بزرگان علم اخلاق و تعلیم و تربیت توصیه‌های فراوانی شده است. رسول اکرم ﷺ فرموده است: «نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ص ۴۶). در جای دیگر فرموده است: «قُبْلَةُ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ؛ هر بوسه‌ای که والدین نثار فرزندان می‌کنند درجه‌ای مثبت به دست می‌آورند» (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۶۹).

نیاز کودک به محبت و تأمین آن از سوی والدین اساس و پایه تربیت او را شکل می‌دهد. بر اساس سیره تربیتی معصومان (ع)، محبت و مهر ورزیدن به کودکان یک اصل است و آنان محبت به کودکان را عبادت می‌دانند. «بر این اساس است که پیامبر ﷺ هر روز صبح بر سر فرزندان و نوه‌های خویش دست محبت می‌کشید» (مجلسی، ۱۳۸۵: ج ۹۹، ص ۱۰۴). «گفتنی است از آنجاکه نیاز به محبت یکی از نیازهای اساسی انسانی است، برآورده شدن آن دارای آثاری از جمله اعتدال روحی-روانی کودک، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، آشنایی با روش مهرورزی و پیشگیری از انحرافات است» (علینی، ۱۳۹۳: ص ۹۶).

روان‌شناسان می‌گویند: «یکی از علل عمده اختلالات روانی در کودکان، گسسته شدن رابطه خانواده و یا اختلافات شدید خانوادگی است. در خانه‌ای که صمیمیت و محبت وجود دارد، کودک می‌تواند ثبات روحی خود را حفظ کرده و تغییرات مطلوب را در شخصیت خود فراهم آورد. از یک طرف می‌تواند با اطمینان به شخصیت خود با مشکلات روبه‌رو شود و از طرف دیگر بدون داشتن اضطراب و تشویش رفتارهای نامناسب خود را مورد تردید قرار داده به نحو مطلوبی تغییر دهد» (رشید پور، ۱۳۷۲: ص ۲۳).

«تأکید بر اظهار محبت به فرزندان و ملایمت در تربیت و پرهیز از برخوردهای اهانت‌آمیز با آنان از توصیه‌های دینی هستند که پیروی از آن‌ها می‌تواند کاهش میزان کج‌روی فرزندان را در پی داشته باشد» (بستان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۱).



نکته مهم و اساسی آن است که بدانیم «محبت اختصاص به دوره کودکی ندارد، بلکه آدمی از تولد تا مرگ نیازمند و تشنه محبت است» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۱۲۸ و ۱۲۹).

#### ۴. مشورت و گفت‌وگو

مشورت «اسم مصدر مشاوره، به معنای استخراج و استنتاج رأی در امری، با مراجعه بعضی به بعضی دیگر است. شورا امری است که در آن مشاوره می‌شود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۲۹۵). در مورد اهمیت مشورت همین بس که سوره‌ای از قرآن به همین نام آمده و علاوه بر آن خداوند پیامبر ﷺ را به مشورت با مؤمنان امر می‌کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹). همچنین خداوند هنگام بیان اوصاف مؤمنان راستین می‌فرماید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸). در این آیه، مسئله شورا در ردیف ایمان به خدا و نماز قرار گرفته که بیانگر اهمیت فوق‌العاده آن است. «به واقع مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل و علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر دچار خطا و اشتباه می‌شود» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ص ۱۱۴).

در روایات و احادیث معصومان بر مشورت و اهمیت آن تأکید شده است. از جمله رسول خدا ﷺ فرمود: «مشورت کننده‌ای نیست که به رشد (راه راست و مطلوب) هدایت نشود» (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۹، ص ۵۱) امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز فرمود: «هیچ تکیه‌گاهی همچون مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴). نیز «مشورت سرچشمه هدایت است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱). همچنین «مشورت، اندیشه‌های صحیح دیگران را برای به ارمغان می‌آورد و تو را هدایت می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۱) یا: «لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

بر اساس تأکیدات خاص خداوند در قرآن و روایات معصومان است که علامه جوادی آملی تصریح می‌کند که «شایسته است مسلمانان، کارهای مهم به‌ویژه امور اجتماعی را با مشورت انجام دهند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۴۸۳). احترام گذاشتن به همسر و فرزندان ایجاب می‌کند که درباره موضوعاتی که به امور خانواده مربوط می‌شود، با آنان مشورت شود. نتیجه مشورت بهره‌گیری از افکار اعضای خانواده است.

شایسته است در خانواده مطلوب و متعادل، همه اعضای خانواده بتوانند نظر بدهند و مسائل و مشکلات خود را با مشورت و تبادل نظر حل کنند.

«یکی از اصولی که در مورد نوجوانان و به خصوص در مرحله وزارت باید رعایت شود، مشورت است. والدین در دوره وزارت باید مرتباً فرزندان خود را اعم از دختر یا پسر مورد مشورت قرار دهند. هنگامی که با نوجوانی در مورد مسئله‌ای مشورت می‌کنیم، نوجوان احساس می‌کند که دارای شخصیت باارزشی شده است و از طرف دیگر مورد اعتماد والدین قرار گرفته است. لذا احساس شادی و خرسندی می‌کند. مشورت با فرزندان موجب می‌شود که آنان نسبت به مسائل بیندیشند، احساس مسئولیت کنند و با واقعیات زندگی آشنا شوند و خود را برای حل مسائل روزمره خانواده آماده کنند» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۹۱).

علامه جوادی آملی در مورد مشورت با جوانان که شامل فرزندان در خانواده نیز می‌شود به کلام امام علی علیه السلام استناد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۳۹۱) که حضرت فرمود: «هرگاه در امری که برای پیش آمده نیازمند مشورت بودی ابتدا با جوانان مشورت کن، زیرا آنان تیزهوش‌ترند و سریع‌تر حدس می‌زنند. سپس آن را به اندیشه پیران و بزرگان واگذار تا فرجام آن را شناسایی و انتخاب نیکو کنند، زیرا تجربه آنان بیشتر است» (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۳۷). لازم به ذکر است که «مشورت موجب همراهی، همفکری و تعاون والدین و فرزندان می‌شود و باعث می‌شود که جوانان به تدریج راه و روش درست فکر کردن و تصمیم‌گیری را بیاموزند» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۹۲).

یکی از عواملی که به فرزندان به‌ویژه در دوره نوجوانی شخصیت می‌دهد، مشورت کردن با آن‌ها در امور خانواده است. این کار سبب می‌شود که آن‌ها احساس کنند که در خانواده به حساب می‌آیند و به نظر آن‌ها توجه می‌شود. به این ترتیب آنچه را در دل دارند با والدین خود در میان می‌گذارند و این، در پیدایش صمیمیت و همدلی در خانواده مؤثر است. «لازم است والدین از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنان خطایی می‌بینند با دلیل و منطق آن‌ها را به اشتباه خود متوجه سازند. این عمل باید به‌گونه‌ای انجام شود که به شخصیت آن‌ها لطمه نزند و در آنان احساس ناتوانی را ایجاد نکند؛ و اگر در پیشنهادهای آن‌ها ایراد اصولی وجود ندارد



می‌توان از ایرادهای جزئی چشم‌پوشی کرد و از همراهی و همفکری آنها بهره‌مند شد. این امر حس همکاری آنها را در خانواده رشد می‌دهد. نتیجه دیگر مشورت کردن با فرزندان این است که والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گرفتن را به فرزندان خود می‌آموزند» (سادات، ۱۳۷۲: ص ۵۲).

برای ایجاد روابط گرم و عاطفی در خانواده مطلوب لازم است فضای گفت‌وگو بین اعضای خانواده برقرار گردد. شکل‌گیری گفت‌وگو نیاز به تمرین و ممارست دارد که این امر با گذاشتن جلسات هم‌اندیشی و مشورت و تبادل افکار و ایده‌ها بین والدین و فرزندان امکان‌پذیر است. در این جلسات، اعضای خانواده ضمن احترام گذاشتن و پاسداشت حرمت یکدیگر خواهند توانست مسائل شخصی خود را آزادانه مطرح کنند و در نهایت با مشورت جمعی بین همه اعضای خانواده به تصمیم‌گیری مناسبی برسند. گفتنی است در صورتی که مشورت و گفت‌وگو در خانواده نهادینه گردد و اعضای خانواده تمرین کنند تا مطالب یکدیگر را با آرامش و صبر و حوصله خوب بشنوند و به صورت منطقی و مستدل و بدون تعصب باهم تبادل نظر کنند، گفت‌وگو در عرصه‌های گسترده در جامعه شکل خواهد گرفت و بسیاری از کشمکش‌ها و جنجال‌های بیهوده در جامعه رنگ خواهد باخت و جامعه گفت‌وگو محور و مترقی شکل خواهد گرفت.

### نتیجه‌گیری

با توجه به ارتباط نزدیک و تنگاتنگ خانواده و جامعه، لازم است تا ابتدا روابط گرم و صمیمی بین اعضای خانواده شکل بگیرد. برای ایجاد روابط گرم و صمیمی در خانواده لازم است تا بین همسران و والدین و فرزندان آرامش حکم‌فرما باشد. حرمت یکدیگر را پاس داشته، به یکدیگر احترام بگذارند، محبت و دوستی بین آنها حاکم باشد و از مشورت و گفت‌وگو بهره‌مند گردند. در این صورت است که بستر و زمینه جامعه سالم و متعالی شکل خواهد گرفت. علامه جوادی آملی نیز بر این باور است که با وجود مؤلفه‌های اساسی و مورد تأیید اسلام در خانواده، خانواده مطلوب شکل خواهد گرفت و به دنبال آن جامعه متعالی ایجاد خواهد شد.

## منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحديد معتزلی، عبدالحمید. ۱۴۰۴ق. ترجمه شرح نهج البلاغه. مترجم: غلامرضا لایقی. ج ۲. قم: کتابخانه مرعشی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. ۱۳۸۵ ق. دعائم الاسلام. چاپ دوم. محقق: آصف فیضی. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۶۳ ق. تحف العقول. چاپ یازدهم. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۴. اعزازی، شهلا. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی خانواده. چاپ دوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۵. آمدی، عبدالواحد تمیمی. ۱۳۶۶. غرر الحکم و درر الکلم. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
۶. بابویه، علی بن محمد. ۱۳۸۷. من لا یحضره الفقیه. چاپ هفتم. مترجم: سید صدرالدین بلاغی. ج ۳. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۷. بروجردی، سید حسین. ۱۳۹۱. جامع احادیث الشیعہ. چاپ اول. مترجمان: احمدرضا حسینی، احمد اسماعیل تبار، محمدحسین مهوری. ج ۲۲. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۸. بستان، حسین. ۱۳۹۰. جامعه‌شناسی خانواده. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. بهشتی، احمد. ۱۳۷۷. خانواده در قرآن. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. جمعی از نویسندگان اداره کل تغذیه و بهداشت مدارس. ۱۳۷۲. بهداشت برای خانواده. چاپ دوم. تهران: انتشارات انجمن و اولیا.
۱۱. جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۷. برگزیده فرهنگ قرآن. ج ۱. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۱۲. جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۰. برگزیده فرهنگ قرآن. ج ۴. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۷. زن در آینه جلال و جمال. چاپ سوم. قم: اسراء.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. *مراحل اخلاق در قرآن*. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۵. *سرچشمه اندیشه*. ج ۲. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *تسنیم*. ج ۱۱. چاپ اول. قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ الف. *جامعه در قرآن*. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ ب. *تفسیر انسان به انسان*. چاپ پنجم. قم: اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. *تسنیم*. ج ۱۷. چاپ سوم. قم: اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. *تسنیم*. ج ۱۸. چاپ چهارم. قم: اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. *مفاتیح الحیاه*. چاپ یکصد و هفتاد و دو. قم: اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۷. *خانواده متعادل و حقوق آن*. چاپ سوم. قم: اسراء.
۲۳. جهانگرد، یدالله. ۱۳۷۲. *نحوه رفتار والدین با فرزندان*. چاپ اول. تهران: انجمن و اولیا.
۲۴. چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. *جامعه‌شناسی نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
۲۵. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. *لغت‌نامه*. ج ۱ و ۱۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. راشد، حسینعلی. ۱۳۸۱. *آخرین سخنرانی‌های راشد*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۷. رشید پور، مجید. ۱۳۷۲. *آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی*. چاپ دوم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۲۸. سادات، محمد علی. ۱۳۷۲. *رفتار والدین با فرزندان*. چاپ دوم. تهران: اولیا و مربیان.
۲۹. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ چهارم. تهران: سروش.
۳۰. شرف‌الدین، سید حسین. ۱۳۷۸. *تحلیلی اجتماعی از صله رحم*. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۳۱. شرفی، محمد رضا. ۱۳۷۲. *خانواده متعادل*. چاپ اول. تهران: انجمن و اولیا.
۳۲. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۶۲. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. مترجم: محمدباقر موسوی. ج ۲. قم: جامعه مدرسین. دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۸۰. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ ششم. مترجم: محمدباقر موسوی. ج ۱۶. قم: جامعه مدرسین. دفتر انتشارات اسلامی.



۳۴. طبرسی، فضل بن الحسن. ۱۳۸۴. *مجمع البیان*. ج ۹. چاپ هشتم. تهران: ناصر خسرو.
۳۵. علینی، محمد. ۱۳۹۱. *سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
۳۶. علینی، محمد. ۱۳۹۳. «بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال اول. شماره چهارم.
۳۷. علینی، محمد. ۱۳۹۴. «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال دوم. شماره چهارم.
۳۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. ۱۳۷۵. *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. چاپ اول. قم: انتشارات رضی.
۳۹. فرهادیان، رضا. ۱۳۷۸. *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. *اصول کافی*. ج ۵. چاپ اول. تهران: انتشارات اسوه.
۴۱. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. *بحار الأنوار*. ج ۱۰۰. چاپ پنجم. تهران: کتابچی.
۴۲. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۴. *بحار الأنوار*. ج ۴۳. چاپ چهارم. تهران: کتابچی.
۴۳. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۴. *بحار الأنوار*. ج ۹۹. چاپ چهارم. ۹۹. تهران: کتابچی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۴. *پیام قرآن*. ج ۱۰. چاپ اول. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

## نظر مقام معظم رهبری در میزان توانمندی زنان مسلمان در ایجاد تمدن اسلامی

فاطمه هادیان<sup>۱</sup>

### چکیده

زنان می‌توانند در ابعاد مختلف نقش‌های مهم و بسزایی را در ساختار تمدن اسلامی ایفاء کنند. بعد معنوی و تربیتی زنان در شکل‌گیری نسل مهدوی و تربیت آن مؤثر بوده است و نقش اجتماعی آنان و حضورشان در عرصه‌های علمی و فرهنگی و مذهبی و همین‌طور فعالیت‌های زنان در عرصه‌های اقتصادی به تقویت جامعه اسلامی کمک شایانی می‌نماید. مشارکت‌های سیاسی و بصیرتی زنان که بعد از انقلاب به نحو چشمگیری افزایش داشته موجب هشیاری و حرکت آگاهانه و استقلال آنان در عرصه‌های سیاسی است. در بعد فرهنگی نیز زنان به مثابه پرچم‌داران جنگ نرم در کانون خانواده و جامعه فعالیت‌های شایانی دارند و به پیشبرد اهداف جامعه اسلامی کمک می‌کنند؛ بنابراین چون زنان به عنوان نیمی از عناصر اصلی و پیکره جامعه نقش مهم و تأثیرگذاری دارند، مقاله حاضر سعی دارد با تبیین دیدگاه رهبر انقلاب، نقش‌آفرینی زنان مسلمان را در ایجاد تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار دهد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه‌ای بیان می‌کند که مقام معظم رهبری همواره بر احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی تأکید دارند و معتقدند که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی داعیه‌دار حقوق زنان است. همچنین تأثیر بانوان در عرصه‌های مختلف جامعه چشمگیر است. در برخی موارد مثل خانواده و امر تربیت نقش کلیدی و محوری ایفاء می‌کنند و در سایر عرصه‌ها نیز با حفظ خصوصیات زنانگی و بهره‌گیری از توانمندی‌ها با نگرشی الهی جامعه را به سمت تمدن اسلامی سوق می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، تمدن اسلامی، زنان، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

تفکر ایجاد تمدن اسلامی هم‌زمان با نزول اسلام در عصر پیامبر ﷺ شکل گرفت و از اهداف مهم و عالی اسلام به شمار می‌آید. پس از رسول الله ﷺ هر کدام از ائمه بر اساس مقتضیات زمان خویش در جهت شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی تلاش‌های جدی و فراوانی نمودند. پس از آن، در عصر غیبت نیز فقها و علماء اسلامی اقداماتی جهت تشکیل حکومت و تمدن اسلامی نموده‌اند اما این مهم در دوران پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی به‌طور جدی‌تر پیگیری گردید. از آنجاکه تحقق اهداف اسلام جزء وظایف تک‌تک مسلمانان اعم از زنان و مردان است، زنان نیز در رسیدن به این هدف نقش اساسی خواهند داشت.

بررسی نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی از منظر امام خامنه‌ای بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. چراکه دشمنان اسلام و انقلاب در طی سالیان متمادی سعی در تخریب مواضع انقلاب در خصوص زنان داشته و تلاش می‌کنند تا نقش زنان را در جامعه اسلامی کمرنگ و محدود معرفی نمایند. از طرفی دیدگاه ایشان به عنوان ولی فقیه و ولی امر مسلمین جهان مورد توجه افکار عمومی قرار دارد. همچنین مواضع رهبری دقیقاً منطبق بر آموزه‌های اسلام ناب است و چهره واقعی و موضع اسلام را در مورد جایگاه زنان بیان می‌کند.

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی توسط پیامبر ﷺ به بشریت عرضه شده است. برپایی تمدن اسلامی از اهداف و آرمان‌های اصلی انبیاء و اولیاء الهی در طول تاریخ بوده است. از آنجاکه پیاده شدن احکام و دستورات اسلام ناب به وسیله تمدن اسلامی شکل اجرائی به خود می‌گیرد، بزرگان و علماء اسلام همواره به تناسب موقعیت خود در جامعه، در ایجاد تمدن اسلامی تلاش‌های زیادی نموده‌اند. از این‌رو پژوهش‌های متعددی در خصوص نقش زنان در تمدن اسلامی از منظر قرآن، آیات و روایات صورت گرفته اما از آنجاکه مقاله حاضر مربوط به بیان دیدگاه‌ها و نظرات آیت‌الله خامنه‌ای است با سایر پژوهش‌ها تفاوت دارد.

## رابطه میان اسلام و تمدن

دعوت پیامبر بزرگ اسلام در مکه، حکومت در مدینه، فتوحات اسلامی، سقوط ابرقدرت‌های وقت به دست مسلمانان موجب پایه‌ریزی فرایندی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به نام تمدن اسلام در پهنه بزرگی از جهان شد که اوج آن در قرن چهارم جلوه کرده است. حرکت مجاهدان دین‌باور و درهم شکستن تمدن‌های آن روز، از نیمه‌های قرن دوم هجری نشانه‌های یک حرکت نوین عمده فرهنگی است که در اثر گسترش اسلام به وجود آمده است. معجزه بزرگ پیامبر اسلام ﷺ این بود که از قومی با تعصب‌های انحرافی و جاهل و با تمدن نازل، انسان‌هایی می‌سازد که در نیمه‌های قرن دوم هجری یک حیات نوین علمی و فرهنگی و پایه‌های یک تمدن بزرگ را در جهان بنا می‌کنند و در قرن چهارم به اوج خود می‌رسند (خمینی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۶-۱۰۷).

اعتقاد امام خمینی به رابطه دین اسلام و تمدن، بسیار عمیق بوده و آن را در بالاترین سطح می‌داند. ایشان در موارد متعدد در پاسخ به کسانی که اسلام را مخالف تمدن و پیشرفت معرفی نموده، با صراحت و قاطعیت می‌گوید: اسلام نه تنها با تمدن مخالف نیست بلکه دینی تمدن ساز و از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. دینی که با آموزه‌های خاص خود، موفق شد تمدنی نوین را در جهان بنیان گذارد. به باور امام، اسلام در بالاترین مراتب تمدن است و تمدنی که برای تحقق آن تلاش می‌کند، در عالی‌ترین درجه آن است. از نظر ایشان، آن چیزی که ضامن تحقق یک جامعه متمدن است، مکتب انسانیت (اسلام) است. اعتقاد امام به تمدن سازی اسلام به گونه‌ای است که معتقد است؛ تمدن حقیقی در اسلام وجود دارد و اساساً تحقق اسلام مساوی با تمدن است (الویری، ۱۳۹۷: ص ۱۷).

در اندیشه حضرت آیت اله خامنه‌ای، توحید نوعی طرز فکر است که در بنای جامعه و اداره آن نقش اساسی دارد. ایشان با محور قرار دادن حقیقت توحید و بهره‌مندی از صفات خداوند نتیجه می‌گیرند که هیچ‌کس غیر از خداوند حق حاکمیت در جامعه را ندارد و هیچ حاکمیتی جز از سوی خداوند و کسانی که او تعیین کرده است، مشروعیت نخواهد داشت در این رویکرد ایشان مفهوم متعالی ولایت الهی را در الگوی حکومتی مطلوب که شامل سه سطح ولایت نبوی، ولایت امام معصوم و ولایت فقیه



است منحصر می‌نماید و تمایز آن را با حکومت‌های سلطنتی، موروثی، استبدادی و حکومت‌های کودتایی بیان می‌نماید (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۱۶).  
با عنایت به دیدگاه ایشان، تمدن سازی اسلامی را باید فرایندی دانست که مرجعیت «اسلام» را به رسمیت می‌شناسد. بر اساس این تعریف تمدن سازی فعالیت است که توسط بشر صورت می‌گیرد و نیازمند منبع معرفتی است تا قوانین و سازه‌های تمدن بر اساس آن منبع توسط بشر تدوین و تنظیم گردند. بدین ترتیب اسلام در تمدن سازی اسلامی، به عنوان منبع معرفتی، قوانین و آموزه‌های دینی لازم را در اختیار فرایند تمدن سازی قرار می‌دهد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۱۶).

### نقش معنوی

یکی از امور تأثیرگذار در جنبه‌های مختلف زندگی افراد، معنویت است که تأثیر مستقیمی در جامعه دارد. در باورهای دینی میان زن و مرد در رسیدن به مقامات معنوی تفاوتی وجود ندارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ». از مردان یا زنان کسانی که کار شایسته انجام دهند درحالی که مؤمن باشند، آنان در بهشت درآیند و در آن بی حساب روزی یابند» (غافر، ۴۰).

همچنین مردان و زنان مسلمان را در کسب فضایل و دریافت غفران و پاداش عظیم مساوی معرفی می‌نماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». مسلماً خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راست‌گو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان حفظ‌کننده خود از پلیدی‌های جنسی و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است» (احزاب، ۳۵).

بنابراین جایگاه معنوی برای زنان نیز همچون مردان قابل تأیید است. در این راستا رهبر معظم انقلاب هم بیان داشته‌اند که «زن و مرد در میدان رشد و تکامل



معنوی، هیچ تفاوتی ندارند؛ یعنی مرد می‌تواند از لحاظ معنوی به عالی‌ترین مقامات برسد زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی بن ابی طالب (ع) برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا (ع) برسد» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

قرآن کریم، نمونه انسان‌های با ایمان را از میان زنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ... و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن» (تحریم، ۱۱).

«خدای متعال در اینجا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند؛ یعنی در صحنه انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند، بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد. یکی از آن دو زن، زن فرعون است. زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجا است که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند. اگرچه آن شوهر، شخصی در حدّ فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده او هستند، اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده او نیست. این زن آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه بنی نوع بشر انتخاب می‌شود. زن دیگر، مریم (ع) مادر عیسی (ع) و دختر عمران (ع) است. زنی جوان که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده همه مردم شهر و منطقه خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامل خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان دهنده آن است که وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند. دو مرد یا

یک مرد و یک زن را معرفی نمی‌کند. در این کار، رازهایی است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

«زن با نقاط قوت زنانه خود- که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است- همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکا به خداوند و همراه با عفت و پاک‌دامنی- که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد- می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی ایفا کند که هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، درعین حال مثل چشمه جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پُربرکتی می‌توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵).

با توجه به تعالیم اسلام درمی‌یابیم که نیاز زنان به معنویت بیش از مردان است از این رو سن تکلیف در دختران زودتر از پسران رخ می‌دهد. دستاوردهایی که معنویت در زندگی به دنبال دارد عبارت است از: آرامش روانی، نجات از بحران‌های روحی، تقویت روحیه جهاد و ایثار و ... همچنین زنان به منزله رکن اساسی در تعلیم و تربیت اجتماع باید بیش از دیگران مجهز به سلاح معنویت و تقوا باشند. تولد و پرورش نسل مهدوی یکی از ثمرات معنویت در زنان است که جامعه به آن نیاز مبرم دارد.

## نقش اجتماعی

از ابتدای تاریخ تا به حال زنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در عرصه اجتماعی حضور داشته‌اند. در خصوص فعالیت اجتماعی زنان در جامعه تفکرات و نظرات متعددی وجود دارد؛ اما به‌طور کلی نمی‌توان حضور و تأثیر نیمی از نیروی انسانی جامعه یعنی زنان و فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها را در جامعه نادیده گرفت.

برخورداری از هوش اجتماعی و رعایت حیثیت جمعی به قدری محترم است که قرآن آن را از ویژگی‌های مؤمنین دانسته و می‌فرماید: مؤمنین راستین کسانی هستند که در مسائل جمعی جامعه حضور دارند و رهبرشان را تنها نمی‌گذارند و بدون عذر موجه صحنه را ترک نمی‌کنند و اگر هم معذور بودند بدون اطلاع نمی‌روند. حتی کسی که

مثلاً مریض است بدون اعلام، صحنه را ترک نمی‌کند تا راه بهانه‌گیری را برای دیگران باز نکند. «... فاذا استاذنوك لبعض شأنهم فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان الله غفور رحيم. پس هنگامی که برای برخی از کارهایشان از تو اجازه می‌خواهند، به هر کدام از آنان که خواستی اجازه بده و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (نور، ۶۲).

آنگاه اگر کسی معذور بود و به اذن مقام رهبری صحنه را ترک کرد باز هم فضیلتی را از دست می‌دهد، از این رو ذات اقدس اله به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که تو برای آن‌هایی که با عذر صحنه را ترک می‌کنند و با کسب مجوز و اعلام عذر در صحنه نمی‌آیند استغفار کن (نور، ۶۲). بنابراین معلوم می‌شود که اگر کسی موفق نشد در یک مسئله اجتماعی حضور پیدا کند از فیضی بی‌بهره مانده است که باید با استغفار رسول خدا ﷺ ترمیم شود. این نموداری از وظیفه جمعی افراد جامعه است که قرآن آن را ترسیم می‌کند و در این بخش فرقی بین زن و مرد نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ص ۴۶).

حضرت آیت‌اله خامنه‌ای با ژرف‌نگری و آینده‌نگری همواره مسئولیت اجتماعی زنان را مورد توجه قرار داده و درباره این امر می‌فرمایند: «از نظر اسلام در همه میدان‌ها هیچ تفاوتی در فعالیت‌های اجتماعی میان مرد و زن، وجود ندارد. اگر کسی بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند درس بگیرد، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری فعالیت اجتماعی زنان با حفظ حدود و در نظر گرفتن روحیات زنان مطلوب و مجاز است و در این خصوص می‌فرمایند: «از نظر اسلام، در همه این فعالیت‌های مربوط به جامعه بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست چون با ترکیب جسمانی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست، چون با وضع اخلاقی و جسمی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. البته در عرصه این فعالیت‌ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست، بلکه مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی



این مسئله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا - در خیابان، در اداره، در تجارتخانه - داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. بعضی خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است، همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

بنابراین در دیدگاه رهبری، مناسب‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی زنان عرصه‌های علمی است. اگرچه در نظر ایشان، در حیطه کارهای اجرایی بعضی مشاغل مناسب زن نیست اما حضور زن در همه عرصه‌های علمی و رشته‌های گوناگون مفید است. ایشان می‌فرمایند: «کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوع برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده، تعلیم و تدریس کند، کتاب بنویسد، کارهای فرهنگی بکند؛ در هر رشته‌ای که باشد فرق نمی‌کند، چه رشته علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمی‌کند» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴).

با جمع‌بندی نقطه نظرات آیت اله خامنه‌ای مشخص می‌گردد آنچه موجب رشد زن می‌شود صرفاً اشتغال بیرون از خانه نیست. مشاغلی همچون منشی‌گری، فروشندگی، ماشین‌نویسی، مستخدمی و... چیزی به شأن زن اضافه نمی‌کند، بلکه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و مذهبی است که زن را رشد می‌دهد اگر نه پست شمردن کار خانگی و در مقابل ارزشمند شمردن اشتغال بیرون از خانه به عنوان عامل رشد و ترقی زن، ریشه در تفکرات فمینیستی دارد (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۴).

## نقش تربیتی

جامعه انسانی نیازمند علل و عواملی است تا گرایش و صفای ضمیر بین افراد آن تأمین شود و صرف قوانین و مقررات سیاسی، نظامی، اقتصادی و... کافی نیست و با توجه به اینکه جامعه بزرگ بشری را جوامع کوچک خانوادگی می‌سازند، یعنی اعضای خانواده‌های متعدد عامل تحقق مجتمع رسمی خواهند بود. پس مادامی که سبب رأفت و گرایش در بین اعضای خانواده پدید نیاید، هنگام شکل مجتمع رسمی نیز هرگز



بین آحاد آن، صفای ضمیر و روح تعاون و پیوند دوستی برقرار نخواهد شد. مهم‌ترین عاملی که بین افراد خانواده رأفت و گذشت و ایثار را زنده می‌کند تجلی روح مادر در بین اعضای خانواده است زیرا پدر گرچه به عنوان «الرجال قوامون علی النساء» عهده‌دار کارهای اداری و اجرایی جامعه کوچک یعنی خانواده است، لیکن اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده است، به عهده مادر است زیرا مادر مبدأ پیدایش و پرورش فرزندان است که هرکدام به دیگری وابسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ص ۴۶).

اسلام خانواده را مظهر انس، الفت و آرامش مرد و زن می‌داند که هرکدام با توجه به حدود وظایف خویش، نقش خاصی را در جهت اعتلای خانواده دارند. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. محیط امنی است که در آنچه فرزندان و چه خود پدر و مادر می‌توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد سالم نگه دارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل‌هایی که پشت سر هم می‌آیند، بی‌حفاظ‌اند. انسان برای تربیت و هدایت و تعالی و کمال است و این جز در محیط امن خانواده محقق نمی‌شود (کربلایی نظر، ۱۳۹۰: ص ۱۶۲).

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح می‌شود. مردها که پدران این خانواده‌اند، زن‌ها که مادران خانواده هستند و دیگری فرزندان که نسل بعدی این جامعه هستند. اگر خانواده در جامعه‌ای نباشد، همه تربیت‌های بشری و همه نیازهای روحی انسان‌ها ناکام خواهد ماند، زیرا طبیعت و ساخت بشری به‌گونه‌ای است که جزء در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر، آن تربیت سالم و بی‌عیب و عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد (کربلایی نظر، ۱۳۹۰: ص ۱۶۲).

مقام معظم رهبری در خصوص نقش تربیتی زن می‌فرمایند: «بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند آنان به ضرر فرزندان، به ضرر خود و جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز

نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

همچنین در مورد اهمیت خانواده معتقدند: «زنان غربی، به خاطر این‌که به خانواده و تربیت فرزند اهمیت ندادند، میلیون‌ها نوجوان تبهکار و فاسد در کشورهای اروپایی و آمریکایی، در زیر سایه آن تمدن مادی، آن کاخ‌های سر برافراشته، آن پایگاه‌های اتمی، آن آسمان‌خراش‌های صدوچند طبقه، آن پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، در سن ده سالگی، دوازده سالگی مشغول تبهکاری‌اند. این، به خاطر چیست؟ به خاطر آن است که زن غربی، قدر خانواده را ندانست» (بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از نظر رهبر انقلاب زن در خانواده نقش کلیدی و مهمی ایفاء می‌کند و در این مورد می‌فرمایند: «در واقع، زن خانواده را به وجود می‌آورد و اداره می‌کند این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد؛ یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند؛ بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند» (بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

آیت اله خامنه‌ای شاخصه تربیت را از ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان می‌داند و بیان می‌کند: «علّت این‌که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از نظر ایشان پرورش روحیه ایثار و رشادت از دیگر آثار تربیتی زنان است که در قسمتی از بیانات خود به این امر پرداخته‌اند. «مادران در دوران انقلاب و در



جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسان‌های مقاوم و مستحکم مبدل ساختند. این نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر است. این، نقشی است که زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگ‌ترین نقش‌هاست و به نظر من از همه کارهای زن مهم‌تر، همین کار است. از همه کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری نقش زن در مقوله تربیتی شامل ایجاد آرامش در محیط خانواده، انسان‌سازی و پرورش فکری و روحی فرزندان، تغذیه فکری و معنوی افراد خانواده و فراهم کردن بستری مناسب جهت رشد و ارتقاء اعضای خانواده است؛ بنابراین اگر زنان در مسیر صحیح الهی قرار گیرند، با توانایی بالقوه خود می‌توانند خانواده و جامعه را از انحراف‌های اخلاقی و عقیدتی نجات دهند، همان‌طور که اگر نسبت به این مهم بی‌تفاوت باشند، زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایجاد می‌شود.

### نقش اقتصادی

مقوله اقتصاد برای کشورها و جوامع از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا رشد و پیشرفت و قدرت هر جامعه و کشوری به قدرت اقتصادی آن بستگی دارد و نشانه ترقی و توسعه‌یافتگی آن کشور محسوب می‌شود. همچنین نیازهای اقتصادی افراد در سطح جامعه یا در خانواده از نیازهای مهمی محسوب می‌شود که تأمین آن نیازمند کمک و همیاری همه افراد اعم از زنان و مردان است؛ بنابراین زن به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده، پس از مرد می‌تواند تأمین‌کننده اقتصاد خانواده باشد و برای رفاه خود و خانواده‌اش شغل و حرفه‌ای را انتخاب کند. نقش‌آفرینی زنان در حوزه اقتصادی به معنای تلاش و مجاهدت آن‌ها در ایجاد ساختارهای مطلوب اقتصادی مبتنی بر نرم‌افزارهای اداره جامعه اسلامی و همچنین تلاش برای کسب و افزایش ثروت افزایی مادی فرد و جامعه است (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷: ص ۱۰).

مقام معظم رهبری در خصوص فعالیت اقتصادی زنان و اشتغال آنان می‌فرماید:

«اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آن‌ها هر چه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدّس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریف‌تر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. این‌که ما بگوییم زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم، به استنادِ نظرِ اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است؛ اما از آن طرف، این را هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاش‌های دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کنند، اسلام توصیه نکرده است. نظر اسلام، یک نظر میانه است؛ یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد؛ اما این‌که او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه خانوار، سهمی به عهده‌گیری، نه. این را هم اسلام از زن نخواسته است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۰۶/۲۸).

پس از بررسی منظومه فکری رهبری درباره‌ی زنان و اقتصاد به شیوه‌های فعالیت اقتصادی و نقش زنان در اقتصاد بنا بر فرمایشات و مطالبات ایشان می‌پردازیم. از جمع‌بندی مطالب به این مسئله می‌رسیم که فعالیت‌های اقتصادی زنان گاهی به شکل مستقیم و گاهی غیرمستقیم موجب درآمدزایی می‌شود. انجام فعالیت‌های مستقیم اقتصادی یا با انتخاب زن و یا بسته به شرایط برای او ایجاد خواهد شد که در این صورت با تحصیلات دانشگاهی و یا تجربی زن وارد بازار اقتصادی می‌شود و موجب درآمدزایی برای خود و خانواده و جامعه‌اش خواهد شد و می‌توان گفت به تکلیف اقتصادی که متوجه او شده عمل کرده است (شوکتی، ۱۳۹۹).

یکی از مؤلفه‌هایی که به طور غیرمستقیم در رشد اقتصادی هر جامعه‌ای مؤثر است جمعیت است. اگر چنان‌چه جمعیت زیاد باشد، جمعیت کم مقهور واقع می‌شود. امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی امکانات



دست یافته‌اند. از برکت‌های جمعیت زیاد رشد فعالیت‌های مفید اقتصادی از طریق افزایش جامعه نخبگانی خواهد بود لذا فرزندآوری شاید در نگاه نخست ارتباطی با رشد اقتصادی یک کشور نداشته باشد، ولی با دید عمیق‌تر یکی از ارکان اقتصاد در هر کشوری خواهد بود و این چیزی است که یک زن می‌تواند آن را با ازدواج به هنگام، فرزندآوری و تربیت فرزندان معتقد و متعالی و نخبه رقم بزند (شوکتی، ۱۳۹۹).

امام خامنه‌ای نیز فرزندآوری را نوعی جهاد تلقی می‌کنند و می‌فرمایند: «فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌ها و وظائف زنان است. چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است. او زحماتش را تحمل می‌کند و رنج‌هایش را می‌برد. خدای متعال ابزار پرورش فرزند، صبر، عاطفه و احساسات را به او داده است در حالی که به مردها نداده است. در واقع این هنر زن‌ها است. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به دست فراموشی نسپاریم، پیشرفت خواهیم کرد» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

استفاده از تولیدات داخلی نیز در توانمندی اقتصاد یک جامعه مؤثر است و زن به عنوان مدیر داخلی خانه نقش مؤثری در فرهنگ مصرفی خانه و خانواده دارد. ایجاد بینش گرایش و اعتقاد به مصرف تولیدات داخلی یک عمل صرف نیست بلکه زن به عنوان مربی خانواده می‌تواند این را به فرزند و همسر خود یاد بدهد و نهادینه کند که مصرف تولید داخلی کشور یک عمل حسنه است و این به نحوی تقویت حکومت اسلامی است (شوکتی، ۱۳۹۹).

آیت اله خامنه‌ای با تأکید بر این مسئله می‌فرمایند: «بنده این همه بر روی مصرف تولیدات داخلی تکیه کرده‌ام. الآن هم به شما و مردم عزیز کشورمان می‌گویم سراغ مصرف تولید داخلی بروید و کار کارگر ایرانی را ترویج کنید. وقتی جنس خارجی وارد شد، تولید داخلی می‌خواهد، وقتی تولید داخلی خواهید، همین وضعی پیش می‌آید که امروز هست، جوان ما بیکار می‌شود وضع زندگی و معیشت مردم دشوار می‌شود» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱).

در واقع زن با نقش بنیادینی که در امور خانه و خانواده دارد در کلیه جنبه‌ها خصوصاً جنبه اقتصادی نقش مهمی را ایفاء می‌کند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در اقتصاد جامعه تأثیر می‌گذارد. همچنین با انتخاب مشاغل مختلف اعم از خانگی یا غیر خانگی در پیشرفت اقتصاد کشور و کارآفرینی سهم بسزایی دارد.

## نقش سیاسی و بصیرتی

در خصوص حضور و مشارکت زنان در عرصه سیاست نظرات متفاوتی وجود دارد. آگاهی‌های سیاسی و علاقه به دریافت تحلیل‌ها و اطلاعات صحیح در مورد مسائل سیاسی در میان برخی زنان دیده می‌شود. پیوند عمیق دین اسلام با سیاست موجب حضور و مشارکت قابل توجه زنان در مسائل سیاسی کشور پس از انقلاب گردیده است. در علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی به دخالت مستقیم در مسائل سیاسی مثل حضور در انتخابات، چه به منزله رأی دهنده و چه به منزله انتخاب شونده، فعالیت سیاسی در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی برای تأیید یا اعتراض به روندها یا اشخاص سیاسی و... می‌گویند. ولی به نظر می‌رسد هرگونه تأثیرگذاری در مسائل سیاسی، هر چند با شرکت در راهپیمایی‌ها و اعلام نظر می‌تواند مشارکت سیاسی باشد (علاسوند، ۱۳۹۹: ص ۳۵۷).

نقش‌آفرینی زنان در حوزه سیاسی به معنای تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم آنان در ارائه الگوی مطلوب ساختار سیاسی، کسب قدرت سیاسی جامعه مطبوع و افزایش قدرت و یا ایجاد عزت جامعه نسبت به سایر جوامع است (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷: ص ۱۰).

حضور زنان و مشارکت مستقیم آنان در پیروزی انقلاب اسلامی امری انکارناپذیر بوده و همواره از سوی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. به طوری که ایشان می‌فرمایند:

«همراهی و مشارکت فعالانه زنان در نهضت پیروزی اسلام را بیمه کرد» حضور زنان در تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه حاکمیت‌های طاغوت در جریان شکل‌گیری نهضت‌های اسلامی از ابتدای تاریخ و به‌ویژه حضور آنان در صف مقدم راهپیمایی‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد جریان‌های بیداری اسلامی در کشورهایی چون بحرین و یمن و ... به عنوان شواهدی بر رفتار سیاسی زنان به شمار می‌رود.

(یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

رهبر انقلاب در خصوص نقش سیاسی زنان می‌فرماید: «هویت اسلامی این است که زن در عین این‌که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می‌کند یعنی با وجود احساسات رقیق، عواطف جوشان، مهر و محبت، رقت، صفا و درخشندگی در عین حال

باید در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی، ایستادگی، صبر و مقاومت، حضور و خواست سیاسی، درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف‌های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش‌های دشمن روز به روز پیشرفت کند. زنان باسواد، آگاه، بامعرفت، می‌بایست در همه این میدان‌ها پیشروی کنند. الگوی زن مسلمان ایرانی را نشان بدهند که چنین زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند هم از حق خود دفاع می‌کند هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۳/۳۰).

همچنین در قسمتی دیگر از بیانات ایشان آمده است: «...اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید و موفق نخواهند شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

مقام معظم رهبری با توجه به جنبه سیاسی زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ایشان را الگویی کامل معرفی می‌کنند و معتقدند که: «اگر الگوی زن امروز دنیا حضرت زینب و فاطمه زهرا (علیها السلام) باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیت‌ها و انتخاب بهترین کارها و لو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسان‌ها گذاشته است» (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۰/۰۸/۲۲).

امروزه حضور فعال زنان در شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی بیش از گذشته حائز اهمیت است و بیانگر مشارکت سیاسی زنان پس از انقلاب است. کلیه زنان جامعه اسلامی حتی آن‌هایی که به طور مستقیم وارد عرصه‌های سیاست و پذیرش نقش‌های سیاسی نشده‌اند، با شرکت در انتخابات، گزینش نمایندگان منتخب جامعه و حضور در سایر فعالیت‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها و سرنوشت سیاسی کشور تأثیرگذار هستند.



## نقش فرهنگی

نقش آفرینی زنان در حوزه فرهنگی به معنای تأثیرگذاری آنان در باورها، هنجارها، ارزش‌ها و آداب و رسوم جامعه و همچنین ارتقاء سطح اندیشه جمعی افراد است. تلاش دشمنان اسلام و تمرکز آنان مبنی بر تغییر در فرهنگ و آداب و رسوم و جایگزین کردن فرهنگ غربی مؤید این امر مهم است.

یکی از عوامل زمینه‌ساز تمدن اسلامی هماهنگی میان بینش و اندیشه انسان‌های تراز انقلاب اسلامی با ارزش‌های دینی و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی است. بر این اساس زنان علاوه بر تهییج و تشویق اراده‌های انسانی نقش مهمی در آگاهی بخشی و ارتقاء سطح درک افراد جامعه نسبت به تمایز وضع موجود و مطلوب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جهت شکوفایی تمدن اسلامی ایفا می‌نمایند. نقش آفرینی زنان در احیای تفکر اسلامی در نهضت تولید علم دینی و مشارکت مستقیم آن‌ها در طراحی ساختارها و نظارت اجتماعی مبتنی بر نگرش توحیدی و همچنین تأثیر بر فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم‌گیری از طریق آگاهی بخشی به افراد جامعه است. زنان علاوه بر اینکه خود به رشد فکری رسیده‌اند خانواده و جامعه را نیز در موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رشد می‌دهند (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷: ص ۱۵).

اهمیت فرهنگ در ایجاد تمدن اسلامی به حدی است که امام خامنه‌ای در بیانات خود می‌فرماید: «استقلال یک ملت فقط با استقلال فرهنگی تأمین می‌شود. یک ملت اگر از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی به خودکفایی کامل هم برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد نکند، این ملت نمی‌تواند ادعا بکند که مستقل است. در دنیا سر رشته فرهنگ دست یک عده‌ای است. آن‌ها هستند که لباس را، کیفیت زندگی را، پوشش را، وضع نشست و برخاست را، اخلاق را، معرفت را برای انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند و برای آن‌ها سرمشق معین می‌کنند. اگر یک ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی که بیگانگان ساخته‌اند و پرداخته‌اند و گسترش داده‌اند، حفظ کند، این ملت و این مجموعه یک مجموعه مستقل است. اما اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه فرهنگ بیگانه - که ساخته دست بیگانگان و دشمنان است - قرار بگیرد، یک ملت وابسته و اسیر است، ملتی که



هرچه از لحاظ اقتصادی و سیاسی هم خود را مستقل کند، باز تحت تأثیر آن کسانی است که سر رشته فرهنگ را در دست و در اختیار دارند. امروز صدها ایستگاه رادیو [فعالیت می‌کنند] و صدها روزنامه و مجله در سرتاسر عالم -روزانه و هفتگی- منتشر می‌شوند برای اینکه فرهنگ استکبار جهانی و فرهنگ مطلوب قدرتمندان بزرگ عالم را در سطح ملت‌ها گسترش دهند و اگر کسی با این فرهنگ مخالفت کرد، دشمنی آن‌ها با او به مراتب بیشتر است از آن کسی که سیاست آن‌ها را نقض می‌کند و در مقابل تصمیم‌های سیاسی آن‌ها می‌ایستد چون می‌دانند که تأثیر فرهنگ تأثیر عمیق‌تر و تأثیر تعیین‌کننده‌تری است» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵).

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری مقابله با فرهنگ و سبک زندگی غربی و به کارگیری فرهنگ اسلامی - ایرانی یکی از وظایف زنان در حوزه خانواده و اجتماع است. ایشان در بیان ویژگی فرهنگ غرب می‌فرمایند: «فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند. هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد. هدف زندگی پول و ثروت می‌شود. آرمان‌های بلند، معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

همچنین در دیدار با شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی اظهار داشتند: «صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی می‌کند فرهنگ و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. صد سال تلاش شده است برای اینکه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه کنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به کار رفته است. پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی و استفاده از غرایز طبیعی جنسی انسان همه این‌ها را استخدام کرده‌اند برای اینکه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور کنند. امروز اگر شما بانوی نخبه اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگ‌ترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع می‌تواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یکدیگر و چند روز گفتگو

کردن اکتفا نکنید و این دیدار را مقدمه یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار دهید که بر دنیای اسلام اثر بگذارد و می‌تواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یک تأثیر مضاعف است» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

همچنین با توجه به دیدگاه رهبر انقلاب یکی از راهکاری تقویت بنیه فرهنگی زنان ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در میان آنان است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند «از جمله کارهای بسیار مهم، کتاب‌خوان کردن زنان است. شیوه‌ای ابتکاری پیدا کنید، برای این‌که خانم‌های داخل خانه را کتاب-خوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتاب‌خوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما این‌ها مطلع نمی‌شوند. این کتاب‌ها معارف بشری است که ذهن‌ها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع بهتر و صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

با تأمل و تحلیل در سایر منویات مقام معظم رهبری می‌توان به مصادیق دیگر نقش زنان در عرصه‌های فرهنگی پرداخت. مثلاً در حوزه رفتار فرهنگی می‌توان به رعایت حجاب و عفاف، ترویج الگوی پوشش کامل در جامعه، تحریم لوازم آرایشی و لباس‌های مورد تبلیغ کشورهای بیگانه از طریق ماهواره و رسانه‌های ارتباط جمعی آن‌ها، کنار گذاشتن سبک زندگی غربی در تغذیه، پوشش، اوقات فراغت، تفریحات و... اشاره کرد (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷: ص ۱۶).

به طور کلی مقابله عملی آگاهانه با تهاجم فرهنگی در خانواده و تربیت فرزندان و بازداشتن آن‌ها از گرایش به سمت فرهنگ غربی از طریق عدم استفاده از اسباب‌بازی‌های مروج فرهنگ منحط غرب، ایجاد علاقه در فرزندان به بازی‌های همسو با فرهنگ اسلامی، طراحی چنین بازی‌های برای آنان توسط مادران جامعه اسلامی و ترویج فرهنگ اسلامی از طرق مختلف را می‌توان مثال‌هایی از رفتاری فرهنگی زنان در جهت ایجاد تمدن بین‌المللی اسلامی دانست (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷: ص ۱۶).

مکتب حیات‌بخش اسلام زن را به عنوان سرمایه اصلی در خانواده و اجتماع می‌داند که با وجود توانایی‌های خود می‌توانند خانواده را از آسیب‌های اجتماعی ناشی از



فرهنگ‌های منحنی غربی و تهاجمات فرهنگی حفظ کنند. دامان مادران اولین پایگاه تربیتی کودکان است که پایه‌های شخصیتی کودکان در آن شکل می‌گیرد بنابراین مادران می‌بایست فرهنگ صحیح اسلامی-ایرانی و سبک زندگی صحیح را از همان کودکی به فرزندان خود بیاموزند و با تقویت فرهنگ دینی و دین‌باوری آن‌ها را برای مقابله با حملات نرم دشمنان آماده کنند.

### نتیجه‌گیری

در تمدن اسلامی مرجعیت اسلام به عنوان قانون‌گذار به رسمیت شناخته می‌شود و قوانین و سازه‌های تمدن بر اساس آن منبع غنی تدوین و تنظیم گردند.

اسلام در مورد تک‌تک افراد جامعه اعم از زنان و مردان برنامه‌ریزی مخصوص به خود را دارد و نقش هر کدام از آن‌ها با توجه به توانائی‌ها و روحیات ایشان مشخص گردیده است. در بحث ایجاد تمدن اسلامی نیز زنان مانند مردان نقش مؤثر و بسزایی را بر عهده دارند. بانوان هر جامعه به عنوان عناصر فعال آن جوامع هستند که اگر نقش آن‌ها به درستی ایفاء نشود سرنوشت آن ملت‌ها چیزی جز انحطاط و تباهی نخواهد بود. در این میان عده‌ای زن و فعالیت او را منحصر در خانه و خانه‌داری می‌دانند و در طرف مقابل گروهی از فمینیست‌ها بدون توجه به تفاوهای فردی، روحیات و توانایی‌های زنانه، برای هر دو جنس زن و مرد نقش‌های یکسانی قائل هستند؛ اما اسلام در این میانه افراط و تفریط راهکار معقولی را ارائه می‌دهد.

توجه به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی حائز اهمیت است و بیانگر این راهکارها است. با دقت در بیانات ایشان مشخص می‌گردد که بانوان مسلمان تأثیر چشمگیری در زمینه رشد معنویت و ترویج روح ایمان و تقویت دین‌باوری در جامعه دارند. همچنین در بعد اجتماعی موجب افزایش توان علمی کشور می‌گردند و از جهت تربیتی، کمک شایانی به پرورش و تربیت نسل شایسته و مهدوی می‌نمایند.

از لحاظ اقتصادی باعث اشتغال‌زایی، تقویت بنیه اقتصادی جامعه و ترقی کشور می‌شوند. در زمینه سیاسی نیز افزایش آگاهی‌ها و مشارکت‌های سیاسی آنان باعث حضور حداکثری افراد به عنوان پشتوانه نظام اسلامی می‌گردد و در عرصه فرهنگی

می‌توان به نقش آنان در مبارزه با حملات نرم دشمن و اجرای سبک صحیح اسلامی ایرانی اشاره کرد.

## منابع و مأخذ

قرآن

۱. الویری، محسن. مهدی نژاد، سیدرضا. ۱۳۹۷. «رابطه اسلام و تمدن در اندیشه امام خمینی (ره)». نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی. شماره ۲.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵. *زن در آئینه جمال و جلال الهی*. قم: انتشارات اسراء.
۳. خبرگزاری تسنیم. «جایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب». ۱۳۹۹.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۹۴۳۲۸۶>

۴. خمینی، روح الله، ۱۳۸۸. *تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی امام خامنه‌ای. ۱۳۹۹.

<https://farsi.khamenei.ir>

۶. سلطانی، مصطفی. فرمانیان، مهدی. روحی، نبی اله. ۱۳۹۸. «بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ناجا، شماره ۱۴.
۷. شوکتی، زهره. «زنان و فعالیت اقتصادی» ۱۳۹۹. پایگاه تحلیلی سدید.

<https://farhangesadid.ir/fa/news/۲۹۴۹>

۸. علاسوند، فریبا. ۱۳۹۵. *زن در اسلام*. چاپ هشتم: ۱۳۹۹. قم: نشر هاجر.
۹. کبری، مرتضی. رضایی، فریدون. ۱۳۹۴. «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». دو فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
۱۰. کربلایی نظر، محسن. ۱۳۹۰. *زن و بازیابی هویت حقیقی: گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب*. ۱۳۹۰. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۱. مرکز مطالعات و تحقیقات زنان. «زن در توسعه و سیاست». ۱۳۹۹.

<https://jwdp.ut.ac.ir/news?newsCode=۱۲۴۰>

۱۲. میر اشرفی، زهرا. ۱۳۹۱. «نقش زنان و خانواده در اقتصاد مقاومتی». مجموعه

مقالات ششمین همایش هفته پژوهش دانشگاه پیام نور استان اصفهان.

۱۳. یاسری، زینب. اخوان نیلچی، نفیسه. ۱۳۹۷. «تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی

زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی». دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی.

شماره ۲.





## نقدی بر مقاله کارکردهای اجتماعی حجاب

حجت لطفی قراملکی<sup>۱</sup>

### چکیده

«کارکردهای اجتماعی حجاب» عنوان مقاله‌ای است که توسط سرکار خانم فاطمه پشیتیان به نگارش درآمده و در شماره ۳ فصلنامه علمی پژوهش به چاپ رسیده است. نوشتار پیش رو با هدف تبیین ضرورت فرهنگ حجاب و عمومیت آن، با تکیه بر روایات و به روش توصیفی-تحلیلی به نقد و تحلیل مقاله مذکور پرداخته است. نتیجه به دست آمده در این مقاله این است که بر اساس روایات امر به معروف و نهی از منکر، حجاب به عنوان یک معروف باید در جامعه عمومیت و شیوع پیدا کند و با ترویج و تبلیغ، تبدیل به فرهنگ و عرف شود تا بتواند موجب امنیت، ترک مفاسد اجتماعی، آرامش و ارتقاء روحیه خود ارزشمندی شود و این جز از طریق ترویج حجاب در جامعه و نهی از بدحجابی توسط مردم و مسئولین قابل تحقق نیست.

کلیدواژه: نقد، کارکردهای حجاب، فرهنگ حجاب، حجاب مقبول، ترویج حجاب.



## مقدمه

حجاب به عنوان یک ارزش دینی از مسائل مهم فقهی و اخلاقی است که در دین مبین اسلام بسیار مورد توجه بوده و در آیات و روایات متعدد بر آن تأکید گردیده است. حفظ حجاب در جامعه با ترویج و تبلیغ این ارزش دینی امکان‌پذیر است و در صورتی که افراد جامعه توجهی به ترویج این ارزش نداشته باشند و از اموری که در جامعه بر ضد این ارزش ترویج می‌شود جلوگیری نکنند، کم‌کم این ارزش دینی مقبولیت عرفی خود را از دست می‌دهد و حتی ممکن است رعایت آن در جامعه امری ناپسند شماره شده شود. در مقاله «کارکردهای اجتماعی حجاب»، امنیت آوری، تحکیم خانواده، حفظ امید به زندگی، حفظ تعادل روانی و امور از این قبیل به عنوان کارکردهای حجاب ذکر شده است در حالی که به نظر می‌رسد این کارکردها در ذات حجاب به عنوان یک پوشش شرعی نیست، یعنی حجاب در صورتی که عمومیت یافته و در عرف یک جامعه تبدیل به فرهنگ شود می‌تواند این کارکردها را در جامعه داشته باشد؛ و در صورتی که مقبولیت عرفی در جامعه نداشته باشد، یا در جامعه یک امر ناپسندی تلقی شود، در این صورت این کارکردها را نخواهد داشت. چنانچه روایات باب «امربه معروف و نهی از منکر» بر این امر دلالت دارند که در صورت عدم ترویج معروف، جای منکر و معروف در جامعه تغییر می‌کند؛ بنابراین آنچه این کارکردها را برای حجاب می‌آورد نفس حجاب نیست بلکه فرهنگ حجاب و میزان مقبولیت اجتماعی آن است.

غفلت از فرهنگ‌سازی حجاب و جلوگیری از اموری که ضد حجاب در جامعه تبلیغ و ترویج می‌شوند، باعث کنار گذاشته شدن این ارزش دینی در جامعه شده و جای معروف و منکر را عوض می‌کند و افراد محجبه در جامعه منزوی شده و امنیت و آسایش روانی خود را از دست خواهند داد. چنانچه روایات نیز بر این مطلب اشاره دارند. در روایتی پیامبر ﷺ خطاب به اصحاب خود فرمودند: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟!» «حالتان چگونه خواهد بود آنگاه که معروف را منکر بدانید و منکر را معروف؟!» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۵۹). در روایت دیگر امام رضا (ع) می‌فرمایند: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلََنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ»؛ «تأکید می‌کنم که شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه بدترین‌های شما بر شما



گماشته می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۵۶). وقتی در جامعه حجاب به‌عنوان یک معروف با ترویج و تبلیغ عرفی نشود و جلوی امور ضد حجاب گرفته نشود، جای منکر و معروف عوض شده و حجاب منکر تلقی خواهد شد.

ضرورت حفظ ارزش‌های دینی در جامعه از دیرباز مورد توجه منابع دینی بوده است به‌گونه‌ای که حضرت باری تعالی نیز رسالت اصلی انبیا را تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی در جامعه قرار داده است؛ در دین اسلام نیز آیات و روایات متعددی درباره حفظ ارزش‌های دینی در جامعه با ترویج و تبلیغ و منع از گسترش ضد ارزش‌ها وجود دارد؛ در قرآن و روایات با عناوینی چون «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی، همه مردم و مسئولین مکلف به انجام آن شده‌اند. با توجه به جایگاه و میزان تأثیرگذاری این فریضه دینی، مرحوم کلینی در جلد پنجم از کافی به این مطلب پرداخته و در منابع روایی و تفسیری نیز تألیفات متعددی صورت پذیرفته است. از معاصرین، شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب به این موضوع پرداخته و محمد سروش در سال ۱۳۸۶ و محمدصادق روحانی در سال ۱۳۹۱، کتابی را به‌عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» اختصاص داده‌اند. همچنین حجاب نیز به‌عنوان یک ارزش دینی با تبلیغ ترویج در جامعه دارای کارکرد خواهد بود.

ترویج حجاب و عرفی کردن آن و جلوگیری از ابتذال در جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است، چنانچه در اسلام بر جلوگیری از فساد و بی‌عفتی در جامعه تأکید شده و امر به معروف و نهی از منکر عامل احیای ارزش‌ها در جامعه معرفی شده است؛ همچنین ترک این فریضه عامل گسترش منکر و حتی ناپسند انگاشتن معروف‌ها و از بین رفتن معروف در جامعه دانسته شده است؛ بنابراین فرهنگ‌سازی حجاب در جامعه دارای اهمیت بوده و حفظ عفت، امنیت و آرامش در جامعه در گرو فرهنگ‌سازی و عرفی سازی حجاب در جامعه است.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل نقد مقاله «کارکردهای اجتماعی حجاب» عدم توجه به تأثیر عرف بر کارکرد حجاب در جامعه است. این پژوهش تلاش دارد به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به نقد مقاله کارکردهای اجتماعی حجاب بپردازد و ارتباط میزان مقبولیت عرفی حجاب را با میزان کارکرد اجتماعی آن مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

## امنیت و حجاب

نویسنده در بخشی از مقاله می‌نویسد: «از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارکردهای حجاب که می‌توان به آن اشاره نمود، ایجاد امنیت اجتماعی است» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۵). اینکه ادعا شود حجاب همیشه امنیت می‌آورد، به نظر می‌رسد خالی از اشکال نیست، زیرا در واقع میزان امنیت آوری حجاب بستگی به عرف و فرهنگ یک جامعه دارد، بر این اساس میزان امنیت آور بودن حجاب بر اساس فرهنگ‌های جامعه متفاوت خواهد بود؛ بدون شک در جامعه‌ای که حجاب به‌عنوان یک پوشش، متعارف است و در عرف جامعه موردپسند واقع شده است، امنیت آوری نیز دارد، ولی در جامعه‌ای که این پوشش را متعارف نمی‌دانند و حتی آن را پوشش نامناسب یا ناپسند می‌شمارند، این پوشش دیگر امنیت آور نخواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت امنیت جز ذاتی و جدایی‌ناپذیر حجاب نبوده بلکه جزئی عارضی است چنانچه استاد شهید مطهری نیز بر این مطلب اشاره دارند که امنیت علت انحصاری دستور بر پوشش اسلامی نیست (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۴۵) و حجاب به شرط متعارف بودن در یک جامعه امنیت آور خواهد بود؛ به عبارت دیگر آنچه امنیت آور است صرف حجاب نیست بلکه فرهنگ حجاب است، زیرا حجاب در جامعه باید به‌عنوان یک معروف و یک ارزش ترویج و شناخته شود تا بتواند تأیید و ضمانت جامعه را با خود داشته باشد و اگر حجاب عمومیت پیدا نکرده و تبدیل به فرهنگ نشود و آن را به‌عنوان یک منکر و ضد ارزش تلقی کنند، بی‌تردید جامعه به مقابله با آن می‌پردازد و فضای جامعه برای یک منکر بی‌تردید ناامن خواهد بود (فولادی، ۱۳۹۱: ص ۸۲). در صورتی که یک جامعه برای گسترش فرهنگ حجاب و متعارف کردن آن سعی و تلاش کند تا شناخت یک جامعه به مزیت‌های پوشش حجاب بیشتر شود، در این صورت به نسبت میزان متعارف شدن این پوشش، امنیت آوری آن نیز بیشتر خواهد شد.

استاد شهید مطهری نیز بر این مطلب اشاره دارند که علت دستور به پوشش در اسلام حفظ امنیت جنسی زن در جامعه ناامن نیست تا گفته شود با برقراری امنیت جنسی با رضایت طرفینی در جامعه، دیگر نیازی به پوشش اسلامی نیست. در آثار اسلامی نیز چنین علتی برای پوشش حجاب معرفی نشده است (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۴۵).



بنابراین حجاب به تنهایی نمی‌تواند امنیت آور باشد، بلکه معیار تعیین‌کننده در امنیت آور بودن یک پوشش، به میزان عرف پذیری و حاکمیت پذیری یک جامعه بستگی دارد؛ در جامعه‌ای که حجاب متعارف نیست و حتی از سوی حکومت از آن منع می‌شود، در چنین جامعه‌ای کسی که حجاب دارد امنیتی نخواهد داشت مانند حجاب در برخی از کشورهای اروپایی.

اگر فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه از سوی مردم و مسئولین گسترش پیدا نکند و این معروف تبلیغ و ترویج نشود، این ارزش در جامعه کم‌رنگ شده و ضد آن تبدیل به ارزش خواهد شد، چنانچه در روایات نیز به این امر اشاره شده است؛ در باب «امر به معروف و نهی از منکر» کتاب کافی روایتی است که بر این مطلب اشاره دارد: مسعده بن صدقه گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چه حالی خواهید داشت، وقتی که زنان تان فاسد شوند و جوان‌هایتان فاسق و بدکار شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟! عرض کردند: ای رسول خدا! آیا واقعاً چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ فرمود: آری و بدتر آن نیز خواهد شد. چه حالی خواهید داشت هنگامی که دستور به کار منکر و زشت بدهید و از کار معروف و نیک بازدارید؟ به آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا! آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ فرمود: آری، بدتر از این هم خواهد شد. چه حالی دارید آنگاه که معروف و نیک به نظر شما بد و منکر شود و منکر به نظر شما نیک باشد؟! (کافی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۵۹).

چنانچه در روایت نیز اشاره شده است، عدم ترویج معروف باعث تضعیف و حتی تقبیح معروف در جامعه می‌شود. با توجه به این روایت می‌توان گفت نفس رعایت حجاب فردی در جامعه لازم است ولی کافی نیست و در کنار آن باید این ارزش تبلیغ و ترویج شود و از هر امری که موجب تضعیف این ارزش در جامعه است جلوگیری شود تا حجاب و عفاف تبدیل به یک فرهنگ شده و آثاری چون امنیت و کم شدن میزان فساد در جامعه را به وجود آورد؛ بنابراین فرهنگ عفاف و حجاب باید عرفی شود، در غیر این صورت ممکن است شخص محجبه در جامعه‌ای که این ارزش را ضد ارزش می‌شمارند امنیت نداشته باشد.

برای ترویج فرهنگ حجاب مردم و مسئولین وظیفه دارند که این فرهنگ را در

جامعه گسترش دهند، در اسلام امر به معروف و نهی از منکر برای گسترش احکام دینی و پرهیز از منکرات در جامعه بر تمام افراد واجب شده است (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۳۰۷).

## تلازم بین حجاب و ترک مفاسد اجتماعی

در قسمتی از مقاله آمده است: «حجاب همچون سدی محکم از آلوده شدن جامعه جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد که جامعه در منجلا ب فسادهای اجتماعی فرو رود» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۵).

به صورت منطقی بین نفس حجاب به عنوان یک پوشش و ترک مفاسد اجتماعی تلازمی نیست و ممکن است در جامعه‌ای حجاب باشد و فساد اجتماعی هم باشد، حجاب با عدم فساد رابطه تساوی ندارد، بلکه رابطه حجاب با عدم فساد عموم خصوص من وجه است، یعنی برخی از حجاب‌ها مانع فساد می‌شوند و این نوع حجاب، حجابی است که در یک بستر مناسب و همسوی اجتماعی و سیاسی انجام شود که نتیجه‌اش جلوگیری از فساد خواهد بود. در جامعه‌ای که حجاب فرهنگ‌سازی نشده است، ممکن است آن را یک پوشش نامتعارف و ناپسند قلمداد کنند؛ بنابراین آنچه موجب جلوگیری از مفاسد اجتماعی می‌شود صرف پوشش حجاب نیست، بلکه در کنار آن باید عفت و حیا در جامعه با روش‌های مردمی و دولتی تبدیل به فرهنگ شود تا بتواند جامعه را از مفاسد حفظ نماید.

برای هر پوششی باید بستر و فرهنگ اجتماعی آن نیز فراهم شود تا این پوشش بتواند اهداف خود را در جامعه پیاده نماید، در غیر این صورت نامتعارف بودن یک پوشش بازخورد نامطلوبی را از سوی جامعه در پی خواهد داشت، یعنی ممکن است در اجتماعی بی حجابی متعارف باشد و جلب توجه نکند و حجاب نامتعارف باشد و آن را نامناسب و جلب توجه کننده محسوب کنند و علت این امر نیز عدم ترویج معروف در جامعه است که موجب متروک شدن ارزش‌ها در جامعه می‌شود، چنانکه مضمون روایت مسعده بن صدقه بر این مطلب اشاره دارد که عدم ترویج معروف در جامعه باعث می‌شود جای معروف و منکر عوض شود، یعنی معروف را بد بدانند و منکر را نیک بدانند (کلینی، ۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۵۹).



برای جلوگیری از فساد در جامعه مردم و مسئولین باید به ترویج فرهنگ و فلسفه حجاب پردازند؛ اگر در جامعه فرهنگ عفاف و حجاب ترویج نشود ممکن است فرهنگ ضد آن رواج پیدا کند و جامعه به فساد کشیده شود، چنانچه در تاریخ نمونه‌هایی از این سهل‌انگاری به چشم می‌خورد که موجب از بین رفتن یک نظام فرهنگی شده است، آشکارترین نمونه آن در اندلس واقع شد که بدان اشاره می‌کنیم:

کشور اسپانیا در جنوب غرب اروپا قرار دارد و از کشورهای حاصل خیز و خوش آب‌وهوای اروپا است. این کشور در سال ۷۱۱ میلادی به دست مسلمانان فتح شد. سپاه اسلام به فرماندهی طارق بن زیاد از سوی آفریقا حرکت کردند وارد اندلس شدند و با روحیه سلحشوری و شهادتی که داشتند مقاومت مسیحیان را درهم شکستند. این فتح و پیروزی اندلس را در اختیار مسلمانان قرار داد و آن سرزمین یکی از پایگاه‌های تمدن اسلامی گردید. در طول این مدت مسیحیان بارها و بارها به نبرد با مسلمانان پرداختند و با تمام تجهیزات به میدان جنگ آمدند ولی هر بار با تحمل ضربه‌های سخت‌تر از گذشته مجبور به عقب‌نشینی شدند و سرانجام با شیوع فساد و انجام منکرات در میان مسلمانان و به‌ویژه در میان جوانان به هدف خود دست یافتند و آنچه را در طی صدها سال با جنگ و دادن تلفات فراوان به دست نیاوردند در یک زمان کوتاه با تزریق آلودگی‌های اخلاقی بر پیکر جامعه اسلامی اندلس مالک شدند. آنان مشروبات الکلی را به میزان زیاد و رایگان در اختیار جوانان مسلمان گذاشتند. دختران فاسد اروپایی را وارد شهرهای مسلمان‌نشین کردند و در تفریحگاه‌های عمومی در کنار جوانان مسلمان قرار دادند و سرانجام پس از رواج عیاشی و بی‌بندوباری با یک حمله گسترده به حکومت مسلمانان در اسپانیا پایان دادند و سپس به قتل و غارت مسلمانان و تجاوز به ناموس آن‌ها پرداختند و مراکز علم و فرهنگ را به آتش کشیدند (سروش، ۱۳۸۶: ص ۱۵۲؛ گوستاو لوبون، بی‌تا: ص ۳۳۵).

همچنین در روایاتی ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه موجب سلطه ناپاکان شماره شده است:

«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ أَشْرَاؤُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۴۲۲). علی (ع) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، زیرا در این صورت افراد نادرست

بر شما مسلط می‌گردند آنگاه دعا می‌کنید و دعایتان مستجاب نمی‌شود. این روایت بدین معنا اشاره دارد که زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی نکردن برای کارهای خوب در جامعه باعث می‌شود که افراد ناپاک در جامعه الگو شوند و سلطه داشته باشند و افراد پاک به حاشیه کشیده شده و منزوی شوند و فساد در جامعه گسترش یابد.

## ثمرات حجاب

نویسنده در قسمتی از مقاله می‌آورد: «رعایت حجاب میزان امید به زندگی، کار، تلاش، تحصیل و کسب فضایل را در جوانان افزایش می‌دهد و باعث ترقی و پیشرفت جوانان در عرصه‌های مختلف می‌شود» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۶).

به نظر می‌رسد تأثیر رعایت حجاب بر روحیه امید، تلاش، پیشرفت و... بدون بیان کیفیت و چگونگی ارتباط بین حجاب و این امور بیان‌شده است، به عبارت دیگر نویسنده تلازم حجاب با امید، پیشرفت و موارد از این قبیل را باید با دلیل اثبات می‌نمودند؛ و باید توجه داشت که در پژوهش علمی، یک نظریه با صرف ادعا ثابت نمی‌شود و باید نویسنده برای مدعای خود دلیل اقامه نماید.

## کارکردهای اجتماعی حجاب

نویسنده در جایی می‌نویسد: «کارکرد حجاب فقط مربوط به جنبه‌ی فردی نیست بلکه از کارکردهای اجتماعی زیادی برخوردار است، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید و از انحلال کانون مستحکم خانواده جلوگیری می‌کند» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۶).

باید گفت این موضوع کلیت ندارد و حجاب به عنوان یک پوشش همیشه موجب تحکیم خانواده نمی‌شود و در مواردی ممکن است نقیض آن نیز ثابت شده و موجب تزلزل نظام خانواده نیز شود، به عنوان مثال در خانواده‌ای که شوهر اعتقادی به حجاب و رعایت آن ندارد، رعایت حجاب از سوی همسر موجب اختلال نظام خانواده نیز می‌شود، چنانکه متأسفانه در جامعه امروز نمونه‌های عینی از این موارد وجود دارد؛ بنابراین استحکام بخشی حجاب بر خانواده، مشروط به شروط و قیودی است که از باب نمونه می‌توان یکی از این قیود را اعتقاد و باور داشتن خانواده و جامعه بر لزوم رعایت حجاب دانست.

## حجاب و قرب الهی

نویسنده در قسمتی اشاره می‌کند: «زنان با رعایت حجاب اسلامی خود را به خداوند نزدیک می‌کنند» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۶).

حجاب به عنوان یک پوشش، ابزاری است که افراد می‌توانند اغراض مختلفی از آن داشته باشند، کسی که هدفش از حجاب اطاعت امر الهی است بی‌تردید این حجاب موجب تقرب او به خدا می‌شود، ولی کسی که از حجاب اهداف و اغراضی غیر از این دارد مثل تظاهر به زهد، یا جلب توجه یا مواردی از این قبیل، این نوع حجاب موجب قرب الهی نخواهد شد؛ بنابراین ضرورتاً بین حجاب و قرب الهی تلازم دائمی نیست و حجابی موجب قرب الهی است که غرض شخص از آن اطاعت امر الهی و تقرب به خداوند متعال باشد.

اگر حجاب را یک واجب توصلی بدانیم در این صورت هر چند با عمل به آن این واجب امتثال و اطاعت محقق می‌شود (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۰۸)، ولی اگر شخص از رعایت حجاب اغراض دیگری داشته باشد و برای امتثال امر الهی این عمل را انجام ندهد، بلکه غرضی داشته باشد که از نظر شارع ممنوع است، در این صورت هر چند پوشش حجاب در واقع محقق شده است و در ظاهر اطاعت دستور الهی صورت گرفته است، ولی چنین عملی موجب قرب نمی‌شود، چون در اینجا شخص قصدی داشته که از نظر شارع چنین قصدی ممنوع است و قصدی که مبعوض شارع است مانع از قرب می‌شود، در واقع مبعوض مبعد است نه مقرب، به عنوان مثال می‌توان به شخصی اشاره کرد که قصدش از رعایت حجاب شبیه کردن خود به مؤمنین و نفوذ و جاسوسی در بین آنان است، یا می‌توان به شخصی اشاره کرد که حجاب را به قصد جلب توجه و ریا رعایت می‌کند، باید توجه داشت که چنین حجابی نمی‌تواند موجب قرب الهی شود؛ بنابراین حجاب ضرورتاً و همیشه موجب قرب الهی نمی‌شود، بلکه زمانی موجب قرب است که شخص قصدش اطاعت باشد و در صورتی که قصدش تعدی از امر الهی باشد قبح فاعلی دارد و حتی برخی گفته‌اند که قبح فعلی نیز دارد، یعنی قبح فاعل در فعل هم اثر می‌کند و در این صورت شخص به خاطر قصدش نیز مورد عقاب واقع می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۳۲: ج ۱، ص ۴۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۱۲).





اگر کسی در ظاهر حجاب داشته باشد ولی در اعتقاد آن را به جهت اطاعت از امر الهی انجام ندهد، در این صورت این عمل موجب تقرب نمی‌شود. عملی موجب تقرب است که عمل‌کننده بر الهی بودن آن باور و اعتقاد داشته باشد، استاد مطهری درباره عمل بدون ایمان می‌فرماید:

حسن فعلی برای پاداش اخروی عمل کافی نیست، حسن فاعلی هم لازم است، حسن فعلی به منزله تن و حسن فاعلی به منزله روح و حیات است و بیان کردیم که ایمان به خدا و روز رستاخیز، شرط اساسی و لازم حسن فاعلی است و این شرطیت یک شرطیت قراردادی نیست، یک شرطیت ذاتی و تکوینی است مانند شرطیت راه معین برای مقصد معین (مطهری، ۱۳۹۱: ص ۲۸۳).

در قرآن نیز عمل صالح همیشه در کنار ایمان ذکر شده است و این بدان معنا است که این دو با هم شرط قبولی عمل و رضایت الهی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ» (بینه، ۷). در روایات نیز شرط قبولی عمل قصد و نیت دانسته شده است: «عَلَيْهِ بَنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص قَالَ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۸۴).

بنابراین صرف پوشیدن حجاب موجب تقرب شخص به خدا نمی‌شود بلکه ایمان و اعتقاد بر الهی بودن این عمل نیز لازم است.

## حجاب و خود ارزشمندی

نویسنده درجایی می‌نویسد: «حجاب ارتباط مستقیم با حس خود ارزشمندی انسان دارد و به هر میزان که زن خود را ارزشمند ببیند، رشد شخصیتی او معلوم می‌شود» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۷).

حجاب ممکن است که با حس خود ارزشمندی ارتباط داشته باشد، ولی این حس باید در حد امکان مستند به واقع باشد، یعنی این حس نباید باعث شود که شخص خود را از دیگران برتر و دیگران را حقیرتر از خود ببیند، اگر این حس باعث خودبرتربینی و تحقیر دیگران شود یک رذیله خواهد بود. به دیگر سخن نباید حجاب باعث شود فرد ارزش خود را فراتر از افراد دیگر بداند و به دیگران با دید تحقیرآمیز نگاه کند. در خود ارزشمندی نگاه فرد باید به درون خود باشد و استعدادهای درونی خود را ارزشمند



بداند، نه اینکه نگاه فرد به بیرون باشد و با مقایسه مزیت‌هایی مثل حجاب خود را از افراد پیرامون بهتر و فراتر بداند، چون در این صورت این نگاه باعث انزوای فرد با حجاب از افراد پیرامون خود شده و مانع از برقراری ارتباط می‌شود. متأسفانه ما امروز شاهد این نوع آسیب در جامعه هستیم که برخی از اقشار مذهبی با دید تحقیرآمیز به اشخاص کم حجاب پیرامون خود نگاه می‌کنند و این نوع نگاه باعث بدبینی افراد به اشخاص محجبه می‌شود. در روایات نیز از خود بهتر بینی حتی در صورتی که در واقع نیز چنین چیزی وجود داشته باشد نهی شده است:

امام صادق (ع): «مَنْ ذَهَبَ يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَى الْآخِرِ فَضْلًا فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ، (قَالَ حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ): فَقُلْتُ لَهُ إِنَّمَا يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَيْهِ فَضْلًا بِالْعَافِيَةِ إِذَا رَأَاهُ مُرْتَكِبًا لِلْمَعَاصِي، فَقَالَ: هِيَاهُتْ هِيَاهُتْ! فَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ قَدْ غَفِرَ لَهُ مَا أَتَى وَ أَنْتَ مَوْقُوفٌ مُحَاسَبٌ أَمَا تَلَوْتَ قِصَّةَ سَحْرَةِ مُوسَى (ع)؟»؛ هر کس خودش را بهتر از دیگران بداند، او از متکبران است. حفص بن غیاث می‌گوید: عرض کردم: اگر گنه‌کاری را ببیند و به سبب بی‌گناهی و پاک‌دامنی خود، خویشتن را از او بهتر بداند چه؟ فرمودند: هرگز هرگز! چه بسا که او آمرزیده شود اما تو را برای حسابرسی نگه‌دارند، مگر داستان جادوگران و موسی (ع) را نخوانده‌ای؟ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۱۲۸).

در این روایت از خود بهتر بینی حتی در جایی که علم به بهتر بودن خود از دیگران نیز وجود دارد نهی شده است. بر این اساس حتی در صورت علم به برتری نباید به بهانه خود ارزشمندی نگاه تحقیرآمیز به دیگران شود. نتیجه خود ارزشمندی باید این باشد که شخص با شناخت ارزش‌های وجودی خود و با مشاهده چنین ارزش‌هایی در وجود دیگران، دلسوزانه آن‌ها را نیز بر حفظ آن تشویق کند، چنانچه خداوند پیامبر (ص) را در قرآن چنین توصیف می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸)؛ یعنی ای مردم! پیغمبری از جنس خود شما مردم آمده که از اوصافش یکی این است که از خسارت دیدن شما و از نابود شدن‌تان ناراحت می‌شود و دیگر اینکه او در خیرخواهی و نجات شما چه مؤمن و چه غیر مؤمن حریص است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۹، ص ۴۱۱).

## بی‌حجابی منشأ جرم و طلاق

نویسنده درجایی می‌نویسند: «منشأ خیلی از طلاق‌ها به بی‌حجابی برمی‌گردد؛ خیلی واضح است که ارتکاب جرم ناشی از طلاق نیز با بی‌حجابی کاملاً در ارتباط است» (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۸).

اینکه ادعا شده دلیل خیلی از جرم‌ها و طلاق‌ها بی‌حجابی است شاید صحیح نباشد، نمی‌توان بی‌حجابی را علت تامه جرم‌ها و طلاق‌ها دانست، پوشش نامناسب در برخی مصادیق خود ممکن است باعث طلاق و جرم شود ولی غالباً و دائماً چنین نیست، چنانکه با نمونه‌های نقضی می‌توان گفت تعدادی از جرم‌ها و طلاق‌ها به زنان با پوشش حجاب نیز مربوط می‌شود. بهتر بود نویسنده به‌جای بی‌حجابی که دلالت بر یک نوع پوشش اجتماعی است، کلمه بی‌عفتی را می‌آوردند، زیرا دایره مفهومی بی‌عفتی وسیع‌تر از بی‌حجابی بوده و می‌تواند اکثر جرم‌ها و طلاق‌ها و فسادها را شامل شود؛ بی‌عفتی به معنای عدم کنترل نفس در برابر تمایلات انحرافی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۵۷۳)، یک مفهوم کلی و مشترک معنوی است، یعنی عدم کنترل نفس یک مفهوم کلی است که در مصادیق مختلف خود بروز و ظهور پیدا می‌کند. مثلاً بی‌عفتی کلامی عدم کنترل نفس در برابر انحرافات کلامی است یا بی‌عفتی جنسی عدم کنترل نفس در برابر انحرافات جنسی است؛ بر این اساس بی‌عفتی یک مفهوم مشترک معنوی است که شامل تمامی افراد و مصادیق خود اعم از فسادها و جرم‌ها می‌شود، درحالی‌که دایره مفهومی بی‌حجابی چنین گسترده نیست و شامل تمام جرم‌ها و فسادها نمی‌شود، بلکه گاه بی‌حجابی خود یکی از افراد بی‌عفتی محسوب می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که عفت بر اساس معنای لغوی خود یک صفت نفسانی است؛ بدین معنا که مفهوم کلی «صفت نفسانی» ممکن است در فرد بی‌حجاب نیز یافت شود، یعنی ممکن است شخصی حجاب شرعی نداشته باشد، ولی در مواجهه با انحرافات و تمایلات نفسانی عفیف باشد و خود را کنترل کند و دچار لغزش نشود و عکس این مورد نیز صادق است، یعنی امکان دارد فردی حجاب شرعی داشته باشد ولی عفیف نباشد و در موقعیت، انحرافات نفسانی خود را کنترل نکند و مرتکب گناه و جرم شود؛ بنابراین بی‌حجابی تلازمی با جرم و فساد ندارد و نمی‌تواند علت خیلی از فسادها و جرم‌ها و بی‌عفتی‌ها باشد.

## حجاب ریشه کن کننده مدگرایی

نویسنده درجایی سه عامل عمل به حجاب و شناخت مرد قبل ازدواج از شخصیت زن و روش رفتار زن و شوهر با یکدیگر را عامل ریشه کن شدن مدگرایی و خودنمایی در جامعه دانسته‌اند (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۴۹).

به نظر می‌رسد تنها با رعایت این سه عامل نمی‌توانند ریشه مدگرایی و خودنمایی را در جامعه رفع کرد، زیرا مدگرایی و خودنمایی علت‌های اساسی متعددی چون خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تبلیغی و رسانه‌ای دارد که همه این‌ها دست در دست هم می‌دهند تا مدگرایی و خودنمایی در جامعه به وجود آید.

## حجاب و آرامش

نویسنده درجایی ادعا می‌کند که حجاب باعث آرامش روحی و روانی می‌شود و اکثر زنان باحجاب از سلامت روحی و روانی برخوردارند و در خود کمبود احساس نمی‌کنند و زنان بی حجاب آرامش روحی و روانی ندارند و دچار کمبودند و به همین دلیل به دنبال جلب نظر در جامعه هستند (پشتیان، ۱۳۹۹: ص ۵۱).

اگر جامعه دارای انحرافات همچون بی حجابی و رقابت برای جلب توجه و نظر دیگران باشد، بی شک اشخاص باحجاب را نیز از لحاظ روحی و روانی تحت تأثیر قرار خواهد داد، چون فرد باحجاب نیز در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کند و بدون تردید زندگی کردن و ارتباط برقرار کردن در چنین جامعه‌ای تأثیرات فکری و روانی خود را بر افراد باحجاب خواهد گذاشت. در جامعه‌ای که جلوه‌گری و جلب نظر به صورت ناخودآگاه یک امر پسندیده تلقی می‌شود، طبیعتاً مخالفت با آن نیز یک امر ناپسند شمرده می‌شود و اشخاص باحجاب برای فعالیت در چنین جامعه‌ای تحت فشار روحی و روانی از سوی جامعه خواهند بود؛ بنابراین ادعای نویسنده مبنی بر اینکه حجاب موجب سلامت روحی و روانی است در چنین جامعه تحقق نمی‌یابد و سلامت روحی و روانی در صورتی حاصل می‌شود که حجاب در جامعه نهادینه شده و امر مطلوب تلقی شود و ارتباط با دیگران به صورت صحیح صورت پذیرد.

همچنین لزوماً بی حجاب با عدم تعادل روانی و جلب توجه تلازم منطقی ندارد و ممکن است زن بدحجاب بدون قصد جلب توجه در جامعه حضور داشته باشد



و تعادل روانی هم داشته باشد، چنانچه ممکن است زنی باحجاب در جامعه حضور داشته باشد ولی تعادل روانی نداشته باشد و در پی اغراضی چون جلب توجه اشخاص باشد. آنچه تأثیر مستقیم بر تعادل روانی اشخاص دارد اولاً غرض و هدف شخص از بی حجابی یا باحجابی است و ثانیاً عرفی است که زن باحجاب یا بدحجاب در آن عرف حضور می‌یابد، یعنی در جامعه‌ای که بدحجابی متعارف شده است، ممکن است حضور یک فرد باحجاب موجب جلب توجه در چنین جامعه‌ای شود. چنین واقعیتی در مورد زن باحجاب نیز صادق است و این تأثیر عرف بر نوع پوشش و نوع ارتباط او با جامعه را نشان می‌دهد؛ بنابراین عرف جامعه و نوع نگرش عرف به پوشش یک زن در تعامل روحی و روانی فرد تأثیرگذار است؛ همچنین اغراض افراد در انتخاب یک پوشش متفاوت است و حجاب در صورتی آرامش روانی می‌آورد که شخص هدفش از حجاب پوشاندن خود باشد نه توجه به مسائلی دیگر؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن این دو مقوله نمی‌توان در مورد صرف یک پوشش و تأثیر روانی آن قضاوت نمود.

## نتیجه‌گیری

حجاب به عنوان یک پوشش دینی برای اینکه در جامعه کارکردهای خود را نشان دهد باید به عنوان یک ارزش پسندیده شناخته شود و با تبلیغ و ترویج در جامعه عرفی شده و تبدیل به یک فرهنگ شود تا بتواند کارکردهای اجتماعی خود را ایفا نماید؛ در غیر این صورت اگر حجاب متعارف نباشد و فرهنگ ضد حجاب در جامعه عمومیت پیدا کند و حجاب را پوششی ناپسند بدانند، در چنین جامعه‌ای حجاب کارکردهایی مثل امنیت، آرامش و ارزشمندی را برای افراد خود در پی نخواهد داشت.

## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم. ۱۳۸۹. *کفایه الاصول*. چاپ اول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲. پشیتان، فاطمه. ۱۳۹۹. «کارکردهای اجتماعی حجاب». فصلنامه علمی پژوهی.

شماره ۳. قم: مدیریت حوزه علمیه خواهران.

۳. حسینی، سید مجتبی. ۱۳۸۶. *رساله دانشجویی (دفتر شانزدهم از پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)*. چاپ نهم. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ق. *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار الاشامیه.

۵. روحانی، محمدصادق. ۱۳۹۱. *امر به معروف و نهی از منکر*. مترجم: اسماء خواجه‌زاده. چاپ اول. قم: مهر امیرالمؤمنین (ع).

۶. سروش، محمد. ۱۳۸۶. *امر به معروف و نهی از منکر*. چاپ اول. قم: زمزم هدایت.

۷. شیخ انصاری، مرتضی. ۱۳۸۰. *فرائد الاصول*. چاپ سیزدهم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۸. طباطبائی، محمدحسین. ۱۴۱۷. *المیزان*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۹. فولادی، حفیظ الله. ۱۳۹۱. «مروری بر عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌ها در جامعه دینی». دو فصلنامه علمی- تخصصی اسلام و علوم اجتماعی. شماره ۷. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

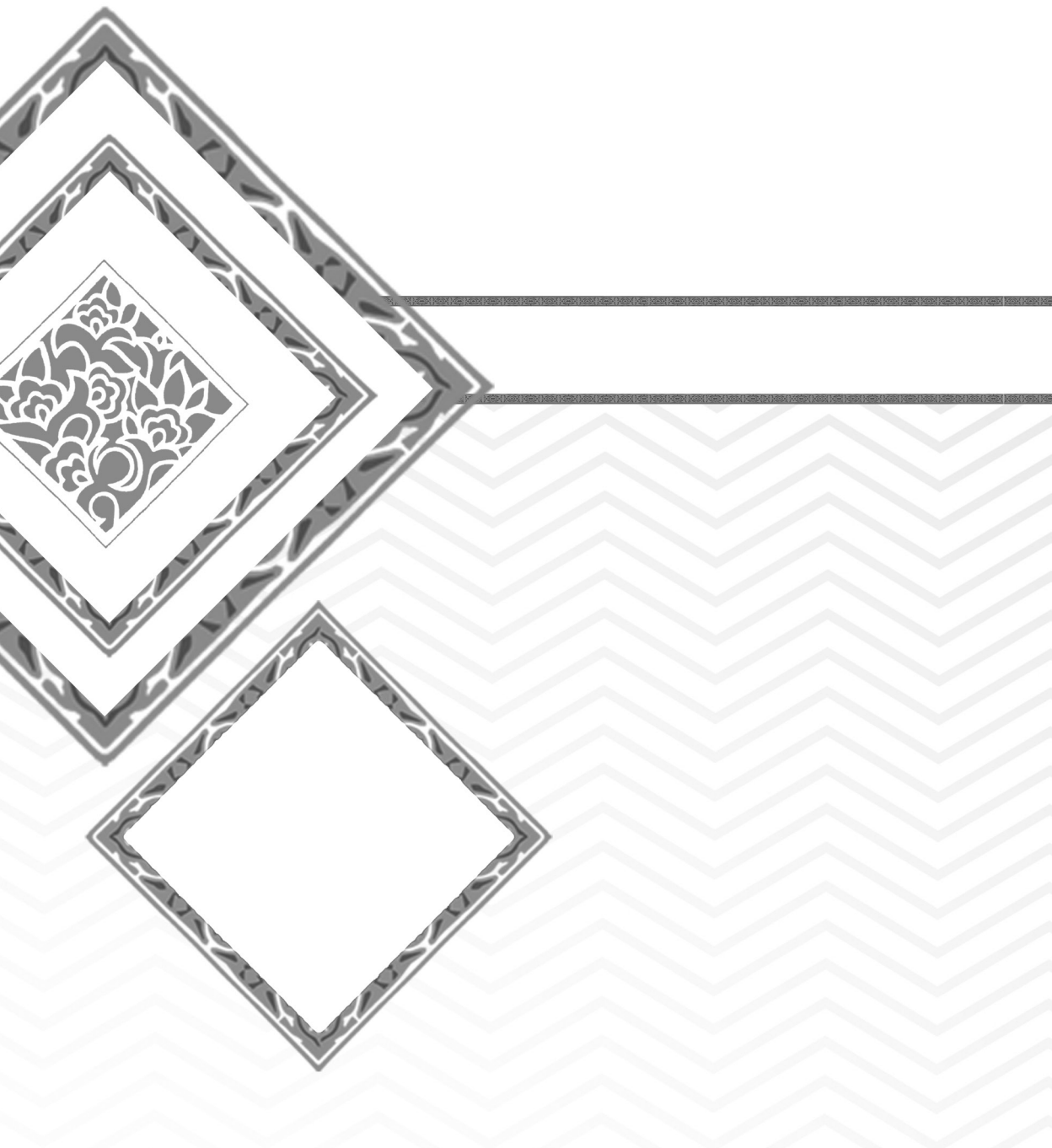
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷. *کافی*. چاپ چهارم. محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۱۱. گوستاو لوبون، چارلز ماری. بی‌تا. *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی. چاپ اول. تهران: مطبعه مجلس.

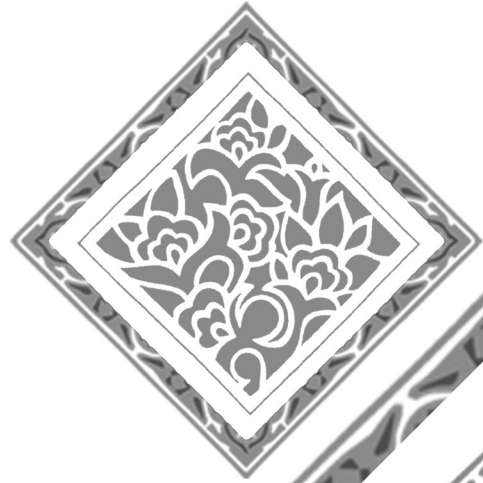
۱۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴. *مسئله حجاب*. چاپ شصت و چهارم. تهران: انتشارات صدرا.

۱۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۱. *عدل الهی*. چاپ سی و هشتم. تهران: انتشارات صدرا.

۱۴. ملکی اصفهانی، مجتبی. ۱۳۷۹. *فرهنگ اصطلاحات اصول*. چاپ اول. قم: انتشارات عالمه.



# یادداشت







## سیره مبارزات سیاسی حضرت زهرا (ع) در دفاع از مقام ولایت

فائزه سادات عظیم زاده اردبیلی<sup>۱</sup>

فاطمه رضوی راد<sup>۲</sup>

سیره سیاسی عبارت است از «فعالیت‌های سیاسی افراد و پیامدهای آن برای نهادهای سیاسی» (آقابخشی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۴). در لسان العرب، «سیاست» به معنای قیام هر چیزی است به آنچه صلاح و مصلحت است. «السیاسة: القيام على شيء بما يصلح» (المصری، ۱۹۹۰م، ج ۶، ص ۱۰۸). نزد دانشمندان اسلامی نیز سیاست عبارت است از روش اداره جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن تحقق یابد. به دیگر سخن، سیاست به معنی آیین کشورداری است. در این یادداشت، سیره سیاسی حضرت به آن دسته از فعالیت‌ها و مبارزاتی اطلاق می‌شود که در قالب ایراد خطبه، اعتراض به غصب فدک و خلافت، سکوت در برابر خلیفه به خاطر دفاع از مقام ولایت امیرالمؤمنین (ع) در هشت گام صورت گرفته است. این رفتارها، عمدتاً پس از رحلت حضرت رسول (ص) و به دنبال ماجرای سقیفه بنی ساعده ظهور کردند.

حضرت زهرا (ع) محبوب‌ترین زنان هستند (بخاری، ۱۴۰۹ق: ص ۲۰۹). ایشان مخاطب فرشتگان (اسکافی، بی‌تا: ص ۲۳۶) اوج عرفان (محاملی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۷۲)، معیار ایمان (دمشقی، ۱۴۱۲ق: ج ۸، ص ۴۰) و دارای مقام شفاعت هستند (ابن ضحاک، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۳۶۰). آیات مودت، مباهله، تطهیر، ذوی القربی، آیه اطعام (شامل ۱۷ آیه سوره انسان)، حدیث کساء و ثقلین در اشاره به مقام ایشان است. امام صادق (ع)

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران

۲. کارشناسی ارشد مطالعات زنان (گرایش حقوق زن در اسلام)

تأویل لیلہ را در (انا انزلناه فی لیلہ القدر) فاطمہ علیہا السلام می‌دانند (مجلسی، ۱۳۰۷ق: ج ۲۵، ص ۹۷). این بانوی بزرگوار مادری مهربان و همسری نمونه بودند، اما آنچه در کنار تمامی ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان، این بانو را به یک الگوی تمام عیار برای زن امروز، تبدیل می‌کند مبارزات و حضور سیاسی ایشان در مقام دفاع از امیرالمؤمنین، نه در مقام همسر که در مقام ولی زمان خویش است. حضور حضرت زهرا علیہا السلام در عرصه‌های سیاسی، از حضور ایشان در حجه‌الوداع، جنگ احد، جنگ بدر و جنگ خندق آغاز می‌شود، ولی جریان سقیفه، مبارزات سیاسی - اجتماعی ایشان را در جهت دفاع از یکی از مهم‌ترین مسلمات قرآنی متجلی کرد. وجوب اطاعت از «اولی الامر» از مسلمات قرآنی است: «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء، ۵۹)، لذا ائمه هدی به منظور حفاظت از امامت به عنوان تداوم دین خاتم و تبیین آن به عنوان امری الهی و نه انتخابی و به منظور اجرای احکام الهی و انجام اوامر نبوی، مبارزاتی مستمر و ممتد داشته‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۱). هسته اصلی مبارزه سیاسی معصومین علیهم السلام از آغاز ماجرای سقیفه شکل گرفت و شخصیت بی‌نظیر عالم امکان بعد از خاتم‌الانبیاء و سیدالارواح یعنی صدیقه طاهره به عنوان سلسله جنیان مدافعان این حرکت مبارزاتی در کنار صاحب ولایت وارد مبارزه شد (طباطبائی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۱). این بانوی بزرگوار مبارزات سیاسی خود را در جهت دفاع از مقام ولایت در «نه گام» اساسی طراحی کردند. اولین گام دفاع از ولایت، در منزل این بانوی بزرگوار شکل گرفت، بعد از جریان سقیفه، حامیان خلافت، با تبلیغ و پول، فضای جامعه را به نفع ابوبکر تغییر دادند و او را ولی امر مسلمین معرفی کردند و بیعت با او را واجب معرفی کردند، در این میان طبعی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام که دو مرتبه بیعت ابوبکر را رد کرده بود مشمول قهر او شود. حضرت زهرا علیہا السلام در این کارزار، وقاحت حکام عصر را در تعرض به جان دختر پیامبری که تنها چند روز از وفات او گذشته است نشان داد و توطئه قتل امیرالمؤمنین را در اولین منزل خشتی کرد (تقوی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۳). گام دوم در مسجد و زمانی بود که ابوبکر می‌خواست به زور شمشیر برهنه، امیرالمؤمنین را وادار به بیعت کند، در این جریان ابوبکر از ترس نفرین حضرت زهرا علیہا السلام دست از خون امیرالمؤمنین کشید و توطئه قتل و تسلیم حضرت دوباره خشتی شد (اشتهاردی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۰). گام سوم افشاگری‌هایی است که ضمن خطبه



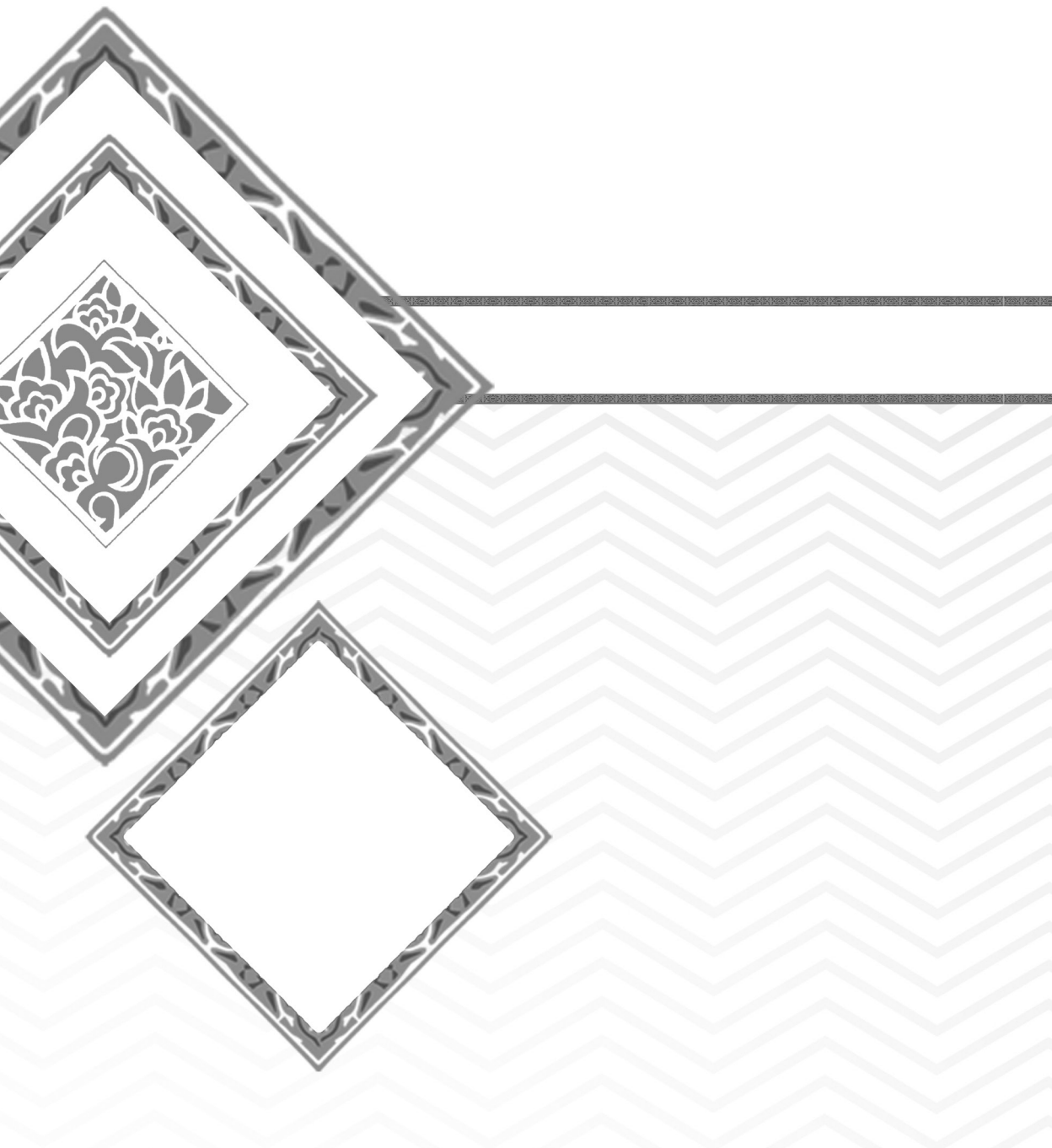
فدکیه رخ داد. فدک پشتوانه مالی محکمی برای اهل بیت بود، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به آن اشاره می کند «خلیفه اول و دوم، فاطمه را از فدک محروم نکردند مگر اینکه می خواستند علی (علیه السلام) برای مبارزه با خلافت تقویت نگیرد» (معتزلی، ۱۳۰۴ ق: ج ۱۶، ص ۲۳۶). خلفای عصر می خواستند با این کار پشتوانه مالی مبارزه برای خلافت را از علی (علیه السلام) بگیرند، اما حضرت زهرا (علیها السلام) طی خطبه فدکی که در ظاهر در اعتراض به غصب فدک است به عهد و پیمان غدیر پرداخته و مسلمانان را با عبارت «زعمتم حق له فیکم» در این مورد به شماعت می گیرد و یادآور می شود که در پیمان غدیر، آنان نسبت به دو امانت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی قرآن و عترت، با آن حضرت پیمان بسته اند و بایستی به آن وفادار بمانند، اما اکنون این پیمان را شکسته اند و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره امامت و خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نادیده گرفته اند. گام چهارم دفاع حضرت از مقام ولایت اتمام حجت با اصحاب سقیفه است: بعد از ماجرای فدک حضرت علی (علیه السلام) خانه نشین شدند، در این مرحله با توجه به آن که صحبت در یک جمع عمومی شورش تلقی می شد و شرایط جامعه، فتنه خیز بود، حضرت زهرا (علیها السلام)، با حال بیمار به همراه نوه های رسول خدا به خانه مهاجرین و انصار رفتند و جریان بیعت عقبه و بیعت هفتاد روز قبل آن ها در غدیر را یادآوری کردند. ایشان با تعبیر جایگاه امام به «کعبه»، ضرورت حرکت و تجمع مردم به سوی امام برای رستگاری و عدم وظیفه امام در این زمینه را یادآوری کردند و با ارائه مثال پیامبر که یاری مردم در مدینه منجر به تشکیل حکومت اسلامی شد ولی در مکه عدم یاری مردم باعث تشکیل حکومت اسلامی نشد، باعث ماندگاری این دیدگاه حتی در بین کتب معتبر اهل سنت شدند (تقوی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۱-۱۲۰). گام پنجم دفاع حضرت از مقام ولایت خطبه خوانی ایشان بین زنان مدینه است: زمانی که حضرت زهرا از مردان مهاجر و انصار ناامید شدند، زنان آنان را که برای عیادت آمده بودند با کلماتی بسیار تند، مخاطب قرار داد و آنان را به خاطر سکوت بر غصب به ناحق خلافت امیرالمؤمنین و سکوت بر رفتارهای همسرانشان در عدم حمایت از امیرالمؤمنین شریک جرم همسرانشان معرفی کردند. گام ششم این مبارزه سیاسی، قهر ابدی این بانوی بزرگوار با سران فتنه است: حضرت زهرا (علیها السلام)، حاضر به پذیرش عمر و ابوبکر نبودند، زمانی که با درخواست امیرالمؤمنین آن دو را پذیرفتند، فرمودند: شما با خشمگین کردن من در امر غصب به ناحق خلافت و خانه نشین کردن ولی مسلمین

قلب رسول الله را آزرديد، پس از اين پس بعد از هر نماز شما را نفرين خواهم كرد. هفتمين گام دفاع اين بانوی بزرگوار از مقام ولايت اميرالمؤمنين گريه‌های ايشان در بيت الحزان است: حضرت زهرا عليها السلام پس از غصب به ناحق خلافت، شب و روز بر اين مصيبت می‌گريستند و اين باعث شده بود که مردمی که به مسجد می‌رفتند با دیدن درب نیمه‌سوخته خانه ايشان و شنیدن صدای گريه‌های فاطمه عليها السلام به اين فکر پيافتند که اگر رسول خدا زنده بود با اهل‌بيت او چنين می‌کردند، در اين شرايط سران سقيفه برای جلوگیری از آشوب و تغيير نگاه مردم به حکام زمان، به علی عليه السلام اعتراض کردند، ايشان هم در خارج از شهر برای حضرت زهرا عليها السلام سایه بانی به نام بيت الحزان بنا کردند تا به همراه حسنين در آنجا گريه کنند (نيلي پور، ۱۳۹۳: ص ۶۳)، اين اقدام باعث شد کاروان‌هایی که وارد شهر می‌شدند با دیدن مظلوميت اين بانو و فرزندان خردسالشان داستان مظلوميت و حقانيت اميرالمؤمنين را جویا شوند و اين گونه بود که موضوع حقانيت ولايت اميرالمؤمنين قبل از ورود به فضای مسموم مدینه و از زبان حضرت زهرا پراکنده شد. در نهايت هشتمين گام حضرت زهرا در دفاع از مقام ولايت، وصيت ايشان مبنی بر دفن مخفيانه آن حضرت بود: در جامعه آن روز، از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، رسم بر اين بود که اگر از مسلمانان کسی از دينا می‌رفت، جنازه‌اش را به محضر ايشان می‌بردند و آن حضرت بر وی نماز می‌خواندند و در تشييع و تدفين وی شرکت می‌کردند، اين رسم هم چنان سال‌ها و شايد قرن‌ها در جامعه مسلمين ادامه داشت و تنها در صورتی به هم می‌خورد که متوفی از دستگاه حاکم ناراضی بود، در اين صورت آن فرد وصيت می‌کرد که حاکم و خليفه را در مرگ او باخبر نکنند و دیگری بر او نماز بخواند (استرآبادی، ۱۳۹۱: ص ۷۷). حضرت زهرا عليها السلام با اين کار نه تنها نارضايتی خود از حاکمان عصر را تصريح کردند، بلکه مردمی را که بيعت شکستند نیز از شرکت در مراسم تحريم خویش محروم ساختند. اين مطلب بيان‌گر آن است که حتی مرگ هم نتوانست مبارزات سياسی حضرت زهرا عليها السلام، برای دفاع از مقام ولايت را پايان بخشد.

## منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی. ۱۳۷۹. *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار.
۲. المصری، ابی الفضل الافریقی. ۱۹۹۰ م. *لسان العرب*. نشر بیروت.
۳. اسکافی، ابوجعفر. بی تا. *المعیار و الموازنه*. نشر بیروت.
۴. ابن ضحاک، عمر بن عاصم. ۱۴۱۲ ق. *کتاب السنه*. جلد ۳. بیروت: اسلامیه.
۵. اشتهدادی، محمد مهدی. ۱۳۸۶. *رنجها و فریادهای فاطمه*. ترجمه بیت الحزان شیخ عباس قمی. قم: انتشارات ناصر.
۶. بخاری، ابواسماعیل. ۱۴۰۹ ق. *الادب المفرد الثقافه*. بیروت.
۷. تقوی، مهدی. سمایی، مریم السادات. ۱۳۹۲. قدر مخفی «تحلیلی نو از شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام)». چاپ اول. انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. دمشقی، ابن کثیر. ۱۴۱۲ ق. *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: نشر دارالمعرفه.
۹. طباطبائی، سید علی. ۱۳۸۶. *انسان کامل*. قم: چاپ اول. مطبوعات دینی.
۱۰. عمادی استرآبادی، صدیقه. ۱۳۹۱. *مروری بر احوالات حضرت صدیقه طاهره بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)* (برگرفته از درس های علامه سید مرتضی عسگری). چاپ اول. تهران: انتشارات علامه عسگری. قم: نشر مطیع.
۱۱. محاملی، اسماعیل الضبی. ۱۴۱۲ ق. *امالی المحاملی*. اردن: نشر مکتبه الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمد باقر. *بحار الانوار*. ۱۳۰۷ ق. ج ۲۵. تهران: انتشارات مکتب الاسلامیه.
۱۳. معتزلی، ابن ابی الحدید. ۱۳۰۴ ق. *شرح نهج البلاغه*. ترجمه غلام رضا لایقی. ج ۱۶. تهران.
۱۴. نیلی پور، مهدی. ۱۳۹۳. *فرهنگ فاطمیه*. چاپ دهم. مرکز فرهنگی شهید آیت الله مدرس.





نشست علمے







نشست علمی «دولت‌های بیابان گام دوم در ساحت حکمرانی فضای مجازی»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۲۹ مهرماه ۹۹.

با حضور دکتر عزیز نجف‌پور آقاییگلو (رئیس مرکز مطالعات فضای مجازی پژوهشگاه) و حجت‌الاسلام دکتر سید محمدحسین هاشمیان (رئیس گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ع)

### دکتر عزیز نجف‌پور:

تبیین جایگاه فضای مجازی در بیابان گام دوم:

فضای مجازی ساحت دوم زندگی انسان‌هاست و صرفاً یک حوزه راهبردی در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی نیست بلکه ساحت دوم حکمرانی است و از این رو، تمام محورهای بیابان گام دوم را می‌توان به حوزه فضای مجازی ترجمه کرد. ایشان حاکم اصلی فضای مجازی موجود را آمریکا دانست به این معنا که فضای مجازی جهان یک حکمران اصلی دارد و آن آمریکاست و بقیه کشورها در ذیل حکمرانی آمریکایی‌ها هستند و صرفاً چین و روسیه حداقل‌هایی از استقلال را توانسته‌اند کسب نمایند.

درواقع ما در شرایط استعمار مجازی به سر می‌بریم. از این رو، شاخص‌های ملی و دینی ما در فضای مجازی موجود تضعیف‌شده و آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی یعنی جمهوریت، اسلامیت و استقلال در فضای مجازی نحیف‌تر شده است.

استفاده از پلت‌فرم‌های خارجی باعث شده است کلان‌داده‌های جامعه ایران در اختیار دیگران و دشمنان قرار گیرد و نامحرمان از آن برای دست‌کاری اذهان و رفتار ایرانی‌ها استفاده می‌کنند. از این رو ما حتی نمی‌توانیم قوانین و مقررات خودمان را در عرصه حضور و فعالیت کاربرانمان در پلت فرم‌ها و پیام‌رسان‌هایی مثل تلگرام و اینستاگرام را اجرایی کنیم و در حال حاضر به‌عنوان نمونه اینستاگرام و تلگرام هستند که فعالیت مجازی کاربران ایرانی و محتواها را رگولاتوری می‌کنند.

آنچه باعث شده است کشور نتواند گام‌های اصلی حکمرانی فضای مجازی را بردارد، مدیریت دوگانه فضای مجازی است؛ به این معنا که نظام هنوز نتوانسته است کنشگران مختلف را در ذیل سیاست‌های کلان فضای مجازی مدیریت کند و برخی کنشگران حکمرانی کشور با نگاه درون‌حزبی و گروهی به این فضا می‌نگرند و نگاه کلان ملی و منافع کلان جامعه را ندارند و این بزرگ‌ترین فاجعه است.

با توجه به فرایند پنج‌گانه تحقق تمدن اسلامی (انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی)، محورهای مختلف بیانیه گام دوم را باید ذیل این پنج گام مطالعه کرد. وضعیت کنونی جامعه ایرانی از مرحله انقلاب، نظام‌سازی و دولت‌سازی عبور کرده و به مرحله جامعه‌سازی رسیده است و بیانیه گام دوم در پی ترسیم چگونگی جامعه‌سازی برای نیل به تمدن‌سازی است؛ اما در فضای مجازی، جامعه ایرانی در مرحله پیش‌انقلاب به سر می‌برد و باید نخست، انقلاب کند و از زیر استعمار مجازی بیگانگان بیرون بیاید و استقلال و امنیت خود را تأمین کند. این انقلاب باید مبتنی بر اهداف و هویت اسلامی ایرانی جامعه انجام شود و استقلال، آزادی، اسلامیت و جمهوریت را در پی داشته باشد. قسمتی از تلاش‌های صورت گرفته در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات را می‌توان در راستای تأمین هدف استقلال کشور دانست.

تمامی بندهایی که رهبری در برکات انقلاب اسلامی بر شمرده است، در حوزه غیرمجازی است و به ضرورت باید در حوزه فضای مجازی هم جزو اولویت‌های ما قرار بگیرد. بدین صورت که جمهوری اسلامی تمامی توفیقات چهل ساله خود در ساحت غیرمجازی را باید در عرصه مجازی هم تکرار کند و این به غیر از سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی بیانیه برای گام دوم انقلاب است.

وی در باب دلالت‌های بیانیه گام دوم در حوزه حکمرانی فضای مجازی به محورهای ذیل اشاره کرد:

۱. توسعه روشمند فضای مجازی به عنوان پیش‌ران توسعه کشور
۲. مشارکت مردم در حکمرانی فضای مجازی
۳. ارتقا سواد حکمرانی فضای مجازی مردم
۴. توسعه عدالت در/ با فضای مجازی
۵. توسعه معنویت و اخلاق اسلامی در ساحت فضای مجازی
۶. ورود روشمند مردم جریان انقلاب در تولید خدمات و محتوای هدفمند و فاخر در فضای مجازی
۷. ارتقای حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی
۸. توسعه علم و پژوهش در عرصه فضای مجازی برای نظام‌سازی، دولت‌سازی و جامعه اسلامی
۹. توسعه اقتصاد و کسب‌وکارهای فضای مجازی

۱۰. توسعه سرویس‌ها و پلت فرم‌های بومی

۱۱. مطالبه سلامت و کارآمدی حاکمیت با استفاده از فضای مجازی

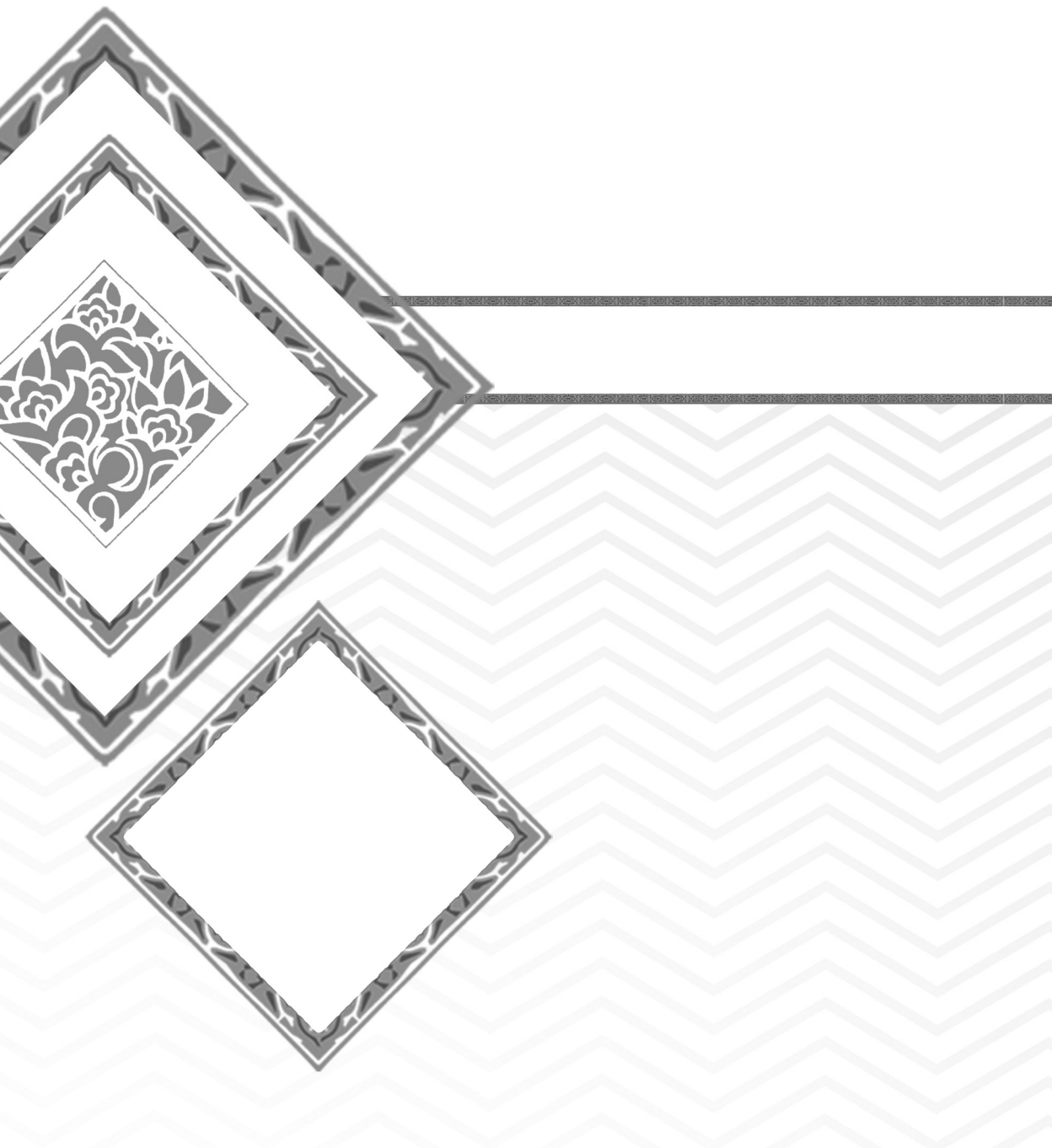
۱۲. حضور و فعالیت روشمند در عرصه و گستره منطقه و بین‌المللی فضای مجازی

۱۳. معماری فضای مجازی کشور بر اساس شاخص‌های اسلامی ایرانی

### حجت‌الاسلام دکتر سید محمد حسین هاشمیان:

با حضور هرچه بیشتر اینترنت در تعاملات انسانی چه‌بسا بتوان گفت فضای مجازی به ساحت نخست زندگی انسان بدل شده است. مفهوم حکمرانی (governance) مفهومی است که از دل آراء فوکو و هابرماس برآمده است. مطابق نظر هابرماس ساحت نفس‌الامری برای حقیقت وجود ندارد و حقیقت در سپهر عمومی (public sphere) محقق می‌شود. از این رو، مردم نقشی پررنگ در تعیین حاکمیت پیدا می‌کنند. حکمرانی ناظر به حکومتی است که عموم مردم مشارکتی جدی در تعیین حاکمیت دارند و اساساً حکمرانی در معنای متأخرش حکمرانی مشارکتی است. این فهم از حکمرانی با فهم اسلامی از حکمرانی ناسازگاری‌هایی دارد. از جمله اینکه حکمرانی در معنای اسلامی، معیار اصلی و نهایی وضع و اجرای حکم را حقیقتی نفس‌الامری می‌داند. هرچند در نگاه اسلامی نیز بر مشارکت مردم تأکید شده است. یکی از آسیب‌های کنونی حکمرانی فضای مجازی، غلبه رویکردهای اقتصادی و امنیتی است. حاکمیت، فضای مجازی را می‌توان مسیری برای افزایش درآمد دانست و تازمانی که خطر امنیتی پررنگی تهدیدش نکند، کاری با آن ندارد. این در حالی است که حاکمیت باید به موازین فرهنگی و سبک زندگی اسلامی (یکی از مهم‌ترین محورهای بیانیه گام دوم) در مدیریت فضای مجازی توجه کند.

از دیگر محورهای بیانیه گام دوم که ارتباط مستقیمی با فضای مجازی دارد، مسئله امیدآفرینی است. در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین مداخلات دشمنان خارجی در فضای مجازی جامعه ایران، القای ناامیدی و یأس است که باید با آن مقابله شود. از این رو علاوه بر حکمرانی فضای مجازی باید به حکمرانی از طریق فضای مجازی نیز توجه شود؛ یعنی به ظرفیت‌های گوناگونی که فضای مجازی در اختیار حکمرانی قرار می‌دهد. از جمله این ظرفیت‌ها که در ادبیات حکمرانی نیز به آن اشاره شده است، تأثیر مثبت فضای مجازی بر شفاف‌تر شدن مناسبات حکمرانی، امکان مشارکت جدی‌تر و گسترده‌تر مردم در امور حکمرانی و نیز امکان نظارت بیشتر مردم در این فضا است.



# چهره‌ی ماندگار



## مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان

حجت الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان، استاد تمام گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو هیئت امنای این نهاد، در سال ۱۳۳۹ در عجب شیر از بخش های آذربایجان شرقی متولد شد. تحصیلات خود را در همین شهر پی گرفت و از دوره دبیرستان به شهر تبریز آمد و در هنرستان صنعتی در رشته برق به تحصیل خود ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ شمسی، در رشته برق وارد دانشگاه شد، اما پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، از سال ۱۳۶۰، به حوزه علمیه قم رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی همزمان به تحصیل در رشته اقتصاد نظری در دانشگاه مفید اشتغال داشت و از سال ۱۳۶۸ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را گذراند. در سال ۱۳۷۳، برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد نظری وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شد و بعد از آن به تحصیل در دوره دکترای تخصصی تفسیر و علوم قرآن در همین دانشگاه مشغول شد. این اندیشمند اسلامی در سال ۱۳۸۲، دکترای تخصصی تفسیر و علوم قرآنی خود را گرفت و موفق شد در سال ۱۳۸۴، مدرک دکترای فقه اقتصادی را نیز دریافت کند. بسیاری از نظریه ها و نظرات کارشناسانه ی این استاد که مبتنی بر فقه است، گره گشای مسائل بانکی و پولی و امور مالیاتی کشور در سیستم بانکی و وزارتخانه های اقتصادی و مجلس شورای اسلامی بود.

### برخی سمت ها:

۱. استاد تمام و عضو پیشکسوت گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
۲. عضو هیئت امناء پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به تنفیذ رهبر معظم انقلاب اسلامی.

۳. رئیس سابق پژوهشکده نظام های پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴. عضو هیئت امنای دانشگاه امام صادق (ع) به حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی.

۵. عضویت در شورای علمی بنیاد نخبگان استان قم.

## معرفی برخی آثار کتاب

### ۱. بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی

درباره کتاب:

ویرایش جدید کتاب بانکداری اسلامی تلاش نموده است تا با رویکردی نوین، مهم‌ترین یافته‌های بانکداری و مالی اسلامی در ایران و سایر کشورها را جمع‌آوری و با بیانی ساده به مخاطب ارائه نماید. بر همین اساس، این کتاب دارای چند ویژگی اساسی است: الف- کتاب حاضر با رویکرد آموزشی تألیف شده است؛ به این معنا که با توجه به خلأ شدید منابع آموزشی در حوزه بانکداری اسلامی به زبان فارسی، این کتاب سعی نموده است تا با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها، قابلیت کاربرد به عنوان منبع درسی یا کمک‌درسی را فراهم کند. ب- این تحقیق سعی نموده است تا حد امکان مباحث نظری بانکداری اسلامی را با تجارب اجرایی ترکیب کند. پ- کتاب حاضر بانکداری اسلامی را برای نظام بانکی کشور ایران موردبحث قرار می‌دهد؛ بدین معنا که در بیشتر مباحث به موضوع تجربه نظام بانکی کشور اشاره شده است. ت- در تدوین مباحث تلاش شده است تا بیشترین سازگاری با فقه اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا موردتوجه واقع شود.

مزیت این ویرایش نسبت به ویرایش قبلی کتاب در آن است که در فصل هشتم با عنوان: «ارزیابی فقهی سپرده‌ها، تسهیلات و خدمات بانکی»، عقد مرابحه با شفافیت بیشتری تبیین شده و به طرح جدید بانک مرکزی جهت توسعه کارت‌های اعتباری مرابحه اشاره گردیده است. فصل یازدهم با عنوان: «استمهال مطالبات غیر جاری»، به صورت اساسی مورد بازبینی واقع شده و در آن بین عقود اسلامی باقابلیت تمدید و عقود غیرقابل تمدید تفکیک شده است؛ در فصل شانزدهم با عنوان: «مدیریت نقدینگی در بازار بین‌بانکی» نیز ابزار جدید قرارداد رپوی اسلامی اضافه شده است. در سایر فصول نیز اصلاحات جزئی و موردی متعددی اعمال شده است.

مباحث ارائه شده در این کتاب می‌تواند به عنوان منبع درسی یا کمک درسی برای دروس مرتبط با بانکداری اسلامی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های گوناگون (مانند بانکداری اسلامی، اقتصاد اسلامی، مدیریت مالی، مدیریت امور بانکی





و حقوق اقتصادی و بانکی) استفاده شود. علاوه بر این، مباحث این کتاب می‌تواند برای دوره‌های آموزشی خاصی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران و یا بخش‌های آموزشی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جهت توسعه دانش کارمندان و سایر ذی‌نفعان نظام بانکی طراحی می‌شود، مورد استفاده واقع گردد.

### مشخصات نشر:

بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی؛ سید عباس موسویان، حسین میثمی؛ چاپ اول؛ ناشر: پژوهشکده پولی و بانکی. ۱۳۹۵. تعداد صفحات: ۶۹۲ صفحه  
۲. معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید

### درباره کتاب:

به دنبال اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، سؤالات شرعی زیادی برای مردم متدین و کارگزاران نظام بانکی مطرح شد که از راه‌های مختلف از مراجع تقلید استفتا شده و می‌شود. هر یک از مراجع بزرگوار تقلید، بر اساس مبانی خود، جواب آن استفتائات را می‌دهند. با توجه به نیاز شدید محافل علمی و کارگزاران نظام بانکی و مشتریان بانک‌ها به این استفتائات، لازم بود این احکام به صورت یکجا و منظم تدوین گردد. این کتاب در پاسخ به این نیاز تدوین شده است.

در این کتاب، فتاوی مراجع بزرگوار تقلید گذشته و کنونی، آیات عظام امام خمینی (ره)، خویی، گلپایگانی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، شبیری زنجانی، سیستانی، صافی گلپایگانی، صانعی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، وحید خراسانی، مظاهری، جوادی آملی، شاهرودی، سبحانی و رضوانی از رساله‌های عملیه (توضیح المسائل‌ها) و کتاب‌های استفتائات و دیگر منابع معتبر استخراج شده و سپس در چند بخش تنظیم گردیده است. در پایان، نظرات حضرت آیت‌الله رضوانی از فقهای بزرگوار شورای نگهبان که در واقع بیانگر دیدگاه آن شورا است، نقل شده است.

معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید؛ سید عباس موسویان؛ چاپ دوم؛ ناشر: پژوهشکده پولی و بانکی. ۱۳۹۲

## مقالات

۱. «بهره بانکی همان رباست، نقدی بر مقاله «تفاوت ربا و بهره بانکی»؛ تألیف سید عباس موسویان؛ مجله نقد و نظر؛ ۱۳۷۶؛ شماره ۱۳-۱۴.

## چکیده

در دنیای امروز، عواملی همچون پیشرفت ابزار تولید، تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی و بزرگ شدن مقیاس بنگاه‌های تولیدی و تجاری، نیاز به سرمایه‌های فیزیکی و نقدی را دوچندان می‌کند؛ این در حالی است که تحریم ربا و تطبیق آن بر بهره بانکی، استفاده از پس‌اندازهای مردمی و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری‌های مولد، بر مبنای روش‌های رایج در اقتصاد سرمایه‌داری را با مشکل اساسی مواجه کرده است. این امر منجر به پدید آمدن سه نوع تفکر در میان مسلمانان گردیده است: برخی با قبول ممنوعیت ربا و تطبیق آن بر بهره در نظام سرمایه‌داری، به‌ویژه بهره بانکی، درصدد ابداع شیوه‌های دیگری برای حل مشکل سرمایه برآمده‌اند. توجه به بازار سهام، تأکید بر شرکت‌های سرمایه‌گذاری، ارائه الگوی بانکداری بدون ربا، انتشار اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری و گسترش تعاونی‌های تولیدی و تجاری، نمودهای عینی این تفکر است. گروه دوم در عین پذیرش ربا بودن بهره بانکی، درصدد برآمده‌اند تا گاهی به اسم ضرورت، زمانی به اسم حاجت و اخیراً به اسم مصلحت، با تمسک به قواعد فقهی «اضطرار»، «حاجت مسلمین» و «مصلحت راجحه» راهی برای حلال کردن آن بیابند. نمونه عینی این تفکر را می‌توان در قوانین برخی از کشورهای اسلامی و عربی مشاهده کرد. گروه سوم از زاویه موضوع‌شناسی وارد شده و با بیان‌های مختلف کوشیده‌اند ثابت کنند که بین ربا و بهره تفاوت وجود دارد. ازجمله، تمایز میان بهره تمدید مهلت بدهی و بهره ابتدایی قرض‌ها، بهره فاحش و بهره عادلانه، بهره قرض‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری، بهره واقعی و اسمی، بهره ثابت و بهره متغیر، بهره قرض‌های خصوصی و دولتی، بهره قرض‌های معمولی و بهره وام‌های بانکی و درآمد قطعی و غیرقطعی، نشان‌دهنده مبنای برخی از نظریات ارائه‌شده توسط این گروه است. مدتی است جناب دکتر موسی غنی‌نژاد، از اساتید اقتصاد، با نوشتن مقالات و ارائه سخنرانی‌هایی وارد گروه سوم شده و درصدد تبیین فرق بین ربا و بهره برآمده‌اند که آخرین کارشان، از



جهت تاریخ نشر، مقاله «تفاوت ربا و بهره بانکی» است که در شماره اخیر مجله وزین نقد و نظر منتشر گردیده است. ایشان در این مقاله همانند نوشته‌ها و گفته‌های قبلی‌شان بر دو نظریه نسبتاً منسجم تأکید کرده و به موارد دیگر فرق نیز، به تناسب، اشاره دارند. و گاهی به «نظریه مورد تأکید» یاد می‌کنند، معتقدند که «ربا عبارت است از درآمد قطعی از قبل تعیین شده در حالی که بهره درآمد غیرقطعی متغیر است».

و در نظریه دوم معتقدند: «ربا عایدی برون‌زای پول به‌عنوان واسطه مبادله است در حالی که بهره بازدهی داخلی پول به‌عنوان سرمایه نقدی است»

در این نوشتار، که در حقیقت نقد این دو نظریه است، ابتدا چکیده نظریه را مطرح کرده، سپس با کمک کلمات و عبارات ایشان آن را توضیح می‌دهیم. در مرحله سوم محورهای اصلی نظریه را استخراج کرده و در مرحله چهارم به ارزیابی آن محورها خواهیم پرداخت.

۲. «بررسی فقهی - حقوقی تعیین نرخ سود بانکی»؛ سید عباس موسویان؛ حقوق اسلامی؛ سال چهارم بهار ۱۳۸۷ شماره ۱۶.

## چکیده

یکی از موضوعات چالشی سال‌های اخیر بخش پول و بانکداری کشور، موضوع تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر است. تعیین نرخ سود و کیفیت تصمیم‌گیری و نحوه ابلاغ آن، از جهات فقهی، حقوقی و اقتصادی قابل نقد و بررسی است. در این مقاله، بعد از تبیین دیدگاه فقه اسلامی پیرامون حکم قیمت‌گذاری به‌صورت عام در همه بازارها و به‌صورت خاص در بانکداری بدون ربا، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً، در شرایط عادی اقتصاد، کسی حق قیمت‌گذاری ندارد و قیمت در بازار تعیین می‌شود. ثانیاً، در شرایط غیرعادی مانند تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد. ثالثاً، اگر صاحبان کالاها و خدمات سوءاستفاده کنند و قیمتی تعیین کنند که کسی توان خرید نداشته باشد و آن قیمت به‌وسیله ای برای احتکار تبدیل شود، حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد و قیمت

تعیین شده باید متناسب باقیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نشود. مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا، گرچه بانک مرکزی اختیار تعیین نرخ سود را دارد، ولی این اختیار در چارچوب رابطه حقوقی سپرده‌ها، تسهیلات و ماهیت بانک تعریف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وکالت، بهره، سود واقعی، قیمت‌گذاری، سود بانکی، سود اسمی

۳. «نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین»؛ سید عباس موسویان؛ اقتصاد اسلامی؛ سال هفتم بهار ۱۳۸۶ شماره ۲۵.

## چکیده

بی‌تردید تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا بافاصله اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی و حذف ربا از نظام بانکی، کامیابی بزرگی برای طراحان قانون و مسئولان بانکی وقت شمرده می‌شود، اما این به معنای پایان کار و رسیدن به قانون کامل و بی‌نقص نیست، بلکه این قانون نیز مانند همه قوانین بشری نیازمند مطالعه، اصلاح و تکمیل پیاپی است. حال که بیش از بیست‌وسه سال از اجرای قانون می‌گذرد، مناسب است با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و دیگر بانک‌های بدون ربا، قانون عملیات بانکی بدون ربا را نقد و بررسی و درباره اصلاح و تکمیل آن اقدام کنیم. به‌طور کلی اشکال‌ها و انتقادهای اساسی قانون را می‌توان در موردهای ذیل طبقه‌بندی کرد: ۱. عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمرو شمول قانون؛ ۲. متأثر شدن قانون از وضعیت اقتصادی اول انقلاب به‌ویژه از نگرش دولتی بودن بانک‌ها؛ ۳. عدم قابلیت قانون برای طراحی الگوهای متناسب با انواع مؤسسه‌های اعتباری بانکی و غیر بانکی؛ ۴. عدم جامعیت و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های سپرده‌گذاران؛ ۵. عدم جامعیت و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های متقاضیان تسهیلات؛ ۶. عدم جامعیت و نارسایی ابزارهای سیاست پولی استفاده‌شده در قانون؛ ۷. فقدان راهکار مناسب برای روبه‌رو شدن طلبه‌ای معوقه؛ ۸. فقدان راهکار ارتباطی بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی ایران با بانک‌های بدون ربا و متعارف دنیا؛ ۹. فقدان راهکار مناسب برای نظارت و کنترل شرعی فعالیت بانک‌ها و

دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی؛<sup>۱۰</sup>. فقدان راهکار مناسب برای تحقیق و توسعه بانکداری بدون ربا؛ در مقاله با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و دیگر کشورهای اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا نقد و بررسی شده، آنگاه برای اصلاح و تکمیل، قانون جایگزین پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بانک، تخصیص منابع، بانک مرکزی، نظام بانکی، بانک تجاری، تجهیز منابع، بانک تخصصی، الگوهای بانکداری، ابزارهای سیاست پولی، کمیته فقهی قانون فعلی، قانون پیشنهادی.